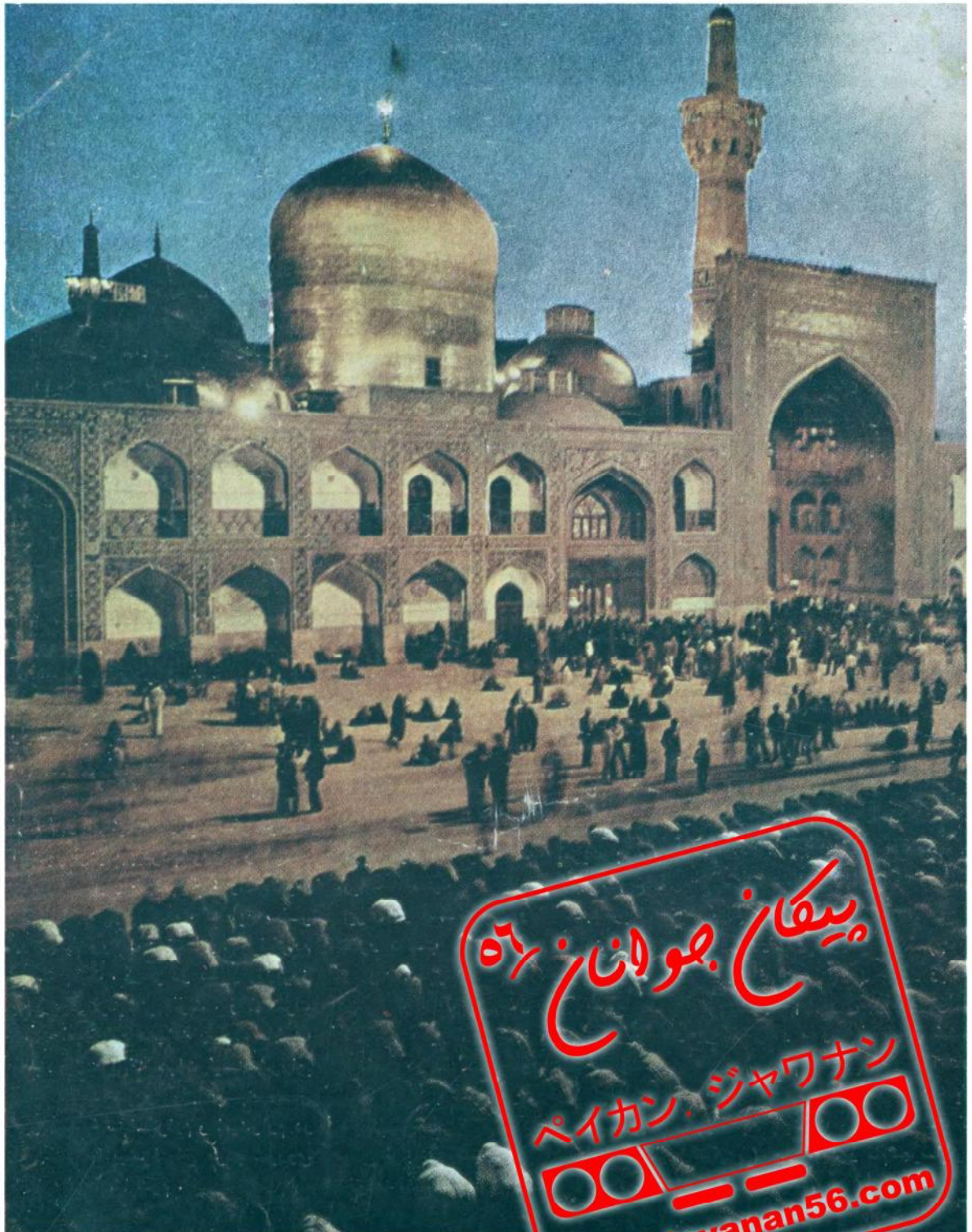




شماره ۸۱ سال سی و هشتم - سه شنبه ۱۵ تیر ماه سال ۱۳۸۵ شاهنشاهی

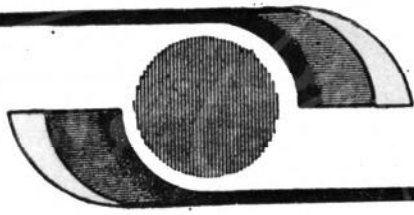
خواندنیما



پیکان جوانان ۵۶

ペイカン・ジャワナン

www.javanan56.com



ایران و جهان در سه روز گذشته

جلسه شورای شاهنشاهی

● اولین جلسه شورای شاهنشاهی آموزش، در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو روزشنبه گذشته برگزار شد. در این جلسه شاهنشاه آریامهر مقرر فرمودند (... شورا در یکسال آینده اصول کلی اساسنامه شورای شاهنشاهی آموزش را مورد بررسی قرار دهد و همزمان، کاردبیرخانه کنفرانس انقلاب آموزشی رامسر را بهعهده بگیرد

والاحضرت ولایتعهد در شوروی

● والاحضرت همایون ولایتعهد که بنا بدعوت دولت روسیه شوروی در آنکشور بسر میبرند، برای یک اقامت سه روزه به ایالت کریمه در کرانه های دریای سیاه تشریف فرما شدند و از کاخ معروف (یالتا) که محل برگزاری کنفرانس تاریخی (یالتا) در جنگ دوم جهانی بود دیدن کردند

بیانات والاحضرت در مسکو

● هنگام ورود به مسکو، والاحضرت ولایتعهد ایران در پاسخ خوشامدگویی (نیاز بکوف) قائم مقام صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی طی بیاناتی فرمودند:

از سخنان محبت آمیز شما تشکر می کنم و از اینکه در این سفر فرصت آشنایی نزدیک با مردم شوروی را خواهم یافت، بسیار خوشوقتم، والاحضرت اظهار امیدواری کردند که این سفر در تحکیم روابط دو کشور تاثیر نیکویی داشته باشد. و هر دو کشور روز بروز به یکدیگر نزدیک تر شوند. والاحضرت گفتند امیدوارم همیشه روابط ما خوب باشد و از دعوتی که هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی از من به عمل آورده اند، سپاسگزارم و امیدوارم در این سفر با پیشرفتهای مردم شوروی از نزدیک آشنا شوم.

سفر هویدا به مغولستان

● به دعوت دولت جمهوری مردم مغولستان، آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر، برای یک دیدار رسمی پنج روزه به مغولستان میرود. سفر آقای هویدا از روز جمعه ۱۸ تیر آغاز میشود و تا ۲۲ تیر ادامه خواهد داشت.

ایجاد وزارتخانه تازه

● هنگام طرح لایحهی وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی در مجلس شورای ملی آقای دکتر شیخ الاسلام زاده وزیر مشاور و سرپرست آن وزارتخانه اعلام کرد که بنا به اظهار نظر فرهنگستان ایران نام وزارت بهداشتی و بهزیستی برای این وزارتخانه پیشنهاد شده است. این نام مورد تأیید قرار گرفت و تصویب شد

دویستمین سال استقلال آمریکا

● روز یکشنبه گذشته، آمریکائیان دویستمین سال ایجاد ایالات متحدهی آمریکا را جشن گرفتند. به همین مناسبت شاهنشاه آریامهر نیز طی یک پیام به رئیس جمهوری آن کشور دویستمین سالگرد آمریکا را تبریک گفتند

مرکز آمریکاشناسی در ایران

● کمیته عالی ایرانی بزرگداشت دویستمین سالگرد انقلاب آمریکا به ریاست عالییه علیاحضرت شهبانوی ایران در آستانه سالروز انقلاب آمریکا مقرر داشت که مبلغ یک میلیون دلار بصورت سپرده در بانک مرکزی ایران تودیع گردد که از محل بهره سالانه آن هزینه ایجاد و اداره یک مرکز آمریکاشناسی در دانشگاه پهلوی تأمین شود. در ایجاد این مرکز و همچنین سایر کرسیهای آمریکاشناسی از همکاری های نزدیک موسسه فولبرایت استفاده خواهد شد.

رابطه ایران و «سی شل»

● در اواخر هفته گذشته میان دولت شاهنشاهی ایران و جمهوری ۶۰ هزار نفری (سی شل) که بتازگی مستقل شده و جزو کشور های آفریقائی است روابط سیاسی برقرار شد

مذاکرات ایران و شوروی

● اولین دوره مذاکرات بازرگانی ایران و اتحاد جماهیر شوروی دروزارت بازرگانی آغاز شد. هدف این مذاکرات تنظیم فهرست تازه ای از کالاهای مورد نیاز ایران و روسیه شوروی است.

قرارداد سوخت اتمی

● برای امضاء قراردادی در زمینهی تأمین سوخت نیروگاههای اتمی ایران (هان شیل) کفیل وزارت تحقیقات و تکنولوژی آلمان فدرال در راس یک هیات بلند پایه وارد ایران شد

وقوع کودتا در سودان

● یکبار دیگر مخالفان (جعفر نومیری) رئیس جمهوری سودان سعی کردند که او را از قدرت برکنار کنند ولی نومیری که در لحظهی وقوع کودتا تازه از سفر اروپا باز آمده و در فرودگاه خارطوم منتظر پرواز به جزیرهی موریس برای شرکت در جلسات سازمان وحدت آفریقا بود با کمک سیاسی مصر بر کودتاگران پیروز آمد

دو ویتنام یکی شد

● روز دوم ژوئیهی ۱۹۷۶ (جمعه ۱۱ تیر ماه ۲۵۳۵) دو کشور ویتنام شمالی و ویتنام جنوبی براساس توافق رهبران هر دو کشور بهم ملحق شدند و کشور (ویتنام متحد) بوجود آمد که یک پرچم و یک سرود، یک قانون، یک رهبر و یک پایتخت خواهد داشت که (هانوی) خواهد بود و نام شهرسایگون به شهر (هوشی مین) مبدل میشود

بخش شنیدنیها

خبرهای رسمی کشور و جهان ، و خلاصه گزارشها و شامل : رپرتاژهای خبری و زبده خبرهای خاص و خصوصی مطبوعات و انواع شایعات

روابط خارجی

● بسزودی در زمینه گسترش مناسبات ایران با اندونزی ، از سوی هردو کشور ، يك سلسله فعالیت های وسیع و پردامنه آغاز خواهد شد که همین فعالیت ها اساس همکاری های گسترده و پر تحرکتری را پی ریزی خواهد کرد . بقرار اطلاع ، بمنظور هماهنگ کردن فعالیت های مورد نظر چه در امور بازرگانی و چه در مسائل اقتصادی و فرهنگی وامورفی ، اقدامات مقدساتی هم چندی است که شروع شده است .

«خراسان»

● منابع آگاه در اسلام آبادتایید کردند که ذوالفقار علی بوتو نخست وزیر پاکستان در این هفته به تهران خواهد آمد . بوتو به حضور شاهنشاه خواهد رسید و مذاکراتی نیز با امیر عباس هویدا نخست وزیر انجام خواهد داد .

بوتو در این سفر شاهنشاه را از تحولات تازه در مناسبات پاکستان با افغانستان و هند آگاه خواهد کرد .

«کیهان»

● وزارت امور خارجه اعلام داشت «نظر به علاقمندی دولت شاهنشاهی ایران و دولت سیلش و با توجه به اصول منشور ملل متحد ، دو کشور در مورد برقراری روابط

سیاسی در سطح سفارت موافقت کردند .»

مجمع الجزایر سی شل که در اقیانوس هند و در شمال شرقی ماداگاسکار (جمهوری مالاگاشی) واقع شده ، هفته گذشته استقلال یافت . نخست وزیر این کشور ۶۰۰۰ نفری چند ماه پیش به ایران آمده بود و گفتگو هایی با مقامهای ایرانی داشت . همچنین ناوگان دریائی ایران ضمن سفر دوستانه ای به جزایر اقیانوس هند در سیلشز مورد استقبال قرار گرفت .

«رستاخیز»

● در جریان کنفرانس احزاب کمونیست اروپا در برلن ، لئونید برژنف نخست وزیر شوروی درباره ی همکاری میان کشور ها به روابط ایران و شوروی اشاره کرد و گفت روابط شوروی و ایران نمونه مخصوصی است که همکاری مسالمت آمیز برپایه برابری حقوق و نفع متقابل این دو کشور همسایه را که نظام های اجتماعی متفاوت دارند مجسم مینماید چنانچه معلوم است بین ایران واتحاد شوروی روابط بازرگانی و اقتصادی و فنی و فرهنگی با موفقیت توسعه می یابد مردم شوروی ازاینکه باهمکاری کشور ما در ایران تاسیسات مهمی نظیر مجتمع ذوب آهن اصفهان و کارخانه ماشین سازی ارارک و لوله گاز سرتاسری ایران احداث گردیده و استفاده از گاز طبیعی آغاز شده است عمیقاً ابراز رضایت میکنند .

«اطلاعات»

● سخن بسیار دوستانه نخست وزیر شوروی در باره ایران درکنفرانس

ایرانی ها «بلیت» ندارند، خارجی ها « جا » ندارند

این روز ها برای مسافرتی که از خارج به تهران می آیند ، و مسافرتی ایرانی که بخارج میروند ، مشکلات غیر قابل حلی وجود دارد که معلوم نیست کی و چه وقت به سامان خواهد رسید ، خارجیها در تهران هتل گیر نمی آورند و ایرانیهای عازم خارج بلیط هواپیما پیدا نمیکنند ، ظاهراً برای این مشکل که ناشی از هجوم خارجیها به ایران و ایرانیها به تهران است هیچ راه حلی وجود ندارد ، چند هتل بزرگو مهم در دست احداث و چندتا دیگر در دست طراحی است که هیچکدام تا چند سال آینده قابل بهره برداری نیست ، آمار رفت و آمد خارجیهاروز بروز رو به افزایش است ، سابقاً هتل های عالی و ممتاز دچار این بن بست بودند ، اما این روزها تقریباً همه ی آنهایی که اسم هتل دارند اتاق خالی ندارند ، هتل های ممتاز و عالی گویا دربست به اجاره رفته اند زیراتاقهای آن تا دو سال دیگر زرو شده است . گفته میشود تعدادی از اتاق های هتل از جریان داد و ستد مشتریان خارج شده تا اگر میهمانان سیاسی و اقتصادی دولتی ، وارد شدند جا داشته باشند ، هتل های کوچک هم اگر اتاقی داشته باشند ، در این بازار آشفته باین آسانی عرضه نمیکنند .

«اطلاعات»

لیست سیاه برای صادر کنندگان چک بی محل

با تصویب لایحه‌ی چک در مجلس و ابلاغ آن به دولت ، برای کسانی که بیش از یکبار چک بی محل بدهند لیست سیاه تهیه می‌شود و تا ۵ سال هیچک از بانك ها اجازه نخواهند داشت به نام این افراد حساب جاری باز کنند .

در يك ماده لایحه‌ی چك كه طی هفته گذشته آخرین مرحله بررسی در مجلس را گذراند بانك ها مكلف شده‌اند «تمام حساب های جاری اشخاصی را كه در مدت سه سال بیش از یکبار چك بی محل داده‌اند و تعقیب آنها به صدور کیفر خواست در مراجع قضائی منجر شده باشد ببندند و تا ۵ سال نیز بنام آنها حساب جاری باز نکنند . برای بانك هایی كه خلاف این ماده عمل کنند طبق قانون پولی و بانكی كشور مجازات در نظر گرفته شده ، و از سوی دیگر دادرها نیز مكلف شده‌اند صدور هر کیفرخواستی را در زمینه صدور چك بی محل به بانك مرکزی اطلاع دهند و بانك نیز مشخصات این افراد را به تمام بانك ها اعلام می‌دارد تا اگر حسابی دارند ببندند و تا ۵ سال نیز به نام آنها حساب جاری باز نکنند . تنها در صورتی كه به حكم قطعی دادگاه متهم تبرئه شود به تقاضای او مراتب از طریق دادرها به بانك مرکزی اطلاع داده می‌شود تا نسبت به رفع ممنوعیت از دارنده حساب جاری اقدام شود .

«آیندگان»

روابط داخلی - اداری

● شرکت مخابرات ایران اعلام کرد كه از این پس برای مشترکین تلفن در سال فقط سه بار قبضه آبونمان فرستاده میشود و صاحبان تلفن هر چهار ماه یکبار پول تلفن خواهند داد. براساس طرح جدید از این پس برای ۳۴۰۰ هزار مشترك تلفن قبوض آبونمان ۳ تا ۴ ماهه فرستاده میشود .

«خراسان»

● با آغاز نهضت ساختمانی در سراسر كشور برای تامین كمبود مسكن طبقات مختلف مردم و تامین مصالح مورد نیاز برنامه های ساختمانی ، بویژه سیمان كه امروز در فعالیت ساختمانی نقش حساس دارد، برنامه‌یی در دست اجرا است كه بموجب آن ترتیبی داده خواهد شد تا دست‌اندر-كاران تهیه مصالح ساختمانی به تولید بیشتر ترغیب و تشویق شوند . بر

احزاب كمونیست اروپا در برلن ، در حالیکه ولیمهد ایران نیز با استقبال بسیار گرم مقام های شوروی قرار گرفته است ، حکایت از آن دارد كه روابط میان ایران و شوروی به حد نصاب های تازه‌ای از تفاهم و همکاری گسترش یافته است و دو كشور امکان آنرا خواهند یافت كه از عوامل موجود بسود اقتصاد دو كشور ، بالاترین بهره را بگیرند .

● ایران و شوروی جزو روابط تجاری و فرهنگی بسیار گسترده ، هم‌اکنون سرگرم اجرای دهها طرح بزرگ صنعتی و تولیدی هستند كه طرح افزایش ظرفیت كارخانه ذوب آهن آریامهر ، كشیدن خط لوله دوم گاز از جنوب به مرز های شوروی وسیلو های متعدد از آن جمله است .

«آیندگان»

اساس این برنامه ، اطلاع یافتیم مقدمات ایجاد ۳ كارخانه سیمان فراهم گردیده و بزودی نصب خواهد شد « بهارایران »

● از سوی سازمان امور دانشجویان كشور ضابطه انتخاب فارغ التحصیلان دیپلمه منطقه‌ای برای تحصیل در دانشگاههای سراسر كشور اعلام شد و گفته شد كه دیپلمه های فارغ التحصیل در مناطق مورد نظر بدون گذراندن كنكور وارد دانشگاه ها خواهند شد .

● براساس این ضابطه استان های سیستان و بلوچستان ، ساحی و جزایر و بنادر خلیج فارس و دریای عمان ، كردستان ، ایلام ، بوشهر ، فرمانداری كل كهگیلویه و بویر احمد و فرمانداری های گرگان و گنبدكاس (تركمن صحرا) و شهرستانهای مهاباد ، نقده ، پیرانشهر ، سردشت ، خانه از استان آذربایجان غربی و منطقه دشت میشان از استان خوزستان ، هم- چنین استان لرستان و کرمانشاهان اورامانات بدون شركت در آزمون همگانی بدانشگاههای شهرستان های منطقه خود راه خواهند یافت .

«رستاخیز»

● سرانجام شورای شاهنشاهی آموزش تشکیل و مقررات آن اعلام گردید این شورا در زمینه آموزش برای ایجاد هماهنگی و تعیین سیاست های آموزشی در سطوح مختلف تشکیل شده است . این شورا براساس اساسنامه‌ای كه به توشیح شاهنشاه آریامهر رسیده كار خود را آغاز کرده است .

● این شورا در حقیقت همانطور كه شاهنشاه آریامهر فرمودند دبیرخانه دائمی كنفرانس انقلاب آموزشی است كه بصورت نزدیكتر و با فواصل كمتر تشكيل خواهد شد و سالی يكبار ترازنامه كار در پیشگاه اعلیحضرتین در كنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

«آیندگان»

پیشنهاد های خرید نفت از همه جا بایران میرسد

در چند ماه اخیر که فروش و صدور مستقیم نفت خام ایران توسط شرکت ملی نفت ایران قوس صعودی پیموده و یکپاره به سه برابر سال گذشته بالا رفته پیشنهادات متعددی از اقصی نقاط جهان برای خرید و صدور نفت خام به تهران رسید.

این پیشنهادات که از آمریکا و آمریکای جنوبی گرفته تا آفریقا و آسیا و اروپا و کانادا و ایفانوسیه دامنه خود را وسعت داده در کمسیون خاصی در شرکت ملی نفت ایران تحت بررسی قرار گرفت. علاوه بر این کارشناسان و بازاریابان شرکت نیز در نقاط مختلف جهان سرگرم بازاریابی مطمئن و با دوام و توأم با منافع شرکت میباشند تا صرفا مسئله فروش نفت بخام مورد نظر نباشد و ضمن انعقاد قرارداد های فروش، تاسیسات نفتی و جایگاه های فروش نیز مورد نظر شرکت ملی نفت ایران میباشند تا پایه های فروش نفت خام از لحاظ استحکام و دوام و جلب منافع مشترک و سود طرف مقابل از هر حیث رعایت و تامین گردد.

باید دانست فروش و صدور مستقیم نفت خام ایران که در سال گذشته خورشیدی در حدود ۸ تا ۹ میلیون بشکه در ماه بود حالا به حدود سه برابر یعنی ۲۳ تا ۲۴ میلیون بشکه در ماه افزایش یافته و مرتبا نیز در حال اضافه شدن است و این خود مایه موفقیت های بازاریابی و هجوم خریداران نفت ایران از اقصی نقاط جهان برای ایجاد چند واحد تازه تولید مصالح ساختمانی در اصفهان برای خرید نفت میباشند.

« بورس »

● تاریخ برگزاری کنگره بزرگ احزاب رستاخیز ملت ایران را روز پنجم آبان ماه سال جاری اعلام گردید و آقای هویدا نخست وزیر اعلام کردند هفت هزار نفر نمایندگان شرکت کننده در کنگره بزرگ حزب افتخار شرکت در مراسم چهارم آبان زادروز شاهنشاه آریامهر را خواهند داشت.

● آقای نخست وزیر با اشاره به اینکه دستور جلسه کار کنگره هفته آینده در هیئت اجرایی موقت حزب مطرح خواهد شد گفتند گزارشی که به عنوان دبیرکل به کنگره خواهم داد روز اول مرداد ماه جاری به کانون های حزبی سراسر کشور فرستاده میشود تا با مطالعه آن نظراتی را که دارند آماده کنند تا وسیله نمایندگان آنان که در کنگره شرکت میجویند مطرح شود.

● سرانجام وزارتخانه جدید که جانشین وزارت بهداری شده از حالت بی شکلی درآمد و با نامی که روی آن قرار گرفت، مثل جیوه، تابع فشارها و حرکت های روز نخواهد بود و مردم نیز با نام مختصر و مشخصی روبرو هستند: وزارت بهداری و بهزیستی اما حتی در فورم کنونی وزیر نام جدید هم احساس می شود، وظایف این وزارتخانه جدید، هنوز درست جا نیفتاده است و گستردگی وظایف، توأم با تازه بودن نام یکی از دلایل این جا نیفتادن است.

● پیغام امروز
● اتاق اصناف در آستانه یک نوع تحولات سازمانی است که گفته میشود بزودی انجام میگیرد و تشکیلات این سازمان بزرگ صنعتی دستخوش تغییرات خواهد شد، از آنجائیکه تمام کسبه و صنوف بطور مستقیم، و میلیون ها مصرف کننده تهرانی بطور غیرمستقیم با این سازمان سرو کار دارند، هر تغییر - حتی کوچک - اثر وسیع در بین مردم خواهد داشت. تغییرات سازمانی را باید در حقیقت

دنباله تغییرات و برنامه وظایف و هدف های اتاق اصناف دانست.

« اطلاعات »

روابط اقتصادی - عمرانی

● با ۳ میلیارد ریال سرمایه - گذاری ایران و فرانسه یک هتل مجهز بین المللی با ۶۰۰ اتاق در ۲۰۰ هزار متر مربع زمین های ونک ساخته می - شود

برای ایجاد این هتل صاحبان صنعت و تجارت فرانسه نیز در دفتری که در این هتل پیش بینی شده است بصورت مرکز تجمع بازرگانی استقرار می یابند و یک شرکت مختلط سرمایه - گذاری هم اکنون برای اجرای طرح تاسیس شده است که سرمایه نخستین آن یک میلیارد ریال است.

« خراسان »

● با تصویب لایحه تازه چک، بانک ها چک های مدت دار را رد نمی - کنند و به هنگام مراجعه مشتری به بانک، در صورت موجود نبودن اعتبار صادر کننده چک را برگشت خواهند زد و برای انجام تشریفات قانونی آنها در اختیار مشتری قرار میدهند، مفاد این لایحه که بزودی بمرحله اجرا در می آید، اینطور حکایت دارد که هرگاه پس از صدور حکم قطعی، شاکی اذیت کند و یا اینکه محکوم علیه موجبات پرداخت وجه چک و خسارت در تاخیر را بپردازد، اجرای حکم موقوف میشود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود.

« بهار ایران »

● براساس قرارداد های امضاء شده بین ایران و کشور های اروپایی

● صاحب کالا باید قبل از تشریفات ترخیص را انجام داده باشد. همچنین به کشتیهائیکه کالای موجود آنها متعلق به چند شخص حقیقی و حقوقی باشد، چنانکه صاحبان آنها با هماهنگی یک دیگر تشریفات ترخیص را انجام دهند و حاضر بحمل مستقیم محموله باشند اولویت داده میشود.

«اطلاعات»

گوناگون

● با توسعه روابط سیاسی و اقتصادی ایران با کشور های جهان علاقه زیادی در بین افراد کادر دیپلمات سفارتخانه ها برای آموختن زبان فارسی پدیدار شده است گروههایی از دیپلماتها نیز در کشور های خودشان مشغول یاد گرفتن زبان فارسی هستند تا در نخستین فرصت بتوانند به تهران فرستاده شوند.

● از سفارتخانه هایی که تقریباً همه اعضای آن به فارسی صحبت میکنند سفارت پاکستان، افغانستان، شوروی و جمهوری خلق چین را می توان نام برد از اینها گذشته عده فارسی زبانها در سفارتخانه های عربی بیش از دیگر سفارتخانه ها است.

«خراسان»

● لایحه حفظ حقوق طرحهای ایرانی در بازار های خارج تهیه گردید و بزودی برای بحث و بررسی و همچنین تصویب تقدیم قوه مقننه خواهد شد.

هدف از تدوین این لایحه بیشتر حمایت از صنعت فرش ایران و جلوگیری از تقلید نقش و طرح های فرش های اصیل ایرانی در کشور های خارجی است. این لایحه که بنام لایحه حمایت از طرح و مدلهای صنعتی نامگذاری گردیده در ۲۸ ماده تهیه شده است.

لایحه طرح و مدلهای صنعتی با توجه به نیاز ملی و بررسی قوانین سایر کشورها و نمونه های بین المللی تهیه شده است.

«رستاخیز»

نیم میلیون ایرانی بخارج کشور میروند

با شروع فصل تعطیلات و آغاز سفرهای تابستانی، رقم مسافران ایرانی عازم اروپا و آمریکا به حدنصاب تازدای رسید و چند شرکت مسافری هوایی و زمینی اعلام کردند که بعثت پر بودن ظرفیت سرریس های مسافری لااقل تا آخر مرداد ماه از پذیرش مسافر و «رزرو جا» معذورند. به موجب آمار دفاتر شرکت های هواپیمائی در تهران در حال حاضر بطور متوسط هر شبانه روز بیش از ۶ هزار مسافر با ۳۰ پرواز از تهران و آبادان خارج میشوند که مقصد ۸۰ درصد آنها شهر های اروپائی و آمریکا و ۲۰ درصد بقیه کشور های آسیائی-غربی و خاور دور است.

برآورد ها میگوید که بیشتر از نیم میلیون نفر تعطیلات تابستان را در خارج از کشور بخصوص در شهرهای اروپائی و نیز آمریکا خواهند گذراند از این گروه ۳۰ درصد مسافران عادی و بقیه «مسافران فصلی» هستند که برای گردش و تفریح و خرید و یادیدار اقوام و آشنایان به خارج میروند. بنا به اظهار مسئولین شرکت های هواپیمائی، هجوم ایرانیان برای تهیه بلیط سفر به شهر های اروپا و آمریکا خصوصاً لندن - پاریس - فرانکفورت - رم - زنی و نیویورک در سال جاری بی سابقه است.

در این بین گروهی از مسافران نیز در پرواز های خاور دور و همچنین پرواز های «قاهره» جا «رزرو» کرده اند که این عده نیز رقم قابل ملاحظه ای را شامل می شوند و چنین بنظر میرسد که امسال «قاهره» جای خالی «بیروت» را برای توریست های فصلی پر خواهد کرد.

«رستاخیز»

و آمریکا، سوخت مورد نیاز نیروگاه های اتمی ایران بمدت ۲۰ سال تامین شد.

ایران با در دست داشتن مقداری مواد خام و تکنولوژی انرژی اتمی موقعیتی بدست خواهد آورد تا به آسانی وارد بازار های بین المللی و فروش اورانیوم شود. ایران در اجرای برنامه های وسیع ایجاد نیروگاه های برق اتمی از هر جا که بتواند، تکنولوژی در اختیار میگیرد و در این زمینه یک برنامه وسیع در سطح بین المللی در دست اجرا دارد.

«رستاخیز»

● در پی انتشار خبر مربوط به ورود ۱۴۵ میلیارد ریال پارچه که کاهش مصرف تولیدات داخلی و بحران صنایع نساجی کشور را در پی آورده، گفته شد وزارت صنایع و معادن با

توجه به اهمیت مسئله، واردات پارچه از خارج را مورد بررسی جدی قرار داده است. منابع نزدیک به این وزارت فاش ساختند که بزودی سیاست وارداتی پارچه به سود صنایع نساجی کشور دگرگون می شود و محدودیت هایی برای واردات پارچه از خارج در نظر گرفته می شود.

● سازمان بنادر و کشتیرانی طی دستورالعملی ضوابط و مقررات جدید تخلیه کالا در بنادر جنوب کشور را اعلام کرد.

براساس این دستورالعمل، به کشتیهائیکه کلیه محصولات آن متعلق به یک شخص حقیقی و حقوقی باشد، در صورتی که صاحب آن تعهد کند کالای خود را در دوبه تخلیه کرده و یکسره حمل و از بندر خارج کند. اولویت داده میشود.

تبریک به امریکا و امریکائیان

نمیدانم آغاز دویستمین سال استقلال امریکا و اصولا موجودیت آن کشور را بمردم آن سرزمین تبریک بگویم و یا بدولت و حکومت منتخب آنها ، و یا بخودم و سایر انسانها .

برای درک اهمیت وجودی امریکا و نقش سازنده و مثبت آن در آبادی و عمران جهان و دوام صالح و آرامش و ثبات آن ، هیچ راهی بهتر از آن نیست که برای يك لحظه هم شده دنیای بدون امریکا را در نظر مجسم کنیم که چطور جهانی است و چگونه؟!

دنیائی سراسر سرد و ظلمات ، پر از مشکلات محلی و منطقه ای و بین المللی ، درست مانند منظومه شمسی که خورشید خود را از دست داده باشد ستارگان هر کدام از مدار خود منحرف شده ، ساکنان آنها اگر زنده و سالم باشند حواس خود را از دست میدهند ، حکومت زور جای حکومت پول را گرفته برای فرد فرد کشور ها و ملت هایشان ، يك بلاده گردد و ده صد شود !

نه حقی ، نه حقوقی ، نه حرمی نه حرامی ، نه امنیتی نه آزادی ، حال که امریکا هست و همه اینها هم هست حال و روز مردم دنیا این است که می بینید و میشنوید ، وای پرویز که ترس از امریکا و یا احتیاج و احترام بامثال او جای خود را ، به بی اعتنائی و بی نیازی چند ماجراجوی جاه طلب بدهد چون جای خالی و جانشین ناپذیر پدر و پدر سالاری در خانواده های امروزی .

وجود امریکا و امریکائیان برای امنیت و آزادی و استقلال و اقتصاد بسیاری از کشور ها مانند وجود آب و هواست ، مقدار لازم و دائم آن ممد حیات است و مفرح ذات ، ولی مقدارزیاد و افراطی آن مانند نفس است ، خفه میسازد اگر آید و بیرون نرود !

لطفا ورق بزنید

گستاخانه یا انسانی؟

شنبه گذشته در همان ساعات و

دقایقی که کلیمیان جهان روی سنن خاص ملی و مذهبی خودشان دست بهیج کاری نمیزنند و بهیج عنوان گرد آتش و آتش افروزی نمیگردند يك واحد از ارتش اسرائیل در راه نجات جان گروگان های اسیر در دست هواپیماربایان دست بعملی زد که نه تنها از نظر نظامی و فهرمانی، عملیات نجات موسولینی از راه هوا بوسیله آلمانها در برابر آن بازیچه بحساب میاید ، از نظر انسانی و نتایج مفید و مثبت میلیونها انسان را در سراسر جهان از دلهره و دغدغه نجات داده بتحسین و شگفتی وادار کرده است .

واقعه حمله بفرودگاه اوگاندا بوسیله اسرائیلیها آنهم در مرکزافریقا و نجات جان گروگان های اسیر در دست تروریست های مسئول بدست و بمب یکف این مسئله را حل و روشن

لطفا ورق بزنید

کرد که در برابر زور آنهم از نوع زیاد و سریع آن ، ولو مسئله مسئله طاس لفظی باشد و افتادن مور در آن همیشه چاره بصورت تسلیم و رضا ، مشکل‌گشای کار نیست . گاهی زور را باید با زور جواب گفت ، منتها با زور بیشتر و زودتر .

اگر قرار باشد هر از ننه قهر کرده بی‌پدر و مادری با بدست آوردن چند ترفه و نارنجک حریم و حرمت امنیت هوایی کشورها را شکسته حیات هزاران نفر از مردم دنیا و زن و بچه بیگناه آنها را بخطر اندازد و میلیونها ریال بازمیان بردن هواپیما در مسافرتها زیان وارد آورد ، چرا يك دولت با ارتش مجهز خود اینکار را نکند ، آنهم در جهت مثبت و معکوس کار و بمنظور آزادی و نجات جان انسانها ؟

اقدام جسورانه اسرائیل با تمام جنبه قهرمانی که دارد و ماجراجویان جوان جهان را ممکن است خوش آید از نظر حقوق بین‌الملل و روابط فیما بین کشورها فصل تازه‌ای را باز کرده که جا دارد مورد بحث و بررسی قرار گیرد .

کشور امریکا و مردم آن بی‌نیازتر از آنند که روزنامه‌نگاری از این گوشه دنیا در مدح و ستایش از آنها چیزی بنویسد و نیز بزرگوارتر از آنند که از انتقاد امثال ما بهراسند ، ولی حقایق وجود دارد که اگر همچنان ناگفته و بصورت عقده باقی بماند ، ممکن است بفته تبدیل گردد و قبل از این تبدیل بهتر است بصورت شکوه هم شده بازگو گردد که گله را از دوست میکنند نه از دشمن .

خیلی‌ها برای امریکا و امریکائیان خیلی عیب‌ها و نقائص می‌شمارند که بیشتر ناشی از خاق و خوی شخصی و نوع توقع و انتظار خود آنهاست ، خاصه که گل بی‌خار و انسان بدون عیب و نقص خدا هم نیافریده است . ولی فرق است بین عیب و نقص ، نقص از نقصان می‌آید و بمعنی نبود است و بودش دست خود انسان نیست نظیر کوتاهی قد و طاسی سر که هردو نقص هست ولی عیب و ننگ بشمار نمی‌آید .

اما عیب کمبود و یا بودی است که وجود و یا عدم وجود آن ننگ باشد و انسانیت در برابر آن احساس شرم کند ، نظیر اعتیاد بمواد مخدر و ظلم بدبگران و بردن حق آنها که هر يك بنوعی گناه است ، آنهم گناهی نابخشودنی .

یکی از نقاط ضعیف امریکا و امریکائیان که ذاتا نه عیب است و نه نقص ولی برای امریکا و امریکائیان هم عیب است و هم نقص و شاید هم خودشان هرگز به آن توجه نکرده باشند اینست که **زبانشان انگلیسی است !** امیدوارم سوء تفاهم نشده باشد و فهمیده باشید منظورم چیست . قطعاً نظرم تحقیر زبانی خاص و ملت وابسته به آن نیست خاصه که انگلیسی امروزه زبانی جهانی و انسانی و آقائی است و اختصاص بملت و کشور معین ندارد .

امریکا با آنکه نیرومندترین و غنی‌ترین کشور دنیاست ، هرگز از زور و امکانات خود بر علیه موجودیت سایر کشورها استفاده نکرده است . خیلی‌ها همیشه بنصف این ثروت و قدرت رسیدند ، خدا را بنده نبودند . طی شصت سال امریکا و امریکائیان دوبار ناچار شدند اسلحه بدست گرفته در جنگ شرکت کنند و این جنگ آنها (صرفنظر از ویتنام‌شان که آن داستانی دارد جدا) نه از پی‌حشمت و جاه بود و نه از بد حادثه ، برای نجات آزادی بشری ، گرامین‌ترین نعمت بعد از نفس کشیدن و قبل از خوردن بود .

امریکا در هردو جنگ با نثار خون جوانان خود و صرف دسترنج ملتش آگوسفند دنیا را از دهان و جنگ گرگان اجل رهانید و در مقابل بی‌آنکه خود بخواهد و با قصدی خاص داشته باشد و شاید هم از روی حسن نیت کامل درد خاص و ویژه خود را که دردمصرف و درمان پول یکی از آنهاست به بسیاری از جوامع جهان از جمله جامعه ماقبولانید .

درد مصرف چیست و درمان رشد کدام است با مطالب گفتنی دیگر مربوط به خودمان و امریکا بماند تا شماره دیگر .

امنیت فردی و اجتماعی در ایران و سایر کشورهای جهان

کشور ما با آنکه از قافله «تمدن جنائی» بحمداله عقب مانده میباشد، علل جنایت و خشونت گرایی در آن در خور تأمل است

است. اما راه حل واقعی بریدن سر نیست، بلکه با تمام قوا باید کوشش کرد آنچه در این سرهای منحرف جای گرفته عوض شود.

چه بطور قطع بشر اصلاح پذیر است و در جرم شناسی محرز شده که ۹۵ درصد از مجرمین (حتی خطرناک) را میتوان به راه راست برگشت داد. بعبارت دیگر بجای آنکه فقط مریض را معالجه و درمان کنیم سراغ از بین بردن مرض برویم. در عین حال که داروی مسکن (مجازات اراعی) را هم بدهیم. باید خودمون باشیم که سخت ترین مجازات هاما نفع بروز و تکرار همان جنایات یا نظیر آنها نخواهد شد. بیاییم همین مسئله را در میهن عزیز خود پیاده کنیم:

ایران ما خوشبختانه و صدفار خوشبختانه از قافله «تمدن جنائی» دنیای غرب و امریکا خیلی عقب است و زهی افتخار ما.

در ایران ما (باوجود آنکه مملکتی ثروتمند و توصیفی است) امنیت برای مردم بدرجات بیشتری از اغلب کشورهای جلو رفته دیگر است. مردم ما از این نعمت برخوردارند که دیر تنب تنها و غیر مسلح میتوانند در کوچه پس کوچه ها رفت و آمد کنند و حداقل به يك مست برخوردند که او هم نمیتواند زیاد شرور باشد.

اما جنایات عمومی قتل و جرح و ضرب و زن و فرزند و خواهرکشی پرونده های قطوری را تشکیل میدهند و با وجود مجازات های سخت و سنگین بقیه در صفحه ۳۵

افتاده اند. و این نگرانی در آنها هم (البته به نسبت کمتری) دیده می شود. پس چنانچه گفتم اولی پایه و علت غائی دومی نیست.

پس چیست؟

اول پاسخی که در مقابل قوس سعودی یا حداقل تنوع زیاد جرم و جنایت بنظر میرسد اینست که قلت مجازات مقرر برای جنایتکاران و ارفاقهای زیاد هیئت منصفه و قضات باندازه کافی ارباب انگیز نیست.

کسی که برای بدست آوردن مال آدم به گروگان میگیرد یا کودک بیگناهی را می رباید. یا به بانکها مسلحانه حمله میکند باید کشته شود تاجامعه از شر آنها خلاص گردد...

اگر از این راه حل به نتیجه میرسیدیم منم کاملا با آن موافق بودم اما متأسفانه در هر زمان و هر مکان ثابت و محرز شده که کیفر و مجازات حتی سخت ترین و هولناکترین آنها نه تنها جرم و جنایت را ریشه کن نمی کنند بلکه نشانگر پائین افتادن سطح آنها هم نیست.

من کاملا موافقم که باید از جانی سلب آزادی گردد و او را برای مدتی (و گاه برای همیشه) از جامعه طرد نمود.

من عقیده دارم که باید دستگاه انتظامی تقویت شده تا مراقبت کامل و پیش بینی های لازم را برای پیش گیری از بروز اعمال ضد اجتماعی بکند. من میدانم که هیولای قانون جزا و اعمال مجازات در مواردی لازم و ضروری

با مرور نشریه های روزانه و مجلات پرتیراژ دنیای به اصطلاح پیش رفته به این نتیجه میرسیم که اعمال ضد اجتماعی و جرم و جنایت به ابعاد مختلف مهمترین مسائل روزانه این کشورها را تشکیل میدهند.

در امریکا مردم در ناراحتی و امنی دهشتناکی زندگی میکنند. اروپای غربی در همین وضع است. بزرگترین گرفتاری ساکنین این کشورها عدم تامین است. در نیویورک. شیکاگو. پاریس. رم و این قبیل شهرها روزی نیست که جنایتی از نوع آدمکشی. گروگان گیری کودک ربائی. حمله به بانکها به سالخوردگان و غیره صورت نگیرد. اگر عدم تامین برای جوانان (از هر دو جنس) يك معنی و مفهومی دارد. برای بزرگسالان و ثروتمندان مفهوم و معنای دیگری در بر میگیرد. شاید اولی موجب دومی است. ولی عدم تامین و دلهره و دلوایی جوانان از آتیه تنها علت اینهمه جرم و جنایت نیست و ناگزیر باید سراغ علل و پدیده های دیگر رفت.

نگرانی جوانان در آتیه نگری همیشه وجود داشته و حداقل از زمان سقوط «پدر سالاری» که در دیار امریکا و اروپا بیش از صد سال از آن میگذرد. در ایران ماهم پدرسالاری سلطه خود را از دست داده و اگر طرز فکر اسبیل و پسندیده ایرانی را که نسبت بخانواده خود دارد و دردنيا کم نظیر است يك اصل کلی نگیریم جوانان ماهم از ۴۰ - ۵۰ سال پیش بدنبال زندگی آزاد و مستقل خود

احوال جیب مملکت و مردم ما چطور است ؟!

باین پرسشها چه کسی جواب میدهد و چگونه ؟

نقدینگی بخش خصوصی

در شش ماهه اول ۱۳۵۴ علیرغم توسعه بیسابقه وامها و اعتبارات بانکی به بخش خصوصی و اثرات انبساطی قابل ملاحظه عملیات بخش دولتی ، نقدینگی اقتصاد (پول و شبه پول) در مقایسه با دوره مشابه سال قبل رشد کمتری داشت و از سرعت گسترش پول نیز کاسته شد . نرخ افزایش نقدینگی بخش خصوصی که در پایان شهریور ۱۳۵۳ نسبت به پایان اسفند ۱۳۵۲ به ۱۹٫۳ درصد بالغ گشته بود در دوره مشابه سال جاری به ۱۴ درصد محدود گردید . مقایسه ارقام حجم پول و شبه پول در شش ماهه اول سال ۱۳۵۴ با دوره مشابه سال قبل حاکی از کاهش شتاب رشد هر دو متغیر مذکور میباشد . حجم پول و شبه پول در پایان شهریور ۱۳۵۴ نسبت به پایان اسفند ۱۳۵۳ به ترتیب معادل ۱۳٫۱ و ۱۴٫۵ درصد افزایش نشان داد در حالی که ارقام مشابه سال قبل به ترتیب ۱۵٫۷ و ۲۱٫۶ درصد بوده است .

در دوره مورد گزارش گرچه اثرات انبساطی (اولیه) عملیات بخش دولتی از لحاظ مبلغ بیش از دوره مشابه سال قبل بود معینا از شتاب رشد آن بشدت کاسته شد و از ۶۰٫۲ درصد به ۲۷٫۱ درصد تقلیل یافت . در مقابل شتاب توسعه وامها و اعتبارات بانکی به بخش خصوصی که در شش ماهه اول سال ۱۳۵۳ نسبت به دوره مشابه سال ماقبل آن معادل ۵۰٫۹ درصد بود ، در شش ماهه اول سال ۱۳۵۴ نسبت به شش ماهه اول سال ۱۳۵۳ به ۱۳٫۴۸ درصد رسید .

همانطور که مشاهده میشود در شش ماهه اول سال قبل افزایش بسیار سریع اثرات انبساطی (اولیه) عملیات بخش دولتی در مقایسه با توسعه وامها و اعتبارات بانکی سهم بیشتری در افزایش نقدینگی بخش خصوصی داشته است ، در حالیکه در شش ماهه اول سال جاری برخلاف سال قبل ، وامها و اعتبارات بانکی تاثیر بالنسبه بیشتری در ایجاد نقدینگی اقتصاد برجای گذاشته است . در مجموع نیز آهنگ رشد کل اثرات انبساطی ناشی از عملیات بخش دولتی و توسعه وامها و اعتبارات بانکی که در شش ماهه اول سال ۱۳۵۳ نسبت به شش ماهه اول سال ۱۳۵۴ معادل ۵۶٫۵ درصد بود در شش ماهه اول سال جاری نسبت به شش ماهه اول سال قبل به ۷۵٫۵ درصد افزایش یافت . با توجه به مراتب فوق میتوان گفت که در دوره مورد گزارش عملیات انبساطی دولت و بانکها در مقایسه با دوره مشابه سال قبل رشد سریعتری داشته است . معینا از شتاب رشد نقدینگی اقتصاد و سپرده های بخش خصوصی کاسته شده است . در توجه این امر باید به تراکم اعتبارات بخصوص اعتبارات وارداتی به علت تأخیر در تخریه و ترخیص کالا های وارده به کشور اشاره نمود که موجب عدم برگشت سریع و به موقع اعتبارات به بانکها و انبساط مجدد اعتبارات بانکی شده است . به عامل مذکور باید تردید و بی رغبتی وارد کنندگان را در ترخیص سریع کالاها و واریز به موقع اعتبارات وارداتی که از تصمیمات اخیر

دولت در مبارزه با گرانفروشی ناشی شده است اضافه نمود . عوامل مذکور توأم با کاهش رشد معاملاتی که جنبه بورس بازی و سودجویانه دارد ، موجب شد که جریان برگشت اعتبارات به بانکها کند شده و مانع انعکاس قسمت مهمی از اعتبارات بانکی بر سپرده های بخش خصوصی و نقدینگی اقتصاد شود . با بیان دیگر در شش ماهه اول سال ۱۳۵۴ از سرعت گسترش پول در مقایسه با دوره مشابه سال قبل بشدت کاسته شده است .

سیاست پولی و اعتباری

در نیمه اول سال ۱۳۵۴ بانک مرکزی با مسئله توسعه بسیار سریع وامها و اعتبارات بانکی و تشدید فشار های تورمی مواجه گردید . در نیمه دوم سال ۱۳۵۳ به شرحی که قبلا گذشت هزینه های بخش دولتی در چهار چوب برنامه عمرانی پنجم تجدید نظر شد ابعاد بسیار وسیعی یافت و همراه با عوامل انبساطی دیگر به توسعه بسیار سریع نقدینگی اقتصاد و درآمد های پولی مردم بخصوص در سه ماه آخر آن سال منجر گردید . در نتیجه وجوه عظیمی بصورت سپرده در بانکها متمرکز شد و نقدینگی بانکها جهش بیسابقه ای یافت و شرایط بسیار مساعدی برای انبساط هرچه سریعتر اعتبارات بانکی فراهم آمد .

بدین ترتیب از ابتدای سال جاری وامها و اعتبارات بانکی با آهنگ بسیار سریع و مدام رو به افزایش نهاد و توأم با هزینه های قابل ملاحظه بخش دولتی فشار های تورمی موجود در اقتصاد کشور را تشدید کرد .

گرچه تمامی فشار های تورمی مذکور در شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و شاخص بهای عمده فروشی کالاها منعکس نگردید معینا ارقام دوشاخص مذکور از همان اوایل سال با سرعت کم نظیری رو به افزایش نهاد .

چون با ادامه و تشدید فشار های تورمی بیم آن میرفت که عدم تعادل های شدید و اساسی در سطوح مختلف اقتصاد کشور بوجود آید و دست آورد های اقتصاد ملی به مخاطره افتد ، دولت از اوایل سال تلاش وسیع و گسترده ای را در جهت مبارزه با تورم قیمتها آغاز کرد که از مظاهر آن تعدیل یا کاهش هزینه های بخش دولتی ، جلوگیری از گرانی فروشی و ایجاد محدودیتهائی در مورد معاملات سودجویانه میباشد .

به موازات اقدامات مذکور بانک مرکزی ایران نیز به پیروی از خط مشی کلی دولت در سیاستهای پولی و اعتباری خود تجدید نظر بعمل آورد. در این تجدید نظر سعی براین بود که از يك طرف نقدینگی اضافی بانكها که منشاء بالقوه تورم است جذب شود و از طرف دیگر وامها و اعتبارات بانکی در حدی توسعه پیدا کند به فعالیت های تولیدی و سایر فعالیتهائی که به افزایش عرضه کل منجر میگرددند ، لطمه ای وارد نشود . برای رسیدن به هدفهای فوق بانک مرکزی در مرداد ۱۳۵۴ با تصویب شورای پول و اعتبار تصمیماتی اتخاذ و به مورد اجرا گذارد. اثرات کوتاه مدت اقدامات شدید

ضد تورمی دولت از مرداد ماه ۱۳۵۴ به تدریج در اقتصاد کشور ظاهر شد و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی و شاخص بهای عمده فروشی کالاها که در چهار ماه اول سال روند صعودی شدیدی داشت از ماه مرداد تغییر جهت داد . در صورت ادامه سیاست ضد تورمی بخصوص هزینه های غیر ضروری و غیر فوری دولت، میتوان انتظار داشت که در بلند مدت

نیز تغییرات مطلوبی در ترکیب و تخصیص منابع مالی اقتصادی ایجاد شود .

روند قیمتها

افزایش سریع درآمد حاصل از صادرات نفت در سالهای ۱۳۵۱ - ۱۳۵۳ و توسعه سریع هزینه های عمرانی کشور ، موجب گردید تقاضای پولی بر عرضه کل فزونی یابد و فشار های تورمی را در اقتصاد کشور تشدید نماید . بطوری که رشد شاخص ضمنی قیمت تولید ناخالص داخلی (به غیر از نفت) از ۱۸ درصد در سال ۱۳۴۹ به ۱۹٫۸ درصد در سال ۱۳۵۳ رسید . شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نیز به علت تشدید فشار های تورمی بسرعت افزایش یافت و رشد آن که در سال ۱۳۴۹ حدود ۵٫۵ درصد بود، در سال ۱۳۵۳ به ۱۵٫۵ درصد بالغ گردید .

دولت بمنظور جلوگیری از انعکاس کامل فشار های تورمی بر سطح قیمتها اقدامات متعددی از طریق کاهش هزینه واردات و کمک مالی برای پائین نگه داشتن قیمت کالاها ی اساسی بعمل آورد . این اقدامات موجب گردید که در ماههای مرداد و شهریور سال ۱۳۵۳ از سرعت رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی کاسته شود . معذلك شاخص مذکور تحت تاثیر افزایش سریع تقاضای پولی در ماههای آخر سال ۱۳۵۳ مجددا سیر صعودی پیدا کرد و در سه ماه اول سال ۱۳۵۴ نیز این روند ادامه یافت . به نحوی که متوسط شاخص فوق در سه ماه اول سال ۱۳۵۴ نسبت به رقم مشابه سال قبل ۱۷٫۵ درصد و نسبت به رقم سه ماه قبل (پس از حذف نوسانات فصلی) ۲٫۵ درصد افزایش یافت . در این شرایط دولت در ادامه سیاستهای قبلی و بمنظور مبارزه با افزایش سریع قیمتها ، در تیر ماه به اقدامات دامنه داری دست زد و با تعیین قیمت

برای فروش تعداد زیادی از کالاها و نظارت دقیق در اجرای آن قدم موثری در جهت حمایت از مصرف کننده و مبارزه با گرانی فروشی برداشت . در نتیجه روند شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی تغییر جهت داد و مسیر نزولی یافت و این شاخص پس از حذف نوسانات فصلی در ماههای مرداد و شهریور بترتیب حدود ۲٫۴ و ۲٫۲ درصد نسبت به رقم ماه قبل کاهش نشان داد. بطور کلی متوسط رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که در سه ماهه اول سال مورد گزارش نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۷٫۵ درصد بود ، در سه ماهه دوم ۱۱٫۴ درصد و برای ششماه اول سال جاری بطور متوسط ۱۴٫۴ درصد بوده است .

طی این دوره از سرعت رشد شاخص کل بهای عمده فروشی نیز کاسته شد و متوسط شاخص مذکور که در شش ماهه اول سال قبل ۱۹٫۹ درصد بالا رفته بود ، در شش ماهه اول سال جاری فقط ۹٫۵ درصد افزایش یافت. در این دوره کاهش شاخص بهای کالا های صادراتی بمیزان ۵٫۴ درصد تا حدودی در تقلیل سرعت رشد شاخص بهای عمده فروشی کالا موثر بوده است .

روند صعودی شاخص خوراک که از دی ماه سال قبل شروع شده بود در فروردین ماه سال جاری به اوج خود رسید بطوری که شاخص مذکور در این ماه ۲۵٫۵ درصد نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش نشان داد . لکن از اردیبهشت ماه سیر نزولی آن شروع شد بطوری که رشد شاخص مذکور که در نیمه اول سال قبل بطور متوسط به ۱۸٫۷ درصد رسیده بود در ششماه اول سال گذشته به ۱۳٫۴ درصد تقلیل یافت .

شاخص پوشاک که از اواخر سال قبل به اقتضای فصل بر سرعت رشد آن افزوده شده بود در چهار ماه اول بقیه در صفحه ۴۱

انفجار شهرنشینی در کشورهای جهان سوم

بیست و پنج سال آینده سه برابر خواهد بود .

در کشورهای جهان سوم ابتکار خانه سازی بیشتر در دست مردم است . بویره در روستاها که خانه سازی جزئی از فضای طبیعی روستاها بحساب می آید . و در مناطق پر جمعیت که خانه سازی رنگ شهری بخود میگیرد ، دولت ، اجتماعات محلی و افراد حرفه ای هیچکدام در فرایند شهرنشینی دخالتی نمیکند . خانه ها بدون نظر آرشیستیک و راهها و جاده ها بدون دخالت شهر ساز ساخته میشود ، در حفرچاه وفاضل آب نیز شهرداری دخالتی ندارد . اکثرا مدرسه ها و موسسه های فرهنگی توسط مردم ساخته میشود و حکومت هیچگونه کمک مالی و یا فنی برای این منظور در اختیار آنها قرار نمیدهد .

مراکز و محل های مورد نیاز مردم به مرور ایام و براساس نیازها میرویند . مثلا رستوران ، بار ، سینما و اماکن محل اجتماع مردم که محل فعالیت مشاغل مختلف است بطورعادی بوجود میآیند . دستفروشان نیز در کنار جاده ها کالا های مورد نیاز مردم را ارائه میدهند و بازار های روز نیز در این نقاط برپا میشود .

رویهمرفته مردم بنابر مقتضیات شهر های خود ، کار های عمرانی را بگونه ای جمعی انجام میدهند و بنابر نیازمندی های خود ساختمان میکنند و گاهی در برابر خانه های خود محل هایی برای کارشان نیز میسازند ، که در این ساختمان ها هیچگونه نظام معماری رعایت نمیشود و فقط براساس ابتکار های شخصی بوجود میآیند . حفاظت از اموال جمعی ، مانند درخت ،

شهرها نیز «شکل» گرفته اند : در این کشور ها بین سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۷۵ حدود ۳۰۰ میلیون نفر به جمعیت شهرها اضافه شده است و در ۲۵ سال آتی نیز نسبت این افزایش از این رقم تجاوز نخواهد کرد .

اگر این روند افزایش جمعیت در کشورهای رو به رشد ادامه یابد ، در سال ۲۰۰۰ جمعیت شهرنشین امریکای لاتین سه چهارم کل جمعیت این منطقه را بالغ خواهد شد فشار بیشتر جمعیت بر شهر های متوسط و بزرگ خواهد بود ، در حالیکه شهر های کوچک ، که جمعیت آنها کمتر از ۲۵۰۰۰۰ نفر است زیر این فشار قرار نخواهند داشت . با گسترش زیاده از حد پایتخت ها و شهر های بزرگ و مراکز صنعتی ، روستاها از بین خواهند رفت مثلا جمعیت شهر مکزیکوسیتی تا پایان قرن جاری به ۲۵ میلیون نفر خواهد رسید .

آسیا دربرگیرنده دوسوم افزایش جمعیت شهر ها در جهان سوم است . بطور کلی افزایش سرعت فرایند شهر نشینی در کشورهای کوچک مانند فیلیپین و مالزی محسوس است و چین و هندوستان ، که دارای شهر های غول آسا هستند ، مجبورند برنامه های شهر سازی خود را دنبال کنند بدون آنکه از یورش جمعیت روستاها چیزی کاسته شود . در این کشور ها روستاها نیز همچنان دچار تراکم جمعیت باقی میمانند .

قاره افریقا که تا چندی پیش از ویژگی روستانشینی برخوردار بود ، اکنون با ازدیاد قزاینده جمعیت شهرها روبروست که احتمالا این افزایش طی

شهرنشینی در جهان سوم سرعت گسترش می یابد . اهمیت این گسترش در مقایسه با کشورهای توسعه یافته صنعتی چشمگیرتر است . چه ، جمعیت کشورهای جهان سوم همچنان رو بکاهش میرود: جمعیت اروپا ، امریکای شمالی ، ژاپن ، استرالیا ، زلاندنو و شوروی در سال ۱۹۵۰ در حدود نصف جمعیت کشورهای در حال رشد بود ، در حالیکه در سال ۱۹۷۵ فقط یکسوم آنرا تشکیل میداد و در سال ۲۰۰۰ به یک چهارم جمعیت کشورهای در حال رشد خواهد بود .

تئویش سیاسی ناشی از این وضع غیر قابل انکار است . در ۱۹۷۴ پس از تشکیل کنفرانس جهانی جمعیت در بخارست غریب هشدار به افزایش جمعیت در جهان بگوش میرسید که این هشدارها با مهاجرت روزافزون روستائیان به شهرها در جهان سوم توأم بود . در این منطقه افزایش جمعیت شهرها خیلی بیش از ازدیاد جمعیت روستاها است . طبق سرشماری سازمان ملل متحد بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ جمعیت شهرنشین این منطقه از جهان بالغ بر ۵۴۰ میلیون نفر میشد . این رقم تا سال ۲۰۰۰ به ۱۳۰۰ میلیون نفر خواهد رسید .

بدین ترتیب کشورهای درحال رشد در مورد افزایش جمعیت شهرها بیک شناسایی اصولی دست می یابند . فرایند سریع شهرنشینی ، که از پدیده های ویژه کشورهای جهان سوم است ، نسبت چشمگیری بخودمیگیرد ، بگونه ای که در تاریخ بیسابقه بوده است . در مقابل ، در کشورهای صنعتی آهنگ رشد جمعیت کمتر سریع است و

فراهم شده است ولی نه این شرایط نیز بر رویهم بسود توده مردم نیست: باید گفت که یکسرویس خدماتی دسته جمعی که تنها جوابگوی نیازهای ۲۰ درصد است، نمیتواند ایجاد خانه سازی عمومی را بعهده گیرد (درحالی که شرایط مالی و قانونی بسیار مناسبی هم وجود داشته باشد).

در چارچوب سیاسی بسیاری از کشور های جهان سوم، سرویس خدمات عمومی در خدمت «گروه ضرت» قرار دارد و بدین ترتیب سازمان های مسئول خانه سازی دچار نارسایی و ناتوانی میشود، گواه این ادعا مقاله روزنامه «لاپرس» چاپ تونس، بتاريخ ۳ فوریه ۱۹۷۶ است. «آیا ساختمان با بحران روبروست؟» «بسیاری از شهروندان، از اینکه سازمان های خانه سازی به عهد خود مبنی بر تهیه مسکن وفا نکرده اند، شکوه دارند. این سازمانها تمام مسئولیت تاخیر در امر تهیه مسکن را متوجه مقاطعه کاران میکنند. از سوی دیگر مقاطعه کاران نیز بنوبه خود تولید کنندگان مواد ساختمانی را مسئول قلمداد میکنند...»

البته کمبود مواد ساختمانی، فقدان و یا فرار نیروی کار ماهر از موانع در کار خانه سازی محسوب است. باید بدین نکته نیز توجه داشت که تعداد شرکت های واجد صلاحیت از نقطه نظر تکنولوژی و صنعتی، در امر خانه سازی محدود است. در برخی از کشور های جهان سوم چنین شرکت هایی اصلا وجود ندارد که در اینصورت این فقدان به دعوت از شرکت های کشور های صنعتی باینگونه کشورها منجر میشود.

با اینهمه ساختمان استودیو های ورزشی، سالن های سخنرانی و کنگره و ... همچنان ادامه دارد. آرشیتکت های اینگونه ساختمان ها از میان صاحبان قدرت برمیخیزند که با وارد کردن مواد ساختمانی از خارج هزینه رفیه در صفحه ۴۰

افریقایی حاکی از آنست که سازمان هایی که اجاره ساختمان خانه های ارزان قیمت را در دست دارند، برای سرمایه گذاری در ساختمان، از منبع مالیات از شاغلین دائم بهره برداری میکنند. از اینرو افراد مالیات دهنده کم درآمد موافق این نوع خانه سازی نیستند زیرا خانه ها به کسانی تعلق خواهند یافت که درآمد بیشتری دارند.

تمرکز سرمایه های عمومی در جهت تامین نیازمندی های افراد ممتاز دومین تضاد خانه سازی در بخش دولتی محسوب میشود.

دلیل این تضاد ها چیست؟ چگونه آن بخش از خدمات عمومی که مسئول خانه سازی است دستاویز بهره برداری تامین مسکن برای عده ای میشود؟ در حالیکه این درست برعکس علت وجودی آنست. بخش خدمات دولتی مسئول خانه سازی، معمولا بوسیله دیوان سالار هائی که مستقیما تحت کنترل هیچ مرجع سیاسی نیستند، اداره میشود و بندرت در پارلمان یا میان مردم پیرامون فعالیت های آنان صحبت میشود. مثلا اگر هزینه خانه سازی خارج از توانایی مالی ۸۰ درصد از مردم باشد و مراجع قانونی بمنظور کنترل خدمات شبه دولتی اقدامی نکنند، در این صورت این دسته از مردم محروم میبایست چکار کنند؟ پاسخ مردم باین مشکل، همانگونه که فلا گفته شد، شهر نشینی «خود - بخود» است.

اشخاصی که توانایی پرداخت هزینه خانه سازی را دارند بعلمت نقش های سیاسی و اقتصادی، یک «گروهی ضرتی» تشکیل میدهند که در کار های مالی و ساختمانی به خود اولویت میدهند.

از سوی نظام بانکی نیز، شرایط مالی برای بدست آوردن ملک، طبق نظام اجاره و فروش بصورت بسیار ساده و با بازپرداخت «قسطی» با بهره کم

نیز محترم شمرده نمیشود. حال آنکه همان اندازه که آلودگی هوا موجب نگرانی کارشناسان را فراهم ساخته است، این مساله نیز در نظر آنان نامطلوب است.

اینگونه شهرنشینی که «خودبخود» بوجود میآید درست در برابر شهر نشینی طرحریزی شده و کنترل شده برسیله اجتماعی سازمان یافته قرار دارد.

اصطلاح «خودبخود» بمعنای نامنظم نیست. برعکس، پاسخ مستقیمی به نیاز مسکن است، یعنی تنها راه حل مشکل مسکن بجز سیاست دولت در این زمینه بشمار میرود.

در جوامع سازمان یافته پاسخ به نیاز تامین مسکن مردم از طریق خدمات کشوری و شبه کشوری صورت میگیرد و خانه سازی سیر عادی خود را طی میکند، معمولا محل های سکونت جمعی است، از این رومقرون به صرفه است و کرایه پائینی دارد و برای قشر وسیعی از مردم قابل استفاده است. ویژگی اجتماعی اینگونه خانه سازی با ایجاد مسکن از سوی بخش خصوصی مغایر است.

هدف اجتماعی خانه سازی بخش دولتی نمیتواند این نکته را پنهان دارد که هزینه ساختمان و بهای خانه های در معرض فروش به میزانی است که مشتریان اینگونه خانه ها را به قشر محدودی از مردم که توانایی پرداخت آنها دارند، محدود میکند. لکن باید در نظر داشت که بدین ترتیب در بیشتر کشور های افریقایی ۸۰ درصد مردم از داشتن خانه محروم میشوند. این مهمترین تضاد در سیاست تامین مسکن است.

بعلاوه هزینه خانه سازی دولتی معمولا از محل مالیات ها تامین می شود، که بدین ترتیب مردم از طریق سرمایه گذاری در ضروری ترین نیاز خود سهیم میشوند. گزارش بانک جهانی در مورد یکی از کشور های

اندر خم سیاستهای کشاورزی

شاید در هیچ رشته‌ای از فعالیت‌های اقتصادی، تفاوتی بارزتر از اختلاف بین شرایط کشاورزی مناطق بزرگ توسعه نیافته جهان، یعنی آسیای جنوبی، آسیای شمال شرقی، آسیای غربی، آفریقا و آمریکای لاتین از یکطرف و شرایط فوق در یکایک کشور های این مناطق و حتی در نواحی مختلف یک کشور از طرف دیگر، مشهود نباشد.

به خاطر سپردن این نکته و رعایت جانب احتیاط در باره مطالب این فصل، یعنی درباره سیاستهای زراعی، نباید هیچگاه از نظر دور نگهداشته شود. برای هر نکته‌ای که در این باره خواهیم آورد ذکر یک یا دو یا چند استثنا ممکن است ضروری گردد. معهذا، در مورد شرایط زراعی تمام و یابسیاری از کشورهای عقب مانده، مطالب کلی چندی میتوان یافت که باید به بحث آنها پرداخت.

بطور کلی، کشاورزی کشور های توسعه یافته جهان امروزی به دوگونه مشخص زیر قابل طبقه‌بندی است. گونه نخست، یعنی استفاده سطحی (غیر فشرده) از زمینهای نواحی گسترده در مناطقی که جمعیت پراکنده دارند، مانند آمریکای شمالی و استرالیا و روسیه، بکار گرفته میشود. بازده محصول در واحد سطح، در این نواحی، بعضی اوقات کم است. گونه دوم، یعنی استفاده عمقی (فشرده) از زمین و کسب محصول زیاد از واحد سطح، در مناطقی معمول است که تعداد جمعیت در واحد سطح زیاد است. این نوع زراعت، با تفاوتهایی در اروپا و ژاپن عملی می‌گردد.

کشاورزی بسیاری از مناطق جهان عقب مانده، در هیچکدام از دو گروه اصلی فوق نمی‌گنجد. در این نواحی ملغمه ناجوری از این دو گروه به چشم می‌خورد که توسط خواص دوگانه استفاده سطحی (غیر فشرده) زمین و جمعیت زیاد در واحد سطح مشخص می‌گردد. طبیعی است که این وضع درآمد های حقیقی بسیار کمی را موجب میشود. زیرا علاوه بر اینکه تولید محصول در واحد سطح پائین است، نسبت بزرگی از کل نیروی کار در بوجود آوردن این بازده کم بکار گرفته میشود.

مثلا در آسیای جنوبی هفتاد و پنج درصد از نیروی کار صرف تولید بخور و نمیر محصولات کشاورزی میگردد و فقط بیست و پنج درصد از این نیرو برای استفاده در سایر فعالیتها در دسترس است. لیکن در ایالات متحده نود درصد و در اروپا شصت درصد از نیروی کار در بخش غیر کشاورزی مشغول بکار است. مقایسه های کلی، نظیر مقایسه فوق، نه تنها ابعاد و پیچیدگی مسائل اساسی اقتصادی آسیای جنوبی را نشان میدهند، بلکه برای مشخص کردن وضع سایر مناطق عقب مانده نیز شاخصهای جالبی هستند.

قبل از پرداختن به مسئله استفاده ناقص از نیروی کار به شرح موضوع کم بودن تولید در واحد سطح در اغلب کشور های عقب مانده می‌پردازیم. در مورد این قاعده، سه استثنای عمده وجود دارند.

یکی از این استثناءها شامل حال کشور هایی میشود که دارای کشتزار های وسیع، مخصوصا متعلق به ممالک غربی باشند. از این نوع ممالک میتوان

کشور های لاتین، سیلان، و مالایا را نام برد. یک چنین استفاده تجاری از منابع آب و خاک که همیشه برای صادرات بکار می‌روند بیشتر صنعت است تا کشاورزی.

این کشتزار ها مانند کارخانه های صنعتی واحد های کاملا متخصص و باروری هستند که از کارگران مزد بگیر بطور دائم استفاده می‌جویند و در کار خود سرمایه‌گذاری های کلانی میکنند و تکنولوژی کاملا پیشرفته‌ای را به خدمت می‌گیرند. ممکن است که در بیشتر کشور ها میزان سرمایه‌گذاری در اینگونه کشتزار ها کاملا کم و تکنولوژی مورد استفاده عقب مانده باشد، ولی باید در نظر داشت که صنایع این کشور ها که بطور سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرند نیز دارای وضع بهتری نیستند.

صنعت بهره برداری از کشتزارها (کشت و صنعت)، که ما از بحث بیشتر در باره آن خودداری می‌کنیم، امروزه بجز در بعضی از کشور های آفریقای غربی، صنعت پیشرو و در هر حال توسعه یافته‌ای نیست.

دومین استثنا، تولید محصولات غیرغذائی بازار است که معمولا صادر میشود. در بیشتر کشور های عقب مانده، این بخش از سایر بخشهای مربوط به کشاورزی سودآورتر است. از اینرو، عقلانی نیست که با کم کردن سطح زیر کشت محصولات بازار بر تولید محصولات غذایی افزود. معلوم است که به سیاستهایی که در این جهت بار گرفته شوند امید زیادی نمیتوان بست. کوششهای بعضی از کشور ها، مانند هندوستان و پاکستان، برای بالا بردن میزان تولید محصولات غذایی موفق نبوده‌اند.

محصول در کشور های عقب مانده بوده است ، بلکه بخصوص از زمان جنگ به بعد بر میزان رشد سالانه آنها نیز افزوده شده است . این موضوع سبب شده است که فاصله بین این دو دسته از کشور ها بطور فزاینده تری وسعت یابد . این فاصله فزاینده خود یکی از دلایل عمده فاصله بین درآمد های این دو دسته از کشور هاست . در کشور های توسعه نیافته کم بودن میزان تولید همیشه با کاستیهای شدید بد غذایی همراه بوده است . مردم اینگونه کشور ها از آنچه بطور متوسط برای سلامت کامل و قدرت بدنیشان لازم است کالری کمتری را مصرف میدارند . بعلت نابرابری های شدید درآمد در این گونه ممالک ، قسمت عمده مردم غذایی کمتر از آنچه بعنوان متوسط محاسبه شده است میخورند . همانطور که قبلا نیز گفتیم ، نابرابری اقتصادی در بسیاری از کشور های عقب مانده در حال افزایش است .

تنها کمبود میزان کالری مصرفی نیست که اسباب نگرانی شده است ، بلکه مصرف غیرمکفی پروتئینها ، ویتامینها و بعضی مواد معدنی مهم مانند آهن و کلسیم و فسفر نیز حائز اهمیتند .

عادات غذایی غیر معقول مردم فقیر ، حتی اگر مانند چینپها در انتخاب غذا دقت بسیار بخرج دهند ، به وخامت وضع افزوده است ، و مواد غذایی محافظ و مذکور دربالارایکسره از برنامه غذایی این مردم حذف کرده است . ممکن است عادات غذایی غیر معقول در میان تمام طبقات ، بغیر از طبقه ممتاز ، متداول باشد ، ولی عدم وجود مواد غذایی محافظ فوق بعلت گران بودن غذا های حامل آنها ، در میان طبقات فقیر زیادتیر و جدیتیر است .

لطفا ورق بزنید

نتیجه اینکه ، در این دو سال میزان تولید سرانه مواد غذایی باندازه چهار درصد پائین افتاد . ولی در این دو سال اخیر ، میزان تولید به روند همیشگی خود بازگشته است .

افزایش آهسته تولید محصولات کشاورزی در کشور های عقب مانده تا همین اوان بیشتر بعلت افزایش مساحت زیر کشت بوده است . عقیده همگان براینست که ، کشور های عقب مانده در آینده باید برای افزودن بر تولیدات کشاورزی خود به بهره گیری بیشتر از زمین بپردازند ، زیرا که زمینهای مناسب زراعت بتدریج کم می شود و برای به زیر کشت بردن آنها به میزان سرمایه بیشتری ضرورت می افتد . بنظر لستر براون کارشناس امریکائی ، مسئله اصلی سیاستهای کشاورزی جهان عقب مانده در اینست که : « این کشور ها برای تولید مواد غذایی بیشتر میتوانند مرحله افزودن بر سطح زیر کشت را پشت سر گذارند و به بهره گیری بیشتر از یک واحد سطح از زمین زیر کشت فعلی بپردازند . » اگر هدف سیاستهای کشاورزی کشور های عقب مانده برطرف کردن کم غذایی و بد غذایی جمعیت فزاینده این کشور ها باشد ، گفته فوق اهمیت بیشتری پیدا میکند .

به این موضوع این نکته را نیز باید افزود که میزان محصول درواحد سطح در کشور های پر جمعیت ، مانند پاکستان و هندوستان و بعضی مناطق از کشور های دیگر ، از حد متوسط پائین تر بوده است .

میزان تولید محصولات کشاورزی خود میتواند یکی از نمایان ترین وجوه اختلاف بین کشور های عقب مانده و کشور های پیشرفته ای باشد که از کشاورزی سطحی در مناطق کم جمعیت سود فراوان نبرده اند و به سوی کشاورزی عمیق روی گردانیده اند .

میزان محصول در کشور های پیشرفته نه تنها بسیار بالاتر از میزان

اما در مورد کشت و صنعت ، اگر رقابت بین بعضی از کشور ها را در نظر بگیریم ، در جهان عقب مانده بطور کلی امکان توسعه بسیار برای آن بخش از کشاورزی که به تولید محصولات غیر غذایی بازار پرداخته است وجود ندارد . این محصولات آنهایی نیستند که در کشور های پیشرفته تقاضا برای آنها بسرعت بالا رود . سومین استثنا در مورد قاعده کلی داشتن بازده کم در واحد سطح در کشور های عقب مانده ، نواحی کوچکی از دنیای عقب مانده مانند مصر است که در آنها آبیاری دائم رواج دارد و تعداد جمعیت در واحد سطح بالاست .

قسمت اعظم فعالیتهای کشاورزی کشور های عقب مانده صرف تولید مواد غذایی میشود . بهمین دلیل بیشتر گفته های ما در این فصل متوجه این بخش از کشاورزی خواهد بود . چون روند افزایش تولید محصولات غیر غذایی بازار تقریباً همانند محصولات غذایی بوده است و در معرض عوامل عملی یکسان تغییر و رکود قرار دارد ، لذا انجام این عمل با ذکر بعضی نکات استثنائی و احتیاطی ممکن خواهد بود .

تنها این موضوع که در کشورهای عقب مانده میزان تولیدات کشاورزی پائین هستند باعث ناراحتی نیست ، بلکه این نکته که بازدهی زراعت نسل هاست که همچنان پائین مانده است اسباب ملال خاطر است . چنین به نظر میرسد که در هندوستان ، بازدهی زراعت از زمانی دورتر از استقلال این کشور ، رو به کاستی نهاده باشد . قبل از جنگ جهانی ، میزان تولید محصول در دنیای عقب مانده بطور کلی افزایش یافت ، ولی این مقدار هرگز بارشد جمعیت همگام نشد . بعلت شرایط جوی نامساعد ، در سال ۱۹۶۵ میزان تولید کاهش یافت و در سال ۱۹۶۶ تنها یک درصد بالا رفت .

این گونه توزیع مواد غذایی در دنیا که بیشتر براساس اضافه محصول بسیار انجام میگردد و بیشتر بعنوان کمکهای بلاعوض بتوسط ایالات متحده عرضه میشود نمیتواند در معیارهای بزرگ، همیشگی باشد. بعلاوه این کمکها فقط از حدت کمبود کالری می-کاهد و بس.

شدت نابرابری بین کشور های غنی و کشور های عقب مانده که بصورت ارقام متوسط و نامفهوم، ارائه یا بعبارت دیگر پنهان می شود - تنها وقتی روشن می گردد که معلوم کنیم چه دسته ای از مردم دنیا از پروتئین و مواد غذایی محافظ برخوردار میشوند. پروفیسور جورج بورگستروم با کوشش خستگی ناپذیر خود پی در پی در روشن کردن این حقیقت کوشیده است که بسیاری از کشور های عقب مانده که خود به مواد غذایی احتیاج دارند، مواد غذایی پروتئین دار و مرغوب خود را برای تامین پر خوری های کشور های متنعم و پیشرفته صادر میکنند. مثلا مایه های کشور های افریقائی و امریکای لاتین که خود حتی بیش از آسیای جنوبی گرفتار کمبود پروتئین هستند برای تغذیه طیور و دامهای ایالات متحده و اروپا صادر میشود، و سوپا و خمیر دانه های روغنی، مایه تون و ماهیهای دیگر و حتی گوشت بسیاری از کشور های عقب مانده بهمین گونه از این مناطق خارج می گردند.

نتیجه اینکه مردم کشور های ثروتمند علاوه بر اینکه سهم بسیار بزرگی از غله دنیا را صرف تغذیه خود و حیوانات مینمایند، میزان نامتعادلی از مواد غذایی محافظ دنیا را حیف و میل می کنند. حال آنکه اگر این مواد صرف تغذیه مردم گرسنه کشور های عقب مانده می شد، اثری بمراتب زیادتیر می داشت.

(ناتمام)

ماندگی فکری کودکان به اثبات رسیده است.

چنانکه سازمان کشاورزی و خوار و بار جهانی نیز متذکر شده است، اغلب مردم کشور های توسعه نیافته بنحوی از انحاء از کم غذایی و یا بد غذایی رنج می برند. وقتی در نظر آریم که در صد بالائی از درآمد این مردم صرف خرید مواد غذایی می شود، بطوریکه این مقدار در آسیای جنوبی به تقریباً دو سوم تا بیشتر می رسد، به فقر این مردم بیشتر پی می بریم. موقعیت غذایی کشور های عقب مانده بطور کلی از قبل از جنگ دوم به بعد بهتر نشده است. در بسیاری از کشور ها وضع مخصوصاً برای طبقه زحمتکش کشاورز رو به وخامت گذاشته است.

کمبود مواد غذایی در میان توده های مردم، بالا رفتن فزاینده جمعیت، و افزایش کند میزان محصولات غذایی کشور های عقب مانده، از بوجود آمدن يك بحران گرسنگی جهانی خبر میدهد. همانطور که پروفیسور ارل آل. بوتز چند سال قبل گفت:

دنیا در آستانه يك تصادم است... جایی که نیرو های يك جهان بسیار پر جمعیت که دائم روبه ازدیاد نیز هست با میزان ثابت تولید مواد غذایی روبرو می شود، باید کاری انجام گیرد. اگر برای جلوگیری از تصادم قریب الوقوع فوق اقدامی بعمل نیاید، جهان در عرض ده سال آینده دچار چنان بلایی خواهد شد که صلح و ثبات دنیای غرب را درهم خواهد ریخت.

اگر ایالات متحده بطور اتفاقی و برخلاف مصالح سیاستهای کشاورزی خود اضافه محصول را جمع نکرده و مطابق قانون عمومی ۴۸۰ به کمک بسیاری از کشور های بزرگ مانند پاکستان و بعضی کشور های کوچک مناطق عقب مانده نشتافته بود، بحران گرسنگی از سالهای ۶۶-۱۹۶۵ شروع شده بود.

بر تمام عوامل فوق، این نکته نیز باید اضافه شود که بیماری های عفونی و میکروبی که از آب و هوای نامناسب استوایی و نیمه استوایی و سطح پائین زندگی و بخصوص مسکن نامناسب، کمبود مواد غذایی و سطح پائین بهداشت فردی و اجتماعی نتیجه میشود، از قدرت جذب و استفاده مواد غذایی مصرف شده بتوسط بدن می کاهند.

مطالعات نشان داده اند که «گرسنگی پنهانی» ناشی از مصرف کالری کم و بخصوص نبودن مواد غذایی محافظ بطور قاطع در بوجود آوردن بیماریها و بخصوص بیحالی و فقدان نیروی ابتکار و تحرک موثر بوده اند.

بعضی از ویژگیهای منسوب به کشور های آسیائی - تمایل به مراقبه و در خود رفتن، علاقه به دنیای دیگر، کنش پذیری مردم و ارزش نهادن به فراغت و جز آن که بعضی اوقات در معیار های روشنفکرانه به آئینهای مذهبی، فلسفی و ارج نهادن این کشور ها به بعضی «ارزشهای» بخصوص آسیائی یا منطقه ای مربوط می شود ممکن است در واقع بعلت اشکالات غذایی و بهداشتی باشد.

نشریه جدیدی که بتوسط دفتر «اکافه» منتشر شده است از «بعضی ویژگیهای قومی مانند تنبلی... برداشت های دلپذیر فلسفی از زندگی» نام برده و اظهار داشته است که «این ویژگیها ممکن است بعلت عوامل محیطی... مانند کم غذایی و یا بد غذایی باشند». عقاید قومی و فرهنگی مشابه مردم دیگر کشور های فقیر را نیز ممکن است به گونه بالا توجیه کرد. کمبود مواد پروتئینی مخصوصاً برای اطفال و زنان آبستن و شیرده زیان آور است. در سالهای اخیر با توجه بیشتری که نسبت به اطفال بعمل آمده است، کمبود پروتئین و سایر مواد غذایی در کاهش دادن تعداد سلولهای مغزی و در نتیجه عقب

چگونه میتوانید از پول، پول در بیاورید؟

آنچه درباره سرمایه‌گذاری و بازرگانی و بورس و سفته و بازار پول و دلالتی‌های مربوط بدان باید بدانید

درآمد باشد - دلالت درین مورد عقیده دارند که ما موقعی باید بان امر اقدام کنیم که همه نیازمندی‌های زندگیمان برطرف شده باشد و از این جهت حق بجانب ایشان است. پس اگر شما درآمدی برای سرمایه‌گذاری داشته باشید باید درآمد پس از وضع مخارج باشد.

شما قبلاً میتوانید حساب کنید در انتظار چه مقدار درآمد میبایستید و چقدر آن برای پس‌انداز میماند که قابل توجه باشد اما برای مبالغ بزرگتر البته مسئله فرق میکند شما میتوانید با درآمد حاصل از مبلغ ۱۰۰.۰۰۰ دلار که عاقلانه سرمایه‌گذاری شده و ۶۰۰۰ سود بدهد براحتمی زندگی کنید.

اما باز موقعی سرمایه‌گذاری برای شما پیش میآید فرض کنیم هزینه مثبت شما هم تامین شده باشد و در این صورت تنها منظوری که از این کار حاصل می‌شود اینست که بر ذخیره پولتان افزوده شود.

اگر با دلالتی بمشورت بپردازید ممکن است این کار شما را نپسندند و شاید بطور خلاصه بشما بگویند درباره رشد سرمایه با او حرف میزنید اما بعد بشما آگاهی میدهد که رشد سهام درآمد زیادی عاید نکرده و اطمینان موثقی هم بان نمیتوان داشت. این حرف بعضی اوقات حقیقت دارد اما نه همیشه.

برای مثال شرکت های بزرگ داوکیکال استیمن کدالک گلف اوپل آئی.بی.ام و شرکت استخراج و تولید مینه زوتارامیتوان نام برد که سهامشان

در وال استریت - که مقصود بازار سهام در نیویورک است سرمایه‌گذاری هائی که بنام اشخاص یا موسسات بعمل میآید پورت فولیو نامیده میشوند.

پورت فولیو که اساساً بمعنای کیفیت است همه‌گونه نوع و اندازه‌ای دارد. من در مورد شما مبلغ پنجهزار دلار را مثال آوردم زیرا نه آنقدر کم است که بشود آنرا ندیده گرفت و نه آنقدر زیاد که از حد درآمد متوسط اغلب مردم بیشتر باشد حالات مختلفی که برای این مبلغ در سرمایه‌گذاری پیش میآید ارزش ها و مشخصاتی را واجد است که بکار هرکسی با هر مقدار سرمایه و درآمد می‌خورد.

اغلب دلالتها و کارگزارها در مورد سه هدف کلی سرمایه‌گذاری زیاد صحبت میکنند این سه هدف عبارتند از:

ایمنی سرمایه، تامین درآمد از سود و رشد سرمایه. قطعاً شما یکی از این سه منظور را بخاطر سپرده و باید پیوسته متوجه آن باشید تا سرمایه‌گذار خوبی محسوب شوید. تا آنجا که بمن مربوط است اگر من بخواهم پولم در جای امنی باشد آنرا ببانگ یا صندوق پس‌انداز می‌سپارم اما وقتی که دلالتها و کارگزارها از این هدف سخن میرانند مقصودشان ایمنی اوراق بهاداری مانند:

اسناد قرضه و سهام ممتاز می‌باشد. اسناد قرضه و سهام ممتاز برای سرمایه‌گذاری کاملاً مناسبند. اما اگر منظور سرمایه‌گذار تامین

اما خرسها داستانی دارند که باوایل قرن هیجدهم بر میگردد. در آن موقع شکارچی بود که پوست خرس هائی را که هنوز شکار نکرده بود پیشاپیش میفروخت از آن زمان اشخاصی که جنسی رامیخواستند بفروشد بدون آنکه آن را تهیه کرده باشند (دلالت پوست خرس) نامیده شدند. در بازار سهام اشخاصی که پیش فروش میکنند اصلاً خرس نامیده میشوند.

امروز از گرگها در وال استریت خبری نیست و اعقاب آنها رام شده‌اند و گاوها و خرسها نیز عبارت از مردمی هستند که بهر دلیلی قبول داوند گردش بازار بطرف بالا است - البته اگر گاو باشند - و بطرف پائین است - اگر خرس باشند - و مایلند خودناظر ادامه جریان باشند.

کمیسیون نظارت بر اوراق بهادار شاید مطالب بیشتری درباره ایمن حضرات داشته باشند ولی این کمیسیون درباره اغلب امور مربوط به معاملات اوراق بهادار اساساً نظر واقع بین دارد و بورسها سعی وافیه و کاملی برای همکاری با کمیسیون بکار برده و مقررات مخصوص خود را وضع کرده‌اند و بنگاه های کارگزاری نیز با آئین نامه مخصوص بخود بایشان پیوسته‌اند. نتیجه اینکه شمای نوعی که میخواهید مقدار پولی را در بورس بکار اندازید متوجه میشوید که تعداد اشخاصی که برای رفاه و اطمینان شما در این دستگاه کار میکنند از هر دستگاه دیگری بیشتر است.

مدتی پول را نگهدارد زیرا وضع بازار در آن موقع خوب نبود و او میگفت باید صبر کرد تا امیدی باوضع پیدا شود وگرنه مسئولیت زیان احتمالی با او نخواهد بود.

خانم با دلائل روشن و محکم او مجاب شد و نصیحت او را پذیرفت یا قسمتی از آنرا گوش کرد و يك سنت سرمایه‌گذاری نکرد اما در نگهداری آن نیز دقتی نکرد. پول خرده خرده آب شد.

نه سفری به اروپا یا نقطه دیگر نه خرید میل و اثاثیه و نه هیچ کار مهمی با آن صورت نداد بلکه دو سه سالی خرج اضافی معاش خود را از آن میپرداخت و روزی متوجه شد که دیگر از ارثیه چیزی نمانده است فقط ۱۰۰۰ دلار برای مبادا از آن کنار گذاشته بود ...

البته اگر این خانم پولس‌راهمان طور که خودش در ابتدای کار تصمیم گرفته بود به حساب پس‌انداز می‌گذاشت اکنون مبلغ عمده‌ای به‌عنوان بهره در حسابش مانده بود.

اما اگر پول خود را به سرمایه‌گذاری در سهام شرکت معتبری اختصاص داده بود شاید تا يك یا دو سال چیزی نصیبش نمیشد - زیرا واقعا وضع بازار در آن روزها کند و کساد بود. اما این مزیت را داشت که پول خود را پیهوده خرج نمیکرد و در ۱۹۵۰ هنگامی که ترقی بازار شروع شد از آن استفاده شایان میرد. و با يك حساب ساده ۵۰۰۰ دلارش بدون آنکه وارد تجارت یا سوداگری شده باشد به مبلغی در حدود ۳۵۰۰۰ دلار افزایش می‌یافت.

این بود داستان آن خانم که پایان خوشی نداشت. آن جوان هم اتفاقا پیشرفت کرد و حالا خود دارای شرکت معتبری در وال‌استریت میباشد و در بهترین سال های زندگیش صاحب ثروتی نیز هست.

ناتمام

شاید خود او پس از وقوف باین امر از عمل نکردن بدستور او در زحمت بیفتید. وقتی زنی که بدنای امور مالی آشنائی ندارد به مشورت بازرنگ‌ترین و باحس‌نیت‌ترین دوستان یا بستگان خود میپردازد جریاناتی پیش می‌آید که برای نمونه یکی از آنها را دوستی که میدانست من این کتاب را در دست تالیف دارم برایم تعریف کرده است:

دوست من وقتی که خیلی جوان بود و ۲۲ سال بیشتر نداشت - ۱۰۰۰ دلار ارث برد و تصمیم گرفت برای کار و زندگی به نیویورک برود. وی چندصد دلاری خرج سفر، خرید لباس جستجوی کار و اجاره آپارتمان نمود که در آن موقع با صرفه بنظر میرسید و پس از آن عهد کرد که با حقوق ماهانه خود بسازد. ولی در ظرف دو ماه ۵۰۰ دلار دیگر از پول‌ها خرج شد و عاقبت خانم حواسش را جمع کرد و صلاح در آن دید که مبلغ ۵۰۰ دلار که از ارثیه برایش مانده سرمایه‌گذاری کند وگرنه آنهم برباد میرفت به اینجهت بفکر افتاد که آن پول را بحساب پس‌اندازی بسپارد و این کار آسانی بود هرچند که نرخ بهره آن روزها پائین بود. تصمیم گرفت با کسی مشورت کند پدرش دیگر در قید حیات نبود و برادرش در فاصله زیادی از او در کالیفرنیا میزیست از این جهت بدوستی روی آورد که در يك شرکت کارگزاری بزرگ و معروف وال‌استریت شغلی باو واگذار شده و روز های کارآموزی را طی میکرد این مرد فکر و حافظه عجیبی داشت و میشد باو اطمینان کرد هرچند که خانم نمی‌خواست کار را بدست او بسپارد.

بهرجهت سال ۱۹۴۸ بود و یکشب که هردو باهم سر میز شام نشسته بودند خانم موضوع سرمایه‌گذاری را پیش کشید و از او نظر خواست کمی در اطراف موضوع صحبت کردند و در آخر مرد جوان باو سفارش کرد تا

روز بروز دو بغزونی میرود. حال من نمیگویم که شما همیشه میتوانید يك شرکته مثل آی. بی. ام را در مراحل اول بخوبی بشناسید ولی این کار محال نیست و شما می‌توانید در سهام شرکت هائی نظیر آنچه برایتان برشمردم سرمایه‌گذاری کنید و مطمئن باشید که میزان پولتان افزایش مییابد.

بسیار خوب شما مصمم شده‌اید که مبلغ ۲۰۰۰ دلار خود را - کمتر یا بیشتر - در سهام سرمایه‌گذاری کرده و برشد آن همت گمارید. شما بقول دلالهای وال‌استریت چشم و گوش بسته نیستید فرض کنیم دارای تجربه مختصری بوده یا اساسا هیچگونه تجربه نداشته باشید.

این پول را از هر راه بدست آورده باشید خواه از راه پس‌انداز یا ارث، يك نفر از وجود آن با خبر میشود که ممکن است از بستگان شما بانگذار یا حقوقدانی باشد که طبیعی است شما با او مشورت می‌کنید. تقریبا همه زن‌ها در چنین موقعی میل دارند در حد امکان درباره آن ترجیحا با مردی مشورت کنند چه بسا که این مرد شوهر، پدر، برادر، همکار دوست، نامزد و حتی پسر آن زن باشد و در هر صورت مشورت کار صحیحی است ولی شما باید مطمئن باشید که برای شروع کار گیرنده‌تان خوب کار میکند. اگر با آن مرد بتوانید تفاهم پیدا کنید امکان دارد که بر اوضاع مسلط شوید. شرطش اینست که آن مرد علاقمند و زیرک باشد که در این صورت خیلی آسان و راحت است که اختیار را کاملا بدست او بسپارید.

اما اتفاق میافتد که پیشکار شما از قضایا اطلاع چندانی نداشته باشد و متوجه این امر شود که اگر بخواهد باصلاح راهی را که به نظر خودش درست است پیش پای شما بگذارد هم خود و هم شما را خسته و درمانده خواهد کرد و شما و

شامل: سرگذشت‌ها، خاطرات و گزارشهای تحقیقی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی، ادبی، و داستانها و خلاصه کتب و رسائل

ترجمه از: هیستوریا

مترجم: دکتر کوثری

مسافرت پتر کبیر به پاریس و عجایب آن

اگر آقای «لیبوا» نماینده دربار فرانسه که باتفاق سفیر کبیر دولت روسیه در پاریس آقای (کوراकिन) باستقبال پتر کبیر آمده بود طاس نمی‌بود و کلاه گیس نمی‌داشت موهای سر خود را از عصبانیت می‌کند.

— پنجاه و هشت همراه!

— کوراकिन با بی‌اعتنائی گفت ما هنوز انتظار چند نفر دیگر را هم داریم!

آقای «لیبوا» که يك نجیب‌زاده فرانسوی و از خدمتگزاران دربار پادشاه هفت ساله فرانسه لوی پانزدهم بود برای استقبال پتر کبیر به بندر «دونکرک» آمده بود.

او واقعا وضع تاتر انگیزی داشت باو گفته بودند که امپراطور روسیه بطور ناشناس مسافرتی بفرانسه خواهد کرد آقای «لیبوا» تصور می‌نمود که همراهان پتر چهار پنج نفر بیشتر نخواهند بود حال که «کوراकिन» باو میگفت بغیر از ۵۸ نفر موجود عده دیگری هم خواهند رسید برای خلاص کردن خود از رنج پذیرائی این عده به کوراकिन گفت:

همه روزه برای مخارج پذیرائی همراهان اعلیحضرت تزار روسیه یک هزار

و پانصد «لیور» در اختیار حضرت اشرف قرار خواهم داد.

هزار و پانصد «لیور» حذاعلای اختیاری بود که (لیبوا) برای مخارج پذیرائی میهمانان فرانسه در اختیار داشت.

کوراकिन پاسخ داد:

— نه قربان جنابعالی شخصا پذیرائی همراهان را بعهده خواهد داشت!

— من تصور می‌کنم که در روسیه برای پذیرائی میهمانان مبلغ ثابت و مشخص تعیین شده باشد.

— ممکن است در روسیه چنین باشد ولی ما در فرانسه هستیم!

«غول» وارد میشود

دیپلمات روسی این مطالب را با چشمکی ایراد کرد آنها در فرانسه بودند حاصلخیز ترین و ثروتمندترین کشور سلطنتی جهان در آن روزگار. میهمانان روسی که از مسکو می‌آمدند نباید روزه بگیرند.

فردای آذرور ۲۱ آوریل ۱۷۱۷ پتر کبیر وارد میشود.

آقای «لیبوا» در مقابل غولی را دید که يك سر و گردن از تمام حاضرین بلندتر بود برای دیدن صورت او باید سر را کاملا بطرف بالا برد.

انجام وظیفه برای آقای «لیبوا» با این عدم تناسب اندام ها کمی مشکل شده بود پتر بنظر ۴۵ ساله میرسید قیافه او از خستگی و رنج زیادی که در مدت زندگی خود متحمل شده بود حکایت میکرد پوست زیر چانه او که نشانه غبغبی در جوانی بود آویخته شده و سبیل کوچکی لب های نمناک او را زینت می‌داد چشمان بزرگ و وحشت‌آور او هر بیننده رامی‌لرزانید! او اظهار داشت:

— من می‌خواهم چهار روزه به پاریس برسم.

— اعلیحضرتا نود «لیو» فاصله این محل تا پاریس است چهار روزه غیرممکن است.

— من بتو می‌گویم که من می‌خواهم. من از تو نمی‌پرسم که آیا ممکن است یا نه؟

در این موقع کالسکه سلطنتی را که از «ورسای» آورده بودند به‌تزار نشان بدهند دستگیره‌ها مطلا و داخل آن با مخمل قرمز پوشیده شده است.

— شما تصور می‌کنید که من در این «نعلش‌کس» سوار خواهم شد؟

— پس اعلیحضرتا اجازه بفرمائید يك کالسکه بزرگتر برای مسافرت تهیه کنیم.

لطفا ورق بزنید

— من کالسه نمیخواهم من يك درشكه لازم دارم .

— قربان دېشكه مناسب دراختيار اين بنده نيست .

— من خودم آنرا خواهم يافت تزار روي خود را برگردانيد و پياده مشغول گردش در شهر شد دركوجه‌ها اهالی دونكره عبور اين مرد غول‌پيكر را كه لباس كهنه بزرگ قهوه پوشيده بود مشاهده مي‌كردند او كه شباهت زيادي به يك كارگر عادي داشت کسی بود كه شارل دوازدهم نيرومندترين امپراطوري اروپاي آنروز را شكست داده بود .

پتر در اين موقع به بندرگاه رسيد او با قدم هاي خود طول وعرض حوضچه هاي بندر را اندازه ميگرفت او پرده مثلي شكلي را مشاهده كرد و در يك دفتر كوچك يادداشت ميكره كه در جلوي يكي از سد ها قرار داشت تزار پرسيد اين پرده براي چيست ؟

بعض رسايندند كه هرروزه با برداشتن اين پرده مقداري آب وارد ساحل بندري شده و شن هاي موجود را مي‌شويد اگر اين شستشوي روزانه نباشد بتدريج صحنه بندر پر از شن خواهد شد .

— بسيار جالب است او مجدداً اين موضوع را در دفترچه خود يادداشت كرد .

او در تمام انبار هاي كهنه بندر به جستجو پرداخت و بالاخره درمقابل وسيله نقليه كهنه كه شايد متعلق به صد سال پيش بود ايستاد .

— وسيله مناسب خود را يافتم اين صندوق را با يك برانكاورد آماده كنيد كه چهار اسب آنرا بكشد .

— اعليحضرتا شما ناراحت خواهيد شد «ليبوا» جرئت كرد اين مطلب را بعرض برساند .
— خوب بعد ؟

— اعليهحضرتا اين وسيله خطرناك است .

— آيا بشما مربوط است ؟ آيا شما حق دخالت در كار هاي مرا داريد ؟

نجيبزاده درباري بخود گفت مثل اينكه او بعنوان يك سردار فاتح بفرانسه وارد شده است اين مرد شباهتي به ميهمانهاي عادي ندارد .

آقاي «ليبوا» بخوبي مطلع بود كه پتر براي انعقاد يك قرارداد نظامي با براي گفتگر در اطراف آن بفرانسه ميآيد پتر مدت ۱۷ سال بود كه با شارل دوازدهم مي‌جنگيد او از خسارات و تلفاتي كه روسيه در اين مدت متحمل شده بود ناراحت بود و تصور مي‌كرد كه مداخله فرانسه سؤددهاي سرسخت را وادار به تفكر و تعقل خواهد كرد .

لوي چهاردهم پادشاه سالخورده فرانسه كه خود گرفتار جنگ هاي ديگري بود نميخواست در اختلافات بين روسيه و سوئد دخالت كند ولي اكنون او درگذشته است و كودك هفت ساله‌اي بجاي او بتخت نشسته است نايب‌السلطنه او «فيلپ درلثان» فرمانرواي فرانسه بود بتصور پتر بهترين موقع اقدام فرارسيده بود .

گرفتاريهاي خانوادگي پتر

پتر كبير زن جوان خود را در آمستردام گذاشته بود و تنها بفرانسه آمده بود و اين خود نشانه اين بود كه اين مرد بماموريت خود چه اندازه اهميت ميداده است تزارين روسيه از او پرسيده بود :

— پدر كوچك ! مرا به پاريس نمي‌بري ؟

— نه مادر كوچك ! شما نزد رفيق من آقاي « يتن » راحت تر خواهي بود . موقعيكه پتر کشور هلاند را ترك کرده بود كماكان از فرزند بزرگ خود بدون خبر بود و اين بي‌خبري باعث

كج خلقی و عصبانیت شدید تزار شده بود .

تزارويچ «الكسيس» بعد از گفتگو و منازعات با پدر خود از روسيه گريخته بود و پتر محل اقامت او را نميدانست .

شايعات زيادي در روسيه وجود داشت كه پتر فرزند خود را بقتل رسانده است و اين اخبار در اروپاي غربي هم منتشر شده بود و پاريس هم رسيده بود پتر بخوبي درك مي‌كرد كه اين اتهامات دروغ چقدر براي ماموريت او خطرناك است ولي چاره‌اي براي تكذيب اين اخبار پيدا نمي‌كرد .

تزار مي‌دانست كه شاهزاده فراري با نقشه ها و نوسازي هاي او مخالف است و اين فرزند چه حاضر و چه غايب براي او همواره يك تهديد و يك مانع بشمار ميرود با چنين وضعي «پتر» بفرانسه وارد شده بود و بقدری در افكار خود مستغرق بود كه به آقاي «ليبوا» فرصت نداد كه طبق مرسوم به او خودش آمد و خيرمقدم مرسوم گفته شود !

«ليبواي» بدبخت از خدا مي‌خواست كه تزار بتواند با يك جهش از دونكره به پاريس پرواز كند و او را از رنج پذيرائي اين اشخاص عجب و غريب برهاند .

در تمام اين مدت پنجاه و هشت نفر روسي كه اكنون تعداد آنان به نود رسيده بود فقط كارشان خوردن و آشاميدن بود .

عجب پرخور هائي هستند عجب اشتهاي دارند معده اينان هيچگاه پر نميشود .

هرنامه‌اي كه نجيبزاده بدبخت بورساي مي‌فرستاد در آن از اسراف و تبذير و پرخوري ميهمانان تازه وارد شكايه مي‌كرد من باب مثال ميگفت كه آشپز تزار فقط براي غذاي شخص او باندازه هشت نفر گوشت و ساير لوازم و شراب تحويل مي‌گيرد !

آقای «لیبوا» میدید که هزار و پانصد لیور که او تصمیم داشت روزانه خرج کند در همان اوائل صبح بم مانند شبنم بخار میشود و میخواست کمی صرفه جوئی کند ولی کم مانده بود که اطرافیان تزار او را حسابی مشت و مال بدهند!

«پتر» بنظر «لیبوا» جوانی عظیم الجثه بود که در تواریخ از او گفتگو شده بود اشتهای وصف ناپذیر او تسکین ناپذیر بود! او بهاریس نوشته بود:

هرروزه پتر شخصا مقادیر هنگفتی عرق، آبجو، شراب و شراب سیب می آشامد میزان مواد خوراکی و میوه ای که او به تنهایی مصرف می کند بی سابقه است با وجود این همیشه ناراضی است و مرتب قر می زند و زیاده می خواهد بنظر او هیچ غذائی ماکول نیست و یک نفر از همراهان او فقط کارش تهیه آبجو برای امپراطور است اکثر اوقات بصورت قهر از کنار میز شتابانه که برای او ترتیب داده شده برمی خیزد و تقریباً همه آن غذا ها را در اطاق خصوصی خود میل می نماید!

خشن و در عین حال آرام

در بندر «کاله» آقای «لیبوا» توانست نفسی براحتی بکشد چون یکی از کارمندان عالی رتبه اداره تشریفات دربار بنام مارکی «دومایی - نسله» برای کمک او وارد شده بود مارکی مردی بود با لباسهای رسمی منگوله دار بود زده با انیکت و به عصائی تکیه داشت که سر آن از طلای ناب بود خلاصه بم مانند يك دسته گل جلوه میکرد او به «لیبوا» گفت:

— روسهای ما کجا هستند؟
— آنها از شدت مستی نزدیک بمرك هستند!
— چه فرمودید؟

— دبروز روز عید «پاک» آنان بوده و آنها بمناسبت صعود حضرت مسیح جشن گرفته اند و بیش از معمول مشروبات نوشیده اند.

آقای «مایی نسله» خیلی موضوع را عجیب دانست و با ژست مخصوص درباری گفت:

— تزار چه میکند؟
— با اینکه تزار بیش از آنها مشروب نوشیده ولی هنوز قادر بحرکت است.

— چه بهتر شما کاملاً از مقررات خانواده سلطنتی فرانسه اطلاع دارید ما باید از هر خانواده سلطنتی که از فرانسه دیدن میکند پیشواز و استقبال کنیم و من شخصا وظیفه دارم که در کالسه میهمان در تمام طول راه همراه باشم من باید هم اکنون به اعلیحضرت تزار روسیه خیر مقدم عرض کنم.

— بروید او را پیدا کنید!
— چه گفتید؟
— تزار خارج شده او را باید در یکی از امکنه عمومی بندر پیدا کرد.

«مایی نسله» شروع بگردش در می فروشی ها کرد و بالاخره در یکی از مشروب فروشی های کثیف که دود بکلی دیوار های آنرا سیاه کرده بود تزار را در حالی دید که با عده زیادی ملوان مشغول نوشیدن عرق میباشد عده ای نوازنده دوره گرد هم مشغول خوانندگی و نوازندگی بودند مارکی به تزار گفت:

— اجازه بفرمائید اعلیحضرتا که من خیر مقدم بعرض برسانم پتر با تندی پاسخ داد:

— چه میخواهید؟
— تشریفات دربار سلطنتی فرانسه مرا موظف می کند که از هر شخصیت خارجی که
— اگر تشنه هستید بنشینید و بنوشید.

«مارکی دو مایی نسله» از این صحبت تزار ناراحت نشد و ادامه داد.
— اعلیحضرتا! بعد در حالیکه بم لوآنان و موزیسین ها می تگریست

گفت شما در يك جلسه خصوصی تشریف دارید اجازه بدهید که من فردا افتخار شرفیابی و معرفی خود را پیدا کنم فردای آنروز بالاخره کالسه تزار را همانطوریکه او دستور داده بود بروی يك برانکار سوار کرده بودند و برای مسافرت آماده بود.

«مارکی دومایی نسله» تعظیم کرد و در گوشه ای ایستاد. پتر باو گفت:

— مرد جوان. آیا شما از خیاط خود ناراضی هستید؟

— ممکن است اعلیحضرت بمن بفرمایند که چرا؟

— شما دیروز يك لباس آبی رنگ پوشیده بودید امروز شما لباس قرمز رنگی بتن دارید آیا شما هرروز لباس عوض می کنید؟

— بلی اعلیحضرتا.
— شما عجب اعجوبه هستید.

مارکی در کالسه را که تزار بسته بود گشود و سوار شد. تزار با تعجب گفت:

— چه میکنید؟
— اعلیحضرتا تشریفات خانواده سلطنتی ما حکم می کند که من تا پاریس در خدمت باشم.
— ولی من مایل نیستم که شما پهلوی من باشید.

— اعلیحضرتا رسوم و مقررات....
— پیاده شوید.
— آخر ...

— نمیخواهی پیاده شوی؟
در این موقع تزار مشت محکمی به سینه مارکی نواخته و او را از کالسه بپائین می اندازد. همانشب مارکی نامه ای به نایب السلطنه فرانسه می نویسد و در آن اشعار میدارد:

موقعیکه والا حضرت چند روز با این شخص محشور بودید من اطمینان دارم که موقع خدا حافظی احساس آرامش و راحتی خواهید فرمود!
ناتمام

هفت خواهران نفتی

امریکائیان بزودی کمی نفت و بنزین را فراموش کردند

خلاصه قسمتهای قبل

وقتی در کشور ایالات متحده آمریکا نفت و بنزین کم شد و بهای آن افزایش یافت، امریکائیان نسبت به شرکت های نفتی خشمگین شدند چون فکر میکردند که آنها برای مرنداستفاده، از روی عمد، زمینه نفت و بنزین را کم کرده اند تا بهای آنها را افزایش بدهند و اینک دنباله بحث.

می شنیدم که عقیده داشت امریکائیان بایستی خود را از نفت بی نیاز کنند یعنی منابع انرژی دیگر را جانشین نفت نمایند.

در آن موقع بنظر میرسید که دوره سوار شدن بر اتوموبیل های بزرگ که مصرف بنزین آنها زیاد است برای همیشه منقضی شده و اتوموبیل (فولکس واگن) آلمانی و (تویوتا) ژاپنی که مصرف بنزینشان کم بود بتعداد زیاد بفروش میرسید ولی کسی اتوموبیل های بزرگ ساخت دیترویت (۱) را خریداری نمیکرد.

در شهر های آمریکا خانه های واقع در داخل شهر، به نسبت نزدیکی به مرکز شهر، بهای خوب، بفروش میرسید لیکن خانه های واقع در حومه شهر بفروش نمرفت چون برای رفتن بحومه شهر و مراجعت از آنجا در بامداد بایستی از اتوموبیل استفاده کنند.

کدبانو ها برای خرید احتیاجات خانه، بنوبه بازار میرفتند و در هر بلوک (۲) هر روز یک کدبانو با اتوموبیل

اما چند ماه بعد، همان شرکت (شرکت موبیل) بانصد میلیون دلار از سرمایه خود را صرف خرید یک گروه از سوپر مارکت ها کرد که کوچکترین رابطه با صنعت نفت یا نوعی دیگر از صنعت تولید منابع انرژی نداشت و شرکت نفتی «گولف»، در بحبوحه بحران نفت و بنزین در امریکا قسمتی از سرمایه خود را در شرکت سیرک (بارنوم و بایلر) بکار انداخت و این دو شرکت، با عمل خود نشان دادند که سودی که از فروش نفت و بنزین بدست می آورند، فقط صرف کشف منابع جدید انرژی برای رفع نیازمندی امریکائیان نمیشود.

در زمستان سال ۱۹۷۳ - ۱۹۷۴ در امریکا هوا، سردتر از سال گذشته شد و رئیس جمهوری امریکا، به امریکائیان توصیه نمود که درجه شفاف ها را کم کنند تا در مصرف مواد نفتی صرفه جوئی شود.

در آن زمستان، با هرامریکائی غیر از رجال نفتی، که صحبت میکرد

شرکت های (تگزاکو) و (گولف) و (شل) در روزنامه (نیویورک تایمز)، آگهی هایی مفصل، در یک صفحه منتشر کردند تا این که علل افزایش سود ویژه خود را در سال ۱۹۷۳ بیان کنند و موجه نمایند که تحصیل آن سود، ناشی از تحمیل بر مصرف کننده امریکائی نبوده است.

شرکت (موبیل) گفت: مصرف کننده امریکائی که نفت و بنزین را به بهای جدید خریداری میکند باید بداند که اگر امروز بهای نفت و بنزین را بیش از گذشته می پردازد برای این است که ما بهای نفت را بیش از گذشته بکشور های تولید کننده می پردازیم و هرچه برای ما بماند باز در خدمت مصرف کننده امریکائی بکار میافتد چون ما با آن در فلات قاره مبادرت باستخراج نفت می کنیم یا در آلاسکا نفت استخراج می نمائیم تا این که مصرف کننده امریکائی هرگز، از نفت و بنزین محروم نماند.

۱- دیترویت مرکز بزرگ اتوموبیل سازی امریکا است.

۲- بلوک یعنی مجموع آپارتمان هایی که در یک ساختمان قرار گرفته و معانی دیگر هم دارد ولی در این جا، منظور، مجموع آپارتمان های یک ساختمان است.

(مترجم)

عکس های سفینه مریخ نورد امریکائی در هیجده دقیقه بزمن میرسد

این سطور هنگامی نوشته می شود که سفینه مریخ نورد امریکا با اسم (وایکینگ) هنوز فرزند خود را رهانکرده که بر کره مریخ بنشیند اما اطراف مریخ می گردد و مجله (تایم) می نویسد که بطور منظم ، عکس های کره مریخ را برای زمین میفرستد و امواج حامل عکس که با سرعت ثانیه ای سیصد هزار کیلومتر حرکت میکنند هیجده دقیقه در راه می باشد تا بزمن برسد و دستور های زمین هم بعد از هیجده دقیقه به سفینه مریخ نورد امریکا میرسد و سفینه وایکینگ (سفینه مادر) روی یک مدار بیضوی شکل اطراف مریخ می گردد و با زمین ۲۰۸ میلیون میل فاصله دارد و میدانیم که طبق برنامه در روز دویستمین سال استقلال امریکا (روز ۱۳ تیر ماه جاری) بایستی فرزند خود را بر مریخ بنشانند (در ساعتی که این مطلب ، ترجمه از مجله تایم ، بچاپخانه داده می شود ، هنوز اخبار مربوط به نشستن آن فرزند که امریکائیان آن را (لاندرو) - یعنی کسی یا چیزی که فرود می آید - می خوانند ، منتشر نشده است .)

(خواندنیها)

قبل از این که آن لایحه به تصویب (نیکسون) برسد وی در دهم ماه اوت ۱۹۷۴ از ریاست جمهوری امریکا استعفا داد و (فورد) که معاون رئیس جمهوری بود ، بر طبق قانون اساسی امریکا جای او را گرفت . چند روز بعد از این که (فورد) با سمت جدید شروع بکار کرد لایحه اعتبار احداث (مترو) را در شهر های امریکا بنظرش رسانیدند تا تصویب کند و او ، ۹ میلیارد دلار از میزان اعتبار کاست یعنی تقریباً اعتبار احداث (مترو) را در شهر های امریکا نصف کرد .

بعد هم در شیکاگو ضمن نطقی که ایراد کرد با صراحت گفت از این جهت از اعتبار احداث (مترو) کاست که به صنعت اتوموبیل سازی امریکا لطفا ورق بزنید

همین که تحریم از بین رفت با این که قیمت بنزین چهل درصد نسبت به پایان سال گذشته گران شده بود ، امریکائیان مضیقه نفت و بنزین را فراموش کردند و سیستم تعاون هیسایگان برای خرید احتیاجات خانه از بین رفت و اتوموبیل های بزرگ ، بامصرف زیاد بنزین براه افتاد و کشتار در جاده ها بر اثر سوانح عبور و مرور تجدید شد .

قبل از این که تحریم نفت از طرف کشور های عربی لغو شود ، بدستور (نیکسون) رئیس جمهوری امریکا ، لایحه ای برای اعتبار بوجود آوردن سرویس و نقل عمومی (مترو) تدوین کرده بودند و در آن لایحه بیست میلیارد دلار اعتبار برای آن کار در نظر گرفتند .

خود بازار میرفت و بر طبق صورتی که باو میدادند ، احتیاجات همسایگان را خریداری می نمود و لذا در یک (بلوک) که شانزده مستاجر داشت ، در هر شانزده روز یک بار یکی از کدبانوان برای رفتن بازار بنزین مصرف میکرد . تماشاخانه ها و سینما های واقع در مرکز شهر ها پیوسته پر از جمعیت تماشاچی بود .

اما در حومه شهر ، سالون سینماها و تماشاخانه ها خالی میماند .

کمی و گرانی نفت و بنزین ، در اسلوب ساختمان آسمان خراش ها نیز موثر واقع گردید و معماران می گفتند که نباید نمای عمارات آسمان خراش را (مثل ساختمان سازمان ملل متحد در نیویورک) از شیشه ساخت زیرا در تابستان ، ساختمان را خیلی گرم و در زمستان خیلی سرد میکند . یکی از مسائلی که در زمستان

سال ۱۹۷۳ - ۱۹۷۴ مورد توجه جدی قرار گرفت بوجود آوردن وسایل و سرویس های حمل و نقل عمومی و بخصوص (مترو) در شهر ها بود تا این که مردم برای رفتن از خانه به محل کار و مراجعت بخانه مجبور نشوند از اتوموبیل استفاده کنند .

در سه ماه اول سال ۱۹۷۴ مصرف گازولین (یعنی بنزین - مترجم) در امریکا نسبت به سه ماه اول سال ۱۹۷۲ هفت و هفت دهم درصد کاهش یافت در صورتی که در سال های گذشته ، مصرف بنزین ، افزایش می یافت و هر سال از پنج تا هفت درصد بیش از سال گذشته بنزین به مصرف میرسید .

در ماه مارس سال ۱۹۷۴ کشور های عربی تحریم نفت را در مورد امریکا لغو کردند .

نامه‌ای از خوانندگان راجع به نسب سفیر سابق امریکا در ایران

خواننده‌ای محترم باسم (هنری) این نامه را بدفتر مجله خواندنیها فرستاده‌اند :

با مطالعه مجله خواندنیها در صفحات ترجمه کتاب هفت خواهران نفتی که در آن توضیحات آقای عبدالکریم طباطبایی و نیز توضیح مترجم درج شده لازم دانستم من هم توضیح بدهم .

من که از نزدیک با دوگلاس مک‌آرتور دوم سفیر سابق کشور های متحده امریکای شمالی دوستی و آشنائی و همکاری در تهران داشتم توضیح آقای عبدالکریم طباطبایی را تأیید کرده و میگویم همانطوریکه ایشان توضیح داده‌اند دوگلاس مک‌آرتور دوم واقعا برادرزاده ژنرال دوگلاس مک‌آرتور بوده و ژنرال دوگلاس مک‌آرتور که در ۲۶ جون سال ۱۸۸۰ مسیحی در پایگاه (لیتل بوکس) متولد شده فرزند ژنرال آرتور مک‌آرتور فرمانده هنگ ۲۴ توپخانه جنگهای استقلال امریکاستقر در همان پایگاه بوده و این ژنرال فقید امریکایی که پدر ژنرال ه ستاره فقید امریکا دوگلاس مک‌آرتور بود جد یا پدر بزرگ و یا پدر پدر دوگلاس مک‌آرتور دوم دیپلمات بازنشسته امریکایی و سفیر سابق امریکا در ایران بوده است .

بنابراین مولف و نویسنده کتاب آقای آنتونی سمسون در این باره اشتباه کرده و توضیح آقای عبدالکریم طباطبایی در باره برادر زاده بودن دوگلاس مک‌آرتور دوم با ژنرال دوگلاس مک‌آرتور فقید کاملا صحیح است .

لطمه وارد نباید و نیز در همان نطق گفت من اهل (میشیگان) هستم و نامم (فورد) است (۳) .

یکی از آثار بحران نفت در امریکا این شد که مقررات مربوط به حفظ محیط زیست ، سست گردید و در بعضی از موارد اجرای آن متوقف ماند .

قبل از آن بحران ، سوزانیدن سوخت هائی که میزان گوگرد آن زیاد باشد در امریکا ممنوع بود ولی بعد از آغاز بحران (نیکسون) گفت که از سوزانیدن آن نوع از سوخت ها جلوگیری نکنند .

قبل از آغاز بحران طرفداران حفظ محیط زیست از ساختن لوله نفت سرتاسری آلاسکا که بایستی شمال آن را بجنوب متصل نماید جلوگیری میکردند (۴) .

ولی بعد از آغاز بحران (نیکسون) دستور داد که لوله نفت سرتاسری آلاسکا ساخته شود .

تا وقتی که بحران نفت ادامه داشت ، امریکائیان بطور جدی مشغول مطالعه بودند که منابع انرژی دیگر را جانشین نفت نمایند .

ولی پس از این که تحریم نفت لغو شد . آنهائی که طرفدار تغییر منبع انرژی بودند ، دیگر ، جدیت سابق

را از خود نشان نمیدادند و مثل این بود که قائل شده‌اند که در آینده هم فقط بایستی از نفت استفاده نمایند . در سال ۱۹۲۴ که هنوز ، ارزش نفت در بعضی از کشور های جهان معلوم نشده بود يك نویسنده انگلیسی باسم (دونپورت) نوشت که امریکائی طوری به نفت وابسته است که بدون آن ، نمیتواند حرکت کند و این گفته را يك نویسنده دیگر انگلیسی باسم (کوک) تأیید کرد و در آن موقع معلوم می‌شد که گفته آن دو نویسنده انگلیسی که پنجاه سال قبل از آن تاریخ آن نظریه را ابراز کرده بودند بی‌اساس نیست .

«ناتمام»

۳- مفهوم این گفته (فورد) رئیس جمهوری امریکا این بود که چون او اهل ایالت (میشیگان) می‌باشد ، به صنعت اتومبیل سازی علاقه دارد زیرا ایالت (میشیگان) که شهر (دیترویت) در آنجاست مرکز اتومبیل سازی امریکا بشمار می‌آید و دیگر این که گفت اسم او (فورد) است تا برساند که (فورد) احیا کننده صنعت اتومبیل سازی در امریکا بود و کسی که دارای نام فورد می‌باشد نمیتواند نسبت به آن صنعت بی‌اعتناء باشد .

۴- شرح ساختمان این لوله نفت در آلاسکا و این که چرا طرفداران حفظ محیط زیست با ساختن آن مخالفت میکردند در بهار سال گذشته (سال ۲۵۳۴ شاهنشاهی) با اقتباس از مجله (تایم) چاپ امریکا و ترجمه نویسنده این سطور به تفصیل در مجله خواندنیها منتشر شد و آخرین قسمت آن ، در شماره ۷۹ سال سی و پنجم مجله در پایان خرداد ماه ۲۵۳۴ باتمام رسید .

یادداشت های تاج السلطنه دختر ناصرالدینشاه

بقلم خودش

پر ماجرای خود را می نویسد نهایت با همه کوشش از پژوهشگران از آن اثری نبود. استاد رضا زاده شفق در این باره می نویسد: (خانم تاج السلطنه کتابی در توصیف احوال دربار پدرش تالیف نموده و در آن از سوابق و اسبابی که او را بدبخت نموده است نیز صحبت کرده اگر چنانچه این کتاب در خور شهرت آن نوشته باشد البته از نقطه نظر تاریخ قیمت بزرگی دارد و امید است وقتی چاپ گردد)

در گنجینه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران زیر شماره ۵۷۴۱ این کتاب با عنوان (تاریخ حالات ایام زندگانی خانم تاج السلطنه) نظر مرا بخود جلب کرد، این یادداشتها در ۸۶ برگ بزرگ است. در پایان کتاب اصالت آن چنین یاد شده است (مصنف این کتاب خانم تاج السلطنه صبیحه مرحوم مغفور ناصرالدین شاه که بنا برخواهش و حسب فرمایش حضرت مستطاب اجل عالی آقای میر محمد علی خان آزاد کابلی معاون محترم سفارت جلیله دولت علیه افغانستان در تهران بقلم این حقیر رحمت اله داعی طالقانی ملازم سفارت خانه جلیله نقل و تحریر یافت. تهران دهم جمادی الثانی ۱۶ جدی ۱۳۰۳) این نسخه خطی را دانشگاه ضمن کتاب های استاد سعید نفیسی خریداری کرده است.

این اتوبیوگرافی را که از این بعد خواهید خواند بجهاتسی دارای ارزش ویژه است:

۱ - نویسنده یادداشتها خود دختر ناصرالدین شاه میبود در دربار زائیده و بزرگ شده و شوهر کرده است

به نواختن نمود در این هنگام تاج - السلطنه بنظام السلطان گفت: نظام السلطان این آشیخ چکاره است؟ عارف که دید نزدیک است مشتت باز شود... پیش از آنکه نظام السلطان جواب خانم را بگوید در همان دستگاهی که رحیم خان میزد شروع به آواز خواندن کرد بطوری **لحن دلکش** او درخانم ونظام السلطان موثر افتاد، که بی اختیار به او به به و آفرین گفت، پس از اینکه آواز تمام شد، خانم پرسید جناب شیخ اسمت چیست!

عارف خود را معرفی کرد تاج او را شناخت ولی نظام السلطان عارف را شناخت و معرفی کرد.

خانم گفت پس معلوم شد تو ناخوانده امروز بمهمانی ما آمده ای و اگر این آواز ز رانداشتی بیابان میگفتم تو را زیر دسته بیل له کنند ولی با این هنری که داری باید در خدمت ما باشی و پس از اینهم گاهی پیش ما بیا، عارف از الطاف خانم تشکر کرد... عارف این تصنیف را برای تاج السلطنه ساخته است:

تو ای تاج، تاج سر خسروانی
شد از چشم مست تو بی پا جهانی
تو از حالت مستمندان چه پرسی
تو حال دل دردمندان چه دانی
خدا را نگاهی بما کن، نگاهی برای
خدا کن، به عارف خودی آشنا کن

دو صد درد من
از نگاهی دوا کن
حییم طیبیم عزیزم، تویی درمان دردم
ز کویت بر نگرمد
به قربان تو گردم
تاج السلطنه جزر و مد زندگی

... عارف نتوانست از آنجا حرکت کند، پیش خود قیافه ای را که دیده بود با قیافه احتمالی تاج تطبیق می کرد و یقین داشت این نعمت غیر مشرقب همانست که مدتها آرزوی دیدار او را داشته است عارف با خود در این اندیشه ها بود که دو نفر جوان اشرافی سوار براسب بدر باغ رسیده، از اسب پیاده شدند، همینکه در باغ باز شد عارف نیز بدنبال ایشان بداخل باغ رفت، عارف آندو را نمی شناخت ایشان نیز او را نمی شناختند ولی تصور میکردند، از همراهان خانم تاج السلطنه است، پس چیزی باو نگفتند... مهمانان وارد شدند تاج با اندام زیبا و عارض چون ماه و متانت و بزرگی بسیار غرق در لباسها و جواهر گرانبها روی صندلی راحت نشسته بود.

واردین بخانم تعظیم کردند و خانم با تبسمی جانبخش بایشان جواب داد و بمهمانی که جلو میرفت گفت: نظام السلطان بنشین بهمهراहत هم بگو بشینند.

خانم تصور میکرد عارف همراه نظام السلطان است، نظام السلطان که رحیم خان خوانده میشد با عارف در پایین اتاق روی زمین دو زانو نشستند. در همین وقت... خوراکیهای رنگین و نوشیدنیهای گوناگون آوردند... نظام السلطان در خوراکیها و مشروب با خانم شرکت داشت ولی رحیم خان و عارف در پائین اتاق، بزمی جداگانه داشتند، پس از آنکه سرها از نشئه می ناب گرم شد خانم برحیم خان گفت رحیم خان پنجه ای نرم نمی کنی؟ رحیم خان... شروع

بنابراین بیشتر آگاهی از دربار قاجار و حرمسرایان پدر داشت و چون خود نیز مخالف با آنچه بود که در دستگاه پدرش میگذشت تاحدی با بی پردگی اوضاع محیط سیاسی روز را شرح داده است.

۲- از ویژگی های این یادداشتها شرح بعضی از رویداد های سیاسی آن روز، قرارداد رژی، فعالیت سید جمال الدین اسدآبادی، قتل ناصرالدین شاه و سلطنت مظفرالدین شاه و شناسائی شاه و ولیعهد و صدراعظم و بعضی از رجال بوده است.

در این یادداشتها از مفاسد دستگاه و دزدی و غارت خزانه دولت و پس از قتل ناصرالدین شاه، چنگیزوار غارت اشیاء وجوهرات سلطنتی بوسیله درباریان در آن زمان سخن رفته است.

۳- این یادداشتها از لحاظ کاوش روانی و فکری در نوع خود جالب است. سرگذشت حاکمیت که تاج السلطنه زنی اهل مطالعه و کتاب آشنا به ادبیات و تاریخ آزادی باختر، دارای ذوق شعر و موسیقی بوده است در آغاز زنی عفیف پای بند اصول خانوادگی، معتقد به مبانی اسلامی بوده است ولی شوهر او تمام این ارزشها را بهم می ریزد از او زنی بلهوس و خوشگذران و بی بند و بار می سازد او در این یادداشتها خود را طرفدار اصول مشروطیت و تجدد و آزادی نسوان و مخالف نظام سیاسی فردی و لایه های آلوده اشراف نشان میدهد و شاید از نخست زنان انگشت شمار بوده است که بی حجاب در مجالس و اجتماعات دیده میشده است.

۴- آشنائی که ثروت و حشمت را پشتوانه نیکبختی و بهروزی در زندگی میدانند این اتوبیوگرافی نشان میدهد با اینکه تاج السلطنه غرق در ناز و نعمت، مکنّت و شوکت میبود دختر

قوی ترین پادشاه قاجار زن رجلی ثروتمند و صاحب مقام و منصب و دارای وجاهت شگفت آور بود بقدری از محیط آلوده و فاسد اشرافی دچار حرمان و یاس میگردد که سه بار دست بانتحار میزند.

ابوالفضل قاسمی

انگیزه نگارش زندگینامه

تاریخ حالات ایام زندگانی خانم تاج السلطنه که به خط خودشان بقید تحریر درآورده اند و از روی اصل نسخه استنساخ میشود مورخه یوم دوشنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۴۳ هجری مطابق ۲۵ غرق شمسی ۱۳۰۳ (خانم مزبور دختر ناصرالدین شاه قاجار است)

در شب پنجشنبه سلخ ربیع الاول ۱۳۳۲ (۷ دلو) یک عصری که هوا ابر و تیره و مانند افکار و خیالات خودم محزون و غمدیده بود در اطاق نیمه روشنی نشسته و مشغول نقاشی بودم برف بشدت میبارید و هیچ صدائی جز وزش باد مسموع نمیشد. صمت و سکوت غمناکی سرپای وجودم را احاطه نموده و بر او افزوده نمود روشنائی قرمز رنگ ملایمی که از بخاری ساطع و لامع بود من تصور نمیکردم و فراموش کرده بودم جوان غمناکی که در پشت سر من در صندلی دسته داری فرو رفته و با یک نظر شفقت آمیز ملاحظت انگیزی بی اراده ... که بروی صورت دختر جوانی که مشغول کشیدن نقاشی بوده نگاه کرده مکرر آه های پی در پی سوزانی میکشید بالاخره گفت: شما خیلی زحمت میکشید و مغر خودتان را زحمت میدهید. خوب است یک قدری استراحت کنید و هوا هم تیره نقاشی عجلالتا قدری مشکل است. از این صدائی که هیچ منتظر شنیدن نبودم و

خود را تنها تصور میکردم و یک حرکت سریع شدیدی در من تولید و یک مرتبه گفتم آه (سلیمان) آیا شما اینجا بودید. خنده غریبی کرد و گفت شما بواسطه خیالات درهم و برهم و ناملایمی که دارید همیشه اشخاص حاضر حتی خودتان را فراموش می کنید و من بالاخره از زیادتى فکر بر شما میترسم. خوب است هر وقتی که گمان میکنید فکر خواهید کرد فوراً خود را بحرفهای مفرح و گردش در خارج و دیدن طبیعیات مشغول کرده از اخبار تاریخ گذشته بخواهید. با یک تبسم تلخی بیخودانه فریاد زده گفتم:

آه ای معلم و پسر عمه عزیزم در حالتی که زمان گذشته من و زمان حال من یک تاریخ حیرت انگیز و ملال خیزی است. شما تصور میکنید من بتاریخ دیگری مشغول بشوم آیا مرور شخص بتاریخ بهترین اشتغالها در عالم نیست؟

شانه خود را حرکت داده گفت آه تاریخی را که تمام خوب و بد نتایج تجربه اش بشخص خود انسان راجع باشد (۱۱)

— من تاریخ نمیدانم حقیقتاً اگر تاریخ شما آنقدر عجیب و حیرت انگیز است چرا آن را (برای من) (۱۲) قصه نمیکند تا استفاده کرده فایده برم؟

گفتم تاریخ من بقدری مهم و بقدری دارای وقایع مشکله است که اگر یک سال تمام ساعات عمرم برای شما حکایت کنم هنوز تمام نخواهد شد و بقدری گاهی محزون و گاهی مسرور است که اسباب تعجب شنونده خواهد شد ... با یک حال تجسس و کنجکاوی گفت بهبه واقع مطالبه یا شوخی میکنید ولی فوراً یک علائم راستی و جدیتی در بشره من ملاحظه نمود که در آن

۱۱- در اینجا دنباله مطالبی هیچ نقطه گذاری ادامه می یابد ولی پیداست مخاطب فرق میکند.

۱۲- در اصل (بمن)

حال شوخی و استهزاء را فراموش کرده متفکرانه گفت: آه خانم آیا امکان دارد شما برای من شرح حال خود را نقل کنید؟... گفتم خیر... بطور رجا و درخواست خواهش کرد و با کمال جدیت از من خواست که برای ایشان بگویم و هرچه من امتناع نمودم او اصرار کرد بالاخره گفتم حال تقریر ندارم لیکن شما قول میدهم که تمام سرگذشت تاریخ خود را برای شما تحریر کنم... با کمال مسرت تشکر کرد.

لیکن اینجا لازم میدانم اول از این معلم خود بعضی قصه ها گفته خوب ایشان را معرفی کنم پس از آن شروع بحکایت نمایم.

این جوان تولد شده است در ۱۱ محرم ۱۳۰۷ در مدرسه های مقدماتی مشغول تحصیل شده در سن ۱۷ سالگی در ۱۳۲۴ داخل انجمن فقر و عرفان شده قریب دو سه سال در ریاضت زحمت پیروی عرفا و شعرا نموده بعد به مدرسه سیاسی داخل شده از آنجا هم خیلی زود خسته خارج شده و به مدرسه صنایع مستظرفه داخل، دو سال است مشغول نقاشی میباشد از تغییر و تبدیل زندگانی او خوب ما میتوانیم به اخلاق او پی برده بفهمیم که این جوان خیلی متلون و دارای يك عزم راسخی نبوده است. از قرار تحقیق در سن هجده و نوزده يك شخص موهومی را در عالم خیال دوست میداشته است و تمام حرکات (دون کیشوت) معروف را میکرده است بالاخره به آن معشوقه موهوم رسیده و آن معشوقه درباره این عاشق مجنون خودش بی وفایی کرده پس از زحمات زیادی که باین جوان وارد آورد بالاخره مسافرت کرده این (آرتیست) معلم عزیز مرا بهجران دچار و تهدید مینماید. در اخلاق او

بقدر کفایت گفتم حال قدری از تمایل او گفتگو کنم:

صورت دلچسب و نجیب و مطبوعی با چشماهای درشت سیاه دارد، بشره متفکر و غمناک، گونه ها فرو رفته، رنک چهره تقریباً زرد، دماغی مانند منقار عقاب و در دیدن او همیشه من بخاطر می آورم که در زمانی که تاریخ فرانسه را میخواندم در این جا از فامیل (پرنس دوکنده) هر وقت مذاکره میشد دماغهای آنها را تشبیه به منقار عقاب مینمودند. خیلی ملایم و آرام با زیر دستان متواضع و فروتن با همسالان داخل در عرفان خیلی خوش مشرب، عاقل، اینست صورت و سیرت معلم من.

حال شروع بسرگذشت و تاریخ زندگانی خود می نمایم و این جوان عجیب را از خود ابدی ممنون می سازم و در ضمن مروری بگذشته خود نموده شائد و زحمات خود را و نیکبختی وسعادت خود را بیاد می آورم. من در اواخر سال یک هزار و سیصد و یازده در سرای سلطنتی متولد شدم (۱) مادرم خیلی جوان و خوش صورت و دارای صفات حمیده بوده است از جمله بی نهایت مذهبی و معتقد به عقاید دینی بلکه تمام ساعات عمر مشغول به خدا و نماز آیات و تلاوت کتب مقدسه اما این تنها کفایت نمیکند برای اینکه همین طوری که شاهزاده خانم خوبی باشند مادر خوبی هم باشند زیرا که در مادر چیزهایی که لازم است مادر داشته باشد در ایشان نبود... نه اینکه خدای نخواستہ من در اینجا مادر مقدس محترمه خود را تذکیر نمایم نه ایشان صاحب تقصیر نبودند بلکه عادات و اخلاق مملکتی را باید در اینجا ملامت نمایم که راه و طرق سعادت را بروی تمام زنها مسدود نموده و این بیچارگان را در منتهای جهل و بی

اطلاعی نگاهداشته اند و تمام عیوب و مفاسد اخلاقیه بواسطه عدم علم و اطلاع زنها در این مملکت تولید و ریشه داده شده است. اگر ما بنظر دقت و عقل بنگریم خواهیم دید که تمام اختراعات جدید و کشفیات عالی بزرگ حمیده و اطلاعات تجارتي و سیاسی و حربیه از مادر متولد شده است.

زیرا که تمام اشخاصی که موسس کار های بزرگ تاریخی بوده اند اولاد هائی بوده اند که در ظل حمایت و توجه مادران با علم و پدران تجدد پرور با اطلاع پرورش یافته و باین واسطه در صنایع و اختراعات پیشقدم و بعالم تمدن خدمتگذار واقعی بوده اند.

همینطور جنگ جویان و استقلال طلبان واقعی و آزادیخواهان صمیمی از مادر متولد شده اند و در تحت تربیت مادران قابل، نشو و نما نموده...

مثل اینکه طایفه (اسپارت) با کمال سبعیت و وحشیگری بقدری اولادان خوب و جنگجو تربیت نموده اند که سالها استقلال خود را محفوظ و پایتخت یونان (آتن) را خراب و ویران نموده اند.

از جمله پسری از جنگ مراجعت و به مادرش میگوید شمشیر من کوتاه است و با کمال ملایمت به او میگوید: عزیز من قدمی جلوتر بگذار. و در ابتدای استقلال روم از اهالی گلبر رومی ها حمله برده و جنگ عظیمی نمودند پس از مدتی کار به صلح انجامید و برای استحکام صلح از طایفه رومی گرو خواسته چندین نفر را برسم گرو دادند و از جمله دختری بود که در موقع استنطاق از بعضی مسائل پولتیکی که بعقیده آن دختر گفتش باعث تخریب و عدم استقلال رومیان بود زبان خود را جویده و نصف نمود و بروی سلطان انداخت و خود را برودخانه افکنده با زحمتی بطایفه خود رساند. (ناتمام)

۱ - بطوری که در پیشگفتار بادلایل و اسناد نوشتیم این تاریخ اشتباه است شاید هم در نسخه نویسی مجدد درست نوشته نشده است تاریخ تولد تاج السلطنه (در ۶ ربیع الثانی ۱۳۰۱) است.

طلوع آزادی

مونت باتن در مقابل این گفتار حیرت زده گاندی را مطمئن ساخت که تقسیم هند آخرین راه حلی است که از نظر او قابل اعمال است و تصمیم به پذیرش آن دارد .

آخرین حرف گاندی این بود به مسلمانان باید آوانس داد اما نباید بین مردم هند تفرقه انداخت .

گاندی تلاش بی نتیجه مینمود و مایوسانه عقیده داشت برای جلوگیری از تقسیم هند باید باو طفلی را داده است اینک پیکر او را دو نیم کرد .

گاندی به مونت باتن گفت تمام هند را به (جناح) بجای قسمتی از آن که میخواهد بدهید و ۲۸۰ میلیون هندو را تحت حکومت مسلمانان قرار دهید و راضی به تقسیم هند نشوید . چون هدف اصلی کنگره پرهیز از تقسیم میباشد باید اقدامات لازم را در جهت آن بعمل آورند .

ولی گاندی اشتباه میکرد و اشتباهش ناشی از این بود که نمیدانست بین طرز فکر او ، و اندیشه اطرشیانش چه اختلاف بزرگ وجود دارد .

نهر و پاتل خواهان وحدت هند بودند اما برای آن وحدت بهای نامحدود نمی پرداختند و از حدی معین تجاوز نمیکردند .

عاقبت گاندی که متوجه اشتباه خود شد با قلب شکسته به نایب السلطنه هند گفت که من نتوانستم اطرافیان خود را با نظریه وحدت هند موافق نمایم .

آخرین پیشوای هندی ، که وارد اطاق دفتر نایب السلطنه هند گردید گرچه ، بعد از همه ، او را ملاقات کرد

آینده گاندی آرام میبایستی برطبق یکی از اشارات و الهامات روحی مبارز حرفه ای گردد و این یکی از انعکاسات ارزشهای اخلاقی و روحی گاندی بود که تاثیر بسزائی داشت و تکان دهنده بود .

مونت باتن باهمیت مقام ممنوی و روحانی گاندی واقف بود چنانکه پیش بینی میکرد مهاتما گاندی بعنوان پیامبر صلح نامش در تاریخ باقی خواهد بود و از این حیث او را در ردیف حضرت مسیح و بودا میدانست .

اولین مکالمه و گفتگوی گاندی و باتن بیش از دو ساعت بطول انجامید اما با ژست فوق العاده ساده ترتیب یافته در بین صحبت این دو همسر مونت باتن (ادوینا) اظهار علاقه کرد عکسی از آنان بگیرد آنان به محل چمن کاری حیاط رفتند و برای گرفتن عکس آماده شدند .

رهبر هند عادت و علاقه داشت دستهایش را روی شانه دو دختر بگذارد و قدم بزند وقتی که مراسم عکس گرفتن تمام شد این مرد انقلابی که تمام زندگی خود را در مبارزه با انگلیس گذرانده بود عادات دستش را روی شانه آخرین زن نایب السلطنه هند گذارد و تا محل جلسه آمده بعد از نماز عصر مجدداً مشاوره این دو ادامه یافت در ملاقات دوم گاندی و باتن به گفتگوی جدی و سیاسی پرداختند گاندی اظهار داشت تنها چیزی که از نظر او مهم است وحدت هند و جلوگیری از تفرقه آن میباشد . این پیغمبر صلح و غیر انقلابی ، طالب شورش و آدمکشی نبود و یگانگی و اتحاد هند را میخواست .

اولین کسی که به صحنه سیاسی پا نهاد نهر و بود ابتدا مورد احترام گاندی بود این مرد سماستمدار برجسته و مطلع بود که چهار مرتبه بریاست کنگره رسیده و باین سمت انتخاب شده بود مهاتما گاندی بوی اتکا داشت .

مونت باتن و نهر و سریعاً نسبت به دو موضوع مهم توافق داشتند :

۱ - اتخاذ تصمیم فوری برای احتراز از کشتار و حمام خون و ضروری اجرای آن .

۲ - تقسیم هند یک تراژدی و شکست محسوب میشود .

بعد نهر و توجه خود را به هدف گاندی معطوف داشت که میگفت باید به زخم مردم مرهم گذاشت و آنان را باتحاد و اتفاق دعوت نمود .

گاندی میگفت باطراف هند میرود تا نقاط زخم را مرهم نهد و سعی در درمان پیکر هند بنماید .

البته بجای تشخیص علت بروز زخم و تشریک مساعی در درمان اصلی پیکر هند . این مرهم موقتی بود با ازدیاد پیشنهاد جدائی هند گاندی و نزدیکترین مصاحب او نهر و ، مونت باتن را باین نظر حیاتی آماده ساختند که هرگاه مونت باتن نتواند رهبران هند را وادار باتفاق و اتحاد و همبستگی در کشور نماید باید آن را ترغیب به تقسیم هند کند و تنها امیدواری او در انجام این امر اینست جدا کردن رهبران کنگره از پست خود .

گاندی چندین مرتبه بیدار مونت باتن آمد و در زمینه های مختلف با یکدیگر گفتگو کردند اما در هیچیک از موضوعات بین آنان توافق نظر حاصل نشد . مع الوصف در ماههای

لیکن وی کسی بود که کلید قفل سرنوشت هندوستان را در دست داشت. آن پیشوا، محمد علی جناح، پیشوای مسلمین هندوستان بود و نایب‌السلطنه گفت من تا روزی که محمد علی جناح را ندیدم، نمی‌فهمیدم که در هندوستان، چه وظیفه شاق و کمرشکن را برعهده دارم.

مذاکرات محمد علی جناح با نایب‌السلطنه هندوستان، با يك واقعه ناگوار (برای جناح) شروع کرد. آن واقعه این بود که قرار شد از محمد علی جناح و نایب‌السلطنه و خانم او، عکس بگیرند.

جناح که پیش بینی آن عکس برداری را کرد تصمیم گرفت که خانم نایب‌السلطنه در وسط باشد و او، و نایب‌السلطنه در دو طرف آن زن قرار بگیرند و بآن ترتیب از آنها عکس برداشته شود.

ولی نایب‌السلطنه و خانم او، تقریباً جناح را مجبور کردند که در وسط قرار بگیرد و جناح که از آن نوع عکس برداری خیلی ناراضی شد بعد گفت من يك گل، در وسط دو خار بودم.

هرکس که از تاریخ زندگی جناح اطلاع داشته باشد حیرت میکند چگونه مردی چون او پیشوای مسلمین هندوستان شد چون از صفات مسلمان بودن، در او، چیزی جز این وجود نداشت که پدر مادرش مسلمان بودند (۱).

با این که ارتفاع قامت محمدعلی جناح نزدیک دو متر بود باریک‌اندام بنظر میرسید و قیافه‌ای ظریف و نحیف داشت اما از صحت مزاج برخوردار نبود و طبیب معالج او میگفت که جناح فقط با اراده خود و ویسکی و سیگار زنده است.

محمد علی جناح و نایب‌السلطنه در نیمه اول ماه آوریل ۱۹۴۷ شش بار باهم مذاکره کردند و جلسات مذاکره گاهی ده ساعت بطول میانجامید و در آن جلسات طولانی اساس تقسیم هند بدو کشور هند و پاکستان پی ریزی شد.

نایب‌السلطنه هند گفت، درهمه عمر، مردی يك دنده‌تر از جناح ندیدم، و عاقبت برمن محقق شد که هیچ دلیلی قادر نیست که نظریه آن مرد تحصیل کرده را که در قسمتی از عمر در دربار سلاطین بسر میبرد حتی بقدر يك ذره تغییر بدهد.

نایب‌السلطنه اصرار میکرد که هند، يك کشور واحد گردد تا با داشتن پانصد میلیون جمعیت و منابع ثروت، در کشاورزی و صنایع پیشرفت کند و برجسته‌ترین کشور آسیا بشمار می‌آید ولی جناح نمی‌پذیرفت و میگفت محال است که هندو و مسلمان بتوانند در حکومتی که اکثریت با هندو میباشد، همکاری کنند و بایستی کشور مسلمین هند (باسم پاکستان) از کشور هندوان جدا شود.

وقتی نایب‌السلطنه دید که چاره‌ای غیر از قبول نظریه جناح ندارد بهمکاران گفت نقشه تقسیم هندوستان را بدو کشور هند و پاکستان ترسیم کنند.

اولین اشکال هنگام ترسیم نقشه پنجاب و بنگاله، دو منطقه اصلی مسلمان نشین هندوستان بوجود آمد.

پنجاب هاز ثرآداریائی و ایرانی و بلند قامت بودند و بنگاله‌ای‌ها از لحاظ ثرادی بکلی با پنجابی‌ها تفاوت داشتند و مردمی بودند کوتاه قد و سیاه چهره.

بین پنجاب و بنگاله از راه

خشکی هزار میل فاصله وجود داشت و کسی که میخواست (البته بعد از تقسیم هندوستان بدو کشور) از پنجاب به بنگاله برود، بایستی مدت ده شبانه روز، با کشتی، اطراف سرزمین وسیع هندوستان را بپیماید.

در مورد پنجاب هم اشکالات بزرگ بوجود آمد.

پنجاب سرزمین زرخیز هندوستان بود و انبار غله هندوستان بشمار می‌آمد و انگلیسی‌ها در آنجا کانال‌های آبیاری و جاده‌های بسیار (همه در امتداد شرق و غرب) بوجود آورده بودند و چون قسمتی از اراضی پنجاب مسکن هندوان بود، ناگزیر بودند که سرزمین زرخیز پنجاب را بدو قسمت کنند و مرزی از شمال تا جنوب آن بوجود بیاورند که تمام کانال‌های آبیاری و جاده‌ها را قطع میکرد و نیز با دو قسمت کردن پنجاب مجبور بودند که ۱۷۹۳۲ شهر و قصبه را بین هندوان و مسلمین تقسیم نمایند.

دیگر این که در پنجاب، پنج میلیون (سیخ) زندگی میکردند که آنها هم بعد تقسیم پنجاب، بدو قسمت می‌شدند و دو میلیون آنها جزو کشور مسلمین میگرددند.

در بنگاله سی و پنج میلیون مسلمان و سی میلیون هندو بسر میبردند و مسلمین بیشتر در مشرق بنگاله و هندوان زیادتر در مغرب آن سکونت داشتند اما تمام رشته‌های حیاتی سرزمین بنگاله به کلکته منتهی میشد و اگر بنگاله را نصف میکردند چون نصف غربی با کلکته در دست هندوان باقی میماند مسلمان‌های بنگاله بر اثر قطع رشته‌های حیاتی، محکوم بقنا می‌شدند.

لطفا ورق بزنید

۱ - در این جا نویسنده کتاب، راجع به مرحوم محمد علی جناح چیزهایی میگوید که مترجم بهاس احترام اموات مسلمان، و روابط دوستانه ایران و پاکستان از ذکر آنها خودداری مینماید.

(مترجم)

مرکزی درآمدن و همکاری کردن در راه پیشرفت کشورشان ممکن نبود.

نهر و با خود می اندیشید با رفتن جناح و تقسیم هند، حکومت مرکزی قوی که مورد نظر او بود بوجود می آید. اگر نهر و مایل بود دولت سوسیالیستی موافق با آرمان خود فراهم آورد با رفتن جناح و تمرکز قدرت در قسمت هندو نشین این کار عملی میشد.

بنابر این مجبور بود با این افکار و ایده ها در مقابل مرشد خود ایستادگی کند. چون باتل و نهر و در تقسیم هند اتفاق نظر یافتند بقیه سران حزب کنگره در خط افتادند و توافق خود را اعلام داشتند.

نهر و مأموریت یافت نایب السلطنه را آگاه سازد مادامیکه کنگره برپا باشد بحث مسلمان و هندو و اختیارات هند ادامه می یابد و بر اغتشاش دامن میزنند بنابراین اینان تقسیم هند را می پذیرند آنان مجبور بودند برخلاف رهبر عظیم هند گاندی که استقلال هند را عملی ساخته بود اقدام کنند، و او را با پیروزی از جلا رفته و رویای تلخ خویش تنها گذارند.

مونت باتن نیز به تقصیر خود بعد ها پی میبرد که جناح را با نداشتن مشی سیاسی و تجربه کامل یاری داد به پافشاری او در تقسیم هند تسلیم گردید در حالیکه میتوانست مقاومت نماید.

مونت باتن در گزارش دیگر خود بدولت اتلی خاطر نشان میسازد که (تقسیم هند دیوانگی محض است هیچ عاملی مرا وادار به موافقت با آن نکرد مگر وضع موقعیت خاص و خواسته اعضاء حزب کنگره که این موقعیت را بوجود آورده بود).

مونت باتن معتقد بود بار سنگین مسئولیت این تصمیم نابجا بر دوش سران هند بود و از نظر دید جهانی باید متأسف بود که اینان از تصمیمی که گرفته اند (تقسیم هند) بزودی پشیمان خواهند شد.

(ناتمام)

شده و کیسه و آب و حوله و صابون بالای سرش قرار داشت.

گاندی با دلتنگی به بحث با اطرافیان خود ادامه داده اینان سران هند بودند فرماندهان عالی حزب کنگره نهر و باتل و دیگر اعضاء عالی رتبه کنگره احساس کردند که تقسیم هند تنها راه نجات آن از مصیبت و ادبار میباشد. گاندی با تقسیم هند مخالف بود و با تمام وجودش معتقد بود که این کار درست نیست حتی اگر فکر سران هند صحیح باشد او ترجیح میدهد در هند هرج و مرج باشد تا جدائی.

گاندی نسبت بدریافت و تشخیص خود و علائق به هند آنچنان غرق بود که گمان میکرد آنچه تصور میکند صحیح است و از اینکه پیروانش برخلاف عقیده او میخواستند اقدام کنند و پیروا نبودند احساس شکست کرد.

بهر حال در آن هنگام او دیگر پیغمبر نبود و حرفهایش در آن شرایط کارگر نشده بود - گاندی بعد به یکی از دوستانش گفته بود (آنان مرا مهاتما و پیغمبری میخوانند اما من معتقدم رفتار آنها نسبت بمن از یک فرد عادی هم بدتر است) یعنی برای حرفهای اعضاء کنگره ارزشی قائل نیستند.

(باتل) آماده شده بود حتی قبل از ورود مونت باتن تقسیم هند را جلو بیندازد.

او میگفت باید دولت جناح را باو داد اما خواهیم دید که این دولت بهیچوجه برقرار نخواهد ماند.

نهر و شخصا و معنا از تقسیم هند ناراضی بود اما روح منطقی پذیر او، باو میگفت تنها علاج جلوگیری از بلوا و آدمکشی و جنگ داخلی قبول تقسیم هند است چون باپیش آمد های ناگوار و کشت و کشتار و اختلاف مذهبی دیرینه اتحاد آنان با خروج انگلیس از هند و تحت یک قدرت و حکومت

با ایجاد پاکستان فقط نصفی از مسلمان های هند، در کشور جدید اسلامی مکان میگرفتند و نصف دیگر از مسلمان ها طوری درسزمین هندوان متفرق بودند که امکان نداشت از محل سکونت آنها یک کشور اسلامی بوجود بیاورند.

جزایر واقع در دریای هند اولین مناطق تصادم و برخورد ممالک هند و پاکستان بودند گروگانهای مسلمان هند برای پاکستان خوش رفتار در واقع پس از جدائی پاکستان از هندوستان نویدی برای آزادی آنان بود هند هنوز ۴۵ میلیون گروگان دیگر یعنی مسلمانان در سراسر خاک خود داشت که از لحاظ جمعیت مسلمان در جهان بعد از جدائی آن از پاکستان در ردیف دوم قرار داشت. اگر لوئی مونت باتن - جواهر لعل نهر و یا مهاتما گاندی در آوریل ۱۹۴۷ از یکی از مهمترین رمز محرمانه یعنی تقسیم تهدید آور هند آگاه شده بودند از این کار پرهیز میکردند و از وقوع آن جلوگیری مینمودند.

این رمزنامه در قطعه ای از قلم آبی اشعه ایکس از ریتین انسانی که با میکرب سل خورده شده بود مخفی و در استتار مانده بود به ریه های این مرد بقدری آسیب رسیده بود که نمیتوانست بیش از دوتا سه ساعت زنده بماند آن عکس برداری (اشعه ایکس) در پاکت عادی و نامشخص در مطب یکی از پزشکان در بمبئی مخفیانه نگهداری میشد این رادیوگرافی از آن مردی ضعیف اما نرم نشدنی و سرسخت یعنی جناح بود که گوشش های لوئی مونت باتن را در رعایت وحدت هند خنثی کرده بود.

گاندی سخت با تقسیم هند مخالف بود و این چنین آخرین فاز دردناک در زندگی مهاتما گاندی شروع شد.

عصر اول ماه می ۱۹۴۷ بود گاندی صلیب وار در کف اطاق دراز

سلیمان خان قانونی و شاه طهماسب

اقتباس از بیع‌الیه منصوری

۲۰۱

هنگی که از آن حتی یکنفر هم باقی نماند

بامداد دمید و چوهه سلطان از خواب بیدار شد
اورا از وقایع جنگ مطلع کند .

اما سربازان اورا از تردید بیرون آوردند
و گفتند که چوهه سلطان دستور داده در هر ساعت
که پیکری از میدان جنگ رسید اورا از خواب
بیدار کنند تا پیک را بپذیرد .

چوهه سلطان را از خواب بیدار کردند و
افسر جوان غبار آلوده بحضور فرمانده ارتش ایران
رسید .

چوهه سلطان از قیافه افسر جوان دریافت
که حامل خبر های ناگوار میباشد و گفت وضع
سواران پارکابی چگونه است ؟

افسر جوان پاسخ داد که سواران پارکابی
بدستور فرمانده ما عقب نشینی کردند و اینک در
چنار هستند و شماره آنها یکصد نفر است .

چوهه سلطان گفت لابد نتوانستید اجساد
مقتولین را از میدان جنگ خارج نمایید ؟

افسر جوان گفت ما طوری در فشار قرار
گرفته بودیم که نتوانستیم حتی یک جسد را از میدان
جنگ خارج کنیم و فقط مجروحینی را که می-
توانستیم بدر ببریم بر ترك اسب ها نشانیدیم و به
چنار رسانیدیم .

فرمانده پرسید آیا شماره شما با مجروحین
یکصد نفر است یا غیر از مجروحین صد نفر
هستید ؟

افسر جوان پاسخ داد با مجروحین یکصد
نفر هستیم .

فرمانده ارتش پرسید از پیادگان هنگ
اردبیل چند نفر باقی مانده اند ؟

افسر جوان پاسخ داد از نیم هنگ اردبیلی
حتی يك نفر باقی نماند و تمام سربازان اردبیلی و

خورشید بافق مغرب نزدیک شد و صحرا
از نور آخرین دقایق خورشید ارغوانی گردید و
هنگامی که قرص شمس در پس افق قرار گرفت،
دائره (فالانش) سربازان اردبیلی از بین رفت و
دیگر حتی يك سرباز ، از آن گروه دلیران و
جانبازان وطن ، برپا نماند و همه کشته شدند یا
طوری مجروح بودند که قدرت برخاستن نداشتند.
سربازان اردبیلی گر چه تا آخرین نفر
جان سپردند یا از پا درآمدند ولی توانستند ارتش
عظیم سلیمان خان را تا غروب خورشید در آن
دشت ، معطل نمایند .

بعد از این که مقاومت سربازان اردبیلی
با معدوم شدن همه آنها از بین رفت ، خورشید
بکلی در پس افق قرار گرفت و سیاهی شب ، از
طرف مشرق پیش آمد و سرعسكر لطیف فرمان
توقف ارتش را که فرمان ترك جنگ در آن روز
بود صادر کرد .

گیلای رودباری و آن قسمت از سوارانش که باقی
مانده بودند بسوی (چنار) عقب نشینی کردند و
چون دانستند که جنگ آن روز با تمام رسیده ،
بدون شتاب عقب نشینی نمودند .

گیلای رودباری همین که به (چنار) رسید
افسری را مامور کرد که به (کند) برود و گزارش
جنگ آن روز را به چوهه سلطان بدهد .
از نام آن افسر که در تاریخ به ثبت نرسیده
اطلاع نداریم و همین قدر نوشته اند که افسری جوان
بود .

افسر جوان بعد از این که به (کند) رسید
چون در حدود دو ساعت از نیمه شب میگذشت
مردد شد چه کند و آیا در همان شب گزارش جنگ
را به چوهه سلطان بدهد یا این که بعد از این که

آنهايي که زنده ماندند ، جان گرفتند و عده‌اي از مجروحين سخت مردند .

چوهه سلطان بطوري که گفته شد اطلاع داشت که شاه طهماسب ممکن است که نيروئي را بکمک او بفرستد .

ليکن آن نيرو ، آن قدر قوی نخواهد بود تا او بتواند آن را مامور جلوگيري از دشمن نمايد .

ديديم که چوهه سلطان ، در دو نامه پياپی، از شاه طهماسب ، کمک فوری آنهم بيشکل يك سپاه نيرومند خواست .

ولی ارسال آن دو نامه برای اين بود که شاه طهماسب بخوبی به‌وضع وخيم وی پی ببرد و هرطور شده نيروئي را بکمک او بفرستد ، وگرنه چوهه سلطان بخوبی ميدانست که فرستادن يك سپاه لااقل پنجاه هزار نفری، ازطرف شاه طهماسب، برای کمک باو ، قبل از پاييز امکان ندارد .

خلاصه چوهه سلطان ميدانست بعد از اين هم که شاه طهماسب برای او کمک فرستاد باز در مرحله آخر خود اوست که بايستی جلوی دشمن را که قصد داشت به تبريز برود بگيرد .

بعضی تصور کرده‌اند که چون سليمان خان وارد تبريز شد ، شاه طهماسب پاييخت را تغيير داد و منتقل به قزوین نمود .

اين گفته صحت ندارد و شاه طهماسب مدتی قبل از نخستين جنگ با سليمان خان قانونی پاييخت را به قزوین منتقل کرد و ما علل انتقال پاييخت را به قزوین در فصول گذشته اين تحقيق تاريخی گفتيم و تکرار آن غير ضروری و کسالت آور است .

ولی اين را ميگوئيم که قزوین با اين که پاييخت شد ، در قبال تبريز ، يك شهر کم اهميت بود و شهر درجه اول کشور بشمار نميآمد (۱)

سليمان خان قانونی که ميخواست تبريز را اشغال کند ميدانست که اهميت اشغال تبريز، از طرف او ، از لحاظ سياسی و اقتصادي و روحی خیلی زياد است .

۱ - همين وضع را هم تهران بعد از اين که از طرف آقا محمد خان قاجار پاييخت شد ، نسبت به تبريز داشت و تا مدتی يك شهر کم اهميت بشمار ميآمد و سفرای خارجي در دربار ايران در تبريز سکونت داشتند نه در تهران .
(مترجم)

فرمانده آنها بش يوزباشی معصوم عطار کشته شدند .

چوهه سلطان گفت لابد محاصره شدند که نتوانستند عقب نشيني کنند ؟

افسر جوان توضيح داد ما سواران پارکابی خیلی کوشيديم تا نگذاريم دشمن سربازان اردبيلی را محاصره کنند .

اما نتوانستيم از محصور شدن آنها جلوگيري کنيم و سربازان اردبيلی وقتی خطر محاصره را قطعی ديدند يك فالانژ مدور بوجود آوردند و مقاومت کردند و ای کاش ، شما امروز در ميدان جنگ بوديد و جنگ سربازان اردبيلی را ميديديد و مشاهده ميکرديد که آن شيرمردان چگونه ارتش عظيم دشمن را معطل کرده بودند و تا غروب پايداری نمودند .

چوهه سلطان گفت آفرين بر غيرت و مردانگی فرزندان اردبيل ومن فداکاری وشجاعت آنها و شما را به مرشد بزرگ گزارش خواهم داد .
افسر جوان گفت جنگ ما در قبال جنگ امروز سربازان اردبيلی کم اهميت بود .

چوهه سلطان اظهار کرد جنگ شما هم مثل جنگ سربازان اردبيلی مردانه و با اهميت بود و گرنه چهار صد کشته نميداديد و باقی ماندن يکصد نفر از شما ، مديون اسب هايتان است و بعد از مراجعت از طرف من به گيلای رودباری بگو که از فداکاری او و سوارانش سپاسگزارم .

آنگاه فرمانده ارتش از افسر جوان پرسيد که وضع اسب او طوری هست که بتواند به چنار مراجعت نمايد .

افسر جوان جواب مثبت داد .

چوهه سلطان گفت برو و از طرف من به گيلای رودباری بگو که نيمه دوم هنگ اردبيل امروز غروب وارد اين جا شد و ما بامداد برای جلوگيري از دشمن براه خواهيم افتاد و بمن اطلاع داده‌اند که هزار و پانصد سرباز ديگر از سربازان قديم بزودی بما خواهند رسيد و خواهيم ديد که چگونه جلوی دشمن را خواهيم گرفت و در هر حال گيلای رودباری نبايد فردا با دشمن تماس پيدا کند مگر بعد از اين که ما باو برسيم .

افسر جوان از طرف فرمانده ارتش مرخص گرديد و سوار شد و بسوی چنار براه افتاد .

با اين که مدت استراحت سربازان چوهه سلطان در کند کوتاه بود ، در همان مدت کوتاه ،

شاه طهماسب باو اطلاع داده بود که هزار و پانصد سرباز از سربازان قدیم که در کارهای جنگی، مطلع و باتجربه هستند بزودی باو خواهند رسید.

(چوهه سلطان) میدانست با این که تمام آن سربازان، از فنون جنگ بااطلاع هستند و دارای روحیه خوب نیز می‌باشند (چون همه جنگ دیده بودند) نیاپستی از آنها انتظار زیاد داشته باشد زیرا بین آنها سرباز جوان وجود ندارد و سالخورده‌گی سربازان، سبب می‌شود که آنها نتوانند خستگی زیاد و طولانی را تحمل نمایند گو این که در دوره خدمت راه‌پیمائی طولانی و خستگی و بیخوابی را تحمل میکردند.

اما چوهه سلطان میدانست همان‌گونه که يك پهلوان کشتی‌گیر اگر سال‌ها، ورزش و گرفتن کشتی را ترك نماید خام می‌شود و هرگاه دوباره بسوی ورزش و کشتی‌گیری برود مدتی طول می‌کشد تا این که دارای کفایت و لیاقت اولیه گردد.

سربازان قدیم هم که مدتی از ارتش برکنار بودند، دیگر بنیه جسمی گذشته را نداشتند مگر این که چندی خدمت کنند و بدن آنها با خستگی میدان جنگ معتاد شود آنهم مشروط براین که با اقتضای سن، مغایرت نداشته باشد.

زیرا بعد از این که سن مرد از مرحله‌ای معین گذشت، دیگر وضع بنیه جسمی او بشکل سابق در نمی‌آید و بسیاری از مردان از این واقعیت اطلاع ندارند و مردی که فی‌المثل در سن سی سالگی یا چهل سالگی يك شیرین‌کاری جسمانی از خود نشان داده، در سن هفتاد سالگی هم در صدد برمی‌آید که آن عمل را تکرار نماید ولی می‌فهمد که از عهده بر نمی‌آید و اگر نزد دیگران، دعوی کرده باشد چون از عهده بر نمی‌آید خفیف می‌شود با این وصف، (چوهه سلطان) ترجیح می‌داد که شاه طهماسب برای او سربازان سالخورده را که مدتی ترك خدمت کرده بودند بفرستد ولی سرباز تازه‌کار که تعلیمات ندیده نفرستد برای این که میدانست سرباز تازه‌کار، که تحت تعلیم قرار نگرفته هنگامی که خود را در میدان جنگ، مقابل تیغ‌های برهنه و خون‌آلود و تبرها و گرزها و نیزه‌ها دید و صدای توپ را شنید، روحیه را از دست می‌دهد.

(نا تمام)

در آن موقع، بر فرض مثال، اگر سلیمان خان قانونی، بجای این که مستقیم بطرف تبریز برود راهی را پیش می‌گرفت که او را به قزوین می‌رسانید و آن شهر را که پایتخت بود اشغال میکرد، عمل سیاسی و نظامی او، باندازه اشغال تبریز دارای اهمیت نمی‌شد و انعکاس بوجود نمی‌آورد.

آن زمان در ایران شهرهائی بزرگ چون اصفهان و شیراز بود (و مشهد هنوز يك شهر بزرگ بشمار نمی‌آمد و توجه سلاطین صفوی آن را بزرگ کرد).

معذا، هیچ يك از شهرهای ایران دارای اهمیت تبریز نبود و سلیمان خان قانونی میدانست که با اشغال تبریز يك لطمه سخت بر ایرانیان خواهد زد و فداکاری ایرانیان هم بطوری که در فصول و صفحات گذشته این تحقیق دیدیم برای این بود که آن شهر با اهمیت بدست سلیمان خان قانونی نیفتد.

این را هم باید گفت که تبریز با دارا بودن اهمیت‌های سیاسی و اقتصادی (و روحی) برطبق موازین امروزی دارای اهمیت استراتژیکی نبود، مگر برای آذربایجان شرقی آنهم در منطقه‌ای واقع در شمال مدار سی و هفتم (۲).

اگر تبریز، بهمان نسبت که دارای اهمیت سیاسی و اقتصادی بود اهمیت استراتژیکی هم داشت بعد از این که سلیمان خان قانونی تبریز را اشغال کرد ایرانیان نمیتوانستند آن شهر را از او پس بگیرند در صورتی که پس گرفتند.

اهمیت استراتژیکی تبریز فقط يك اهمیت موضعی بود یعنی برای تمام ایران اهمیت استراتژیکی نداشت و گر نه ایرانیان نمیتوانستند از قسمت‌های دیگر نیرو باذربایجان منتقل کنند و تبریز را از سلیمان خان پس بگیرند.

در هر حال (چوهه سلطان) با وقوف بر اهمیت تبریز میدانست که با نیروی خودش بایستی جلوی دشمن را بگیرد.

۲- مقصود از مدار سی و هفتم مداری است که در سی و هفت درجگی شمال خط استوا قرار گرفته، و میدانیم که کشور ایران، بتقریب بین مدار بیست و پنجم و چهارم شمال خط استوا قرار گرفته و این تعیین موضع از طرف مترجم، فقط جنبه تقریب و تخمین دارد و تحقیقی نیست. (مترجم)

چند نمونه از فجایع دوران استبداد

چه بر سر بازرگان قزوینی و فرزندانش آوردند تا دیگر هوس دوستی با بزرگان را نکنند

بجس برد و اسباب اتهام او شد والا او یکی از مقدس‌های روزگار بود نمازش ترك نمیشد روز دو جزو قرآن تا نمیخواند از خانه بیرون نمیرفت در ماه رمضان شش روز يك ختم قرآن میخواند آقای من شما از اینجهت کدورت نداشته باشید که عنوان بابی-گری وسیله دوستی و دشمنی است امروز هرکس با هرکس دشمنی داشته باشد که دستش نرسد کاری بکند این وصله را باو میچسباند باشد که بزرگ شوی و ازخوب و بد دنیا چیزها بهیینی از خداوند حسن عاقبت طلب کن که انسان عاقبت بخیر شود از خداوند میخواهم که ترا از شر شیطانهای جن و انس محفوظ دارد من ازکلمات او خیلی متنبه شدم و از او حلاکت طلبیدم اما بقدری ملول بودم که حد نداشت و از خداوند مسئلت نمودم که از اتهام کلیتاً مرا محفوظ دارد مخصوص اتهام به کفر و عنوان یافت خوب بنظر دارم که با خود تصور میکردم که اگر انسان را بآتهامی متهم کنند میتواند خودش را از آن اتهام بیرون بیاورد میگوید مال مردم را خورده اگر نخورده باشد میگوید نخورده‌ام و کسی هم بر او نمیتواند وارد کند و همچنین است اتهام به سایر مجرمات اما عنوان کفر که امر قلبی است بهیچ طور نمیتواند از خود دور نماید بگوید نیستم میگوید همی چه خواست دارد خلاصه از این وادی صرف نظر کرده باصل مطلب میکوشیم قبل از این شورش اصفهان به ترتیب مخصوص اموراتش اداره

دیگران را بکنم بهتر است که در خانه خواهرم جیره‌خوار باشم .
از این حکایت که کربلائی گفت میخواست روح از بدنم بیرون رود اما در نظر من کربلائییه خیلی خوار شد و دیگر بآن احترامیکه داشت اورا همدم نمیداشتم و حتی المقدور از صحبتش فرار میکردم چه شوهرش دانستم بکیفر بابیت متهم بود این را زن بابی تصور کردم و از پس از این اسم نفرت داشتم نمیخواستم با کسیکه اندک آلاش دارد محشور باشم ولی بروی خود نمی‌آوردم تا آنکه وقتی ناخوش شدم در ناخوشی من که بدرد گلوبتلا بودم این زن خیلی توجه کرد شبها تا صبح نمیخوابید هر وقت اورا صدا میزدم میدیدم بیدار است تا آنکه من بهتر شدم و روزیکه میخواستم حمام بروم از او معذرت خواستم که در این چند روزه شما خیلی زحمت مرا کشیدید گفت من زحمت شما را بجان متحمل اما از يك جهت حیرانم که تو چرا از من اظهار کدورت میکنی و میل نداری که با من حرف بزنی گفتم چون ملتفت شده‌اید من میگویم و از شما میخواهم که عفو کنید من از اسم بابی بدم می‌آید شرحی که شما گفتید معلوم شد شوهر شما را به تهمت بابی-گری گرفته‌اند لهذا بعلاقه زوجیت قلباً از شما هم کدورت دارم گفت خیلی از این حالت شما مسرور شدم با کفر آشنائی ندارید بلکه اینطور دوری میکنید اما بدانید شوهر من بابی نبود و اورا متهم کردند آنهم حاکم اورا اشتباها

شوهرم نتوانست دیگر در قزوین زندگی کند اموال خود را فروخت و مرا برداشت بکربلا آمد سه سال کربلا بودند در این سه سال اگر بخوام شرح حال خود را بگویم يك کتاب میشود تا آنکه شوهرم هم مرد چون اولاد نداشت تمام اموال خود را بمن مصالحه کرد ولی از من خواهش کرد که ثلث آنرا بدست مجتهدی که باو وثوق داشت و همیشه در نماز جماعتش حاضر میشد بمصرف خیرات برسانم بعد از مردن شوهرم آن مجتهد بر من تکلیف کرد که در حباله‌اش دربیایم من قبول نکردم و از او اعتراض کردم با من خصومت نمیتوان نامه بحيله از من گرفت و يك مصالحه نامه باسم خود تمام کرد و تمام اموال من و شوهرم را تصرف نموده و کار مرا باینجا رسانید که پدر شما در اوقاتیکه نجف بود خدمتکار خواست مرا بجهت خدمتکاری شماها گرفته حالا چند سال است در اینخانه خدمت میکنم و کسی که همیشه چند کلفت داشته حالا باین راضی شده‌ام که شب و روز خدمت شما را بکنم و تا جان دارم اینجا خدمت شما خواهم بود چرا که مادر شما بمن نظر مهربانی دارد بنظر کلفتی بمن نظر نمی‌نماید گفتم کربلائی مگر شما در قزوین قوم و خویش ندارید گفت چرا سه خواهر داشتم که الان سالها است از آنها خبر ندارم که مرده‌اند یا زنده و آنها هم از من خبری ندارند آیا بچه رو میتوانستم بولایت خود برگردم اگر کنیزی

بقیه امنیت فردی ...

مسکن باشد ولی شفا بخش نیست . پس در عین حال که از نظر حفظ نظام اجتماعی باید مجازاتها را نگاه داشت . و هیولای قانون جزا را برخ کشید باید برای ریشه کن کردن یا حداقل پائین آوردن چشم گیر سطح جرائم دنبال راه حل های دیگری رفت .

چه راه حلی ؟

حاج نمیزی داری شفا بخش هر مرضی نیست . پس قبل از تجویز هر

سالها در اصفهان با نهایت عزت و درستی تجارت کرد و نمره اول تجار اصفهان بون چندین سال روضه خوانی مفصل داشت مهمانی های خوب میکرد از هر جهت آراسته بود خانه های خوب ساخته عمارات صحیح داشت از تقدیرات الهی یا بواسطه تعدیات حکومتی و دیگران نمیدانم کارش اغتشاش حاصل نمود با اینکه همه چیز داشت و میتوانست که سالها حفظ صورت خود را بنماید روزی متذکر میشود که جمع و خرجی از حساب خود بکند و ملاحظه کند که با این ضرر ها که باو رسیده چه دارد بدقت حساب میکند می بیند تمام دارائی او ضرر است اگر آنچه دارد بفروشد شاید هزار تومانی بجهت او باقی خواهد ماند و اگر بفروشد از امروز هر چه بخورد از مردم کاسته میشود با یکی از اقاربش مطلب را بمیان میگذارد و صحبت میکند که من خیال درم قروضم را بدهم و اگر این کار را بکنم باید تمام اسباب زندگانی خود را حتی این خانه ها را بفروشم و خود را از این مردم آسوده کنم و اگر حالا نکنم کار من سخت خواهد شد و شاید مبالغی از مال مردم تلف شود

ناتمام

که گاه از اوقات دادگستری پا را از قانون فراتر گذاشته و مختل المشاعر و غیر مسئول تام را هم محکوم به مجازات های هراسناک میکند باز در سطح جرائم تقلیلی دیده نمیشود همان جنایات یا نظیر آنها مرتباً تکرار می شود . دزدی . کلاهبرداری . خیانت . قتل و جرح و ضرب و آدمکشی های احساسی و عاطفی آمار جنائی را بالا نشان میدهد . ذکر این مطلب برای اثبات این امر است که ساده ترین و تنبل ترین و غیر موثر ترین راهها همان مجازاتهای انتظامی و باصطلاح اربابی است . آری ممکن است تا اندازه ای

میشد که اجمال آن این بود در هر کوچه و محله و گذری یک نفر دو نفر زیادتر کمتر ملا و پیش نماز داشت اهالی این محله و گذر رجوعاتشان بآن آقا و پیش نماز بود انواع تملق و کوچکی را در او میکردند و وجوهات شرعیه باو میدادند منازعاتشان را هم آنها اصلاح میکردند اینها تصرف در حدود خودشان داشتند و با یکدرجه محکوم دیگران بودند و هر چند نفرشان بستگی بیکی دو نفر از آقایان بزرگ داشته در گرفتاریها متوسل و در اوقات درس و مرافعه جزء جلال آنها بودند این طبقه از مالاها ضررشان بمردم چندان زیاد نبود زیرا که چندان قدرتی نداشتند بعلو چون میخواستند وجوهات بریه بگیرند حتی المقدور سلو کشان را مطابق شرع مبه کرده بظهور صلاح آراسته بودند و اگر در خفا مدلیتی میکردند خیلی مخفی بود و اگر ظاهر میشد او از نان خوردن می افتاد و مجبور بود خود را از اتهام بیرون بیاورد .

حکایت حاجی محمد محسن

اصفهانی معروف به شیرازی

یکی از وقایع تاریخی حال حاجی محمد محسن شیرازی تاجر است که

گونه دارویی باید مرض را کاملاً شناخت . برگردیم به امریکا و اروپا . به بینیم این نوع خشونت ها و اعمال ضد اجتماعی جدید با این ابعاد ترسناک از کجا سر چشمه گرفته و میگیرند .

انقلاب صنعتی نتوانست شکاف طبقاتی را از بین برد . ماشینیسیم در کنار فئودالیسم پیدا شد . و آنجا هم که فئودالیسم از بین رفت . نیروی ماشین جانشین حکومت زمین شد .

فقط اسم استعمار شده عوض شد . رعیت بود شد کارگر . مؤثرک ها فقط ارباب عوض کردند ولی صفت رنجبری و محرومیت باقی ماند .

جنگهای اول و دوم جهانی چه از نظر فیزیکی و چه از نظر روحی و معنوی دنیا را متقلب و دگرگون کرد . استعمار سیاه و سرخ هردو فشار و نیروی خورد کننده خود را روی اکثریت محروم جامعه ها وارد آوردند . نه دیکتاتوری پرولتاریای لنین درد نوده را دوا کرد نه امپریالیسم ماوراء اقیانوس ها و کنفدالیسم اروپا .

مهاراجه های هندی جای خود را به خدایان انگلیسی دادند و پولیت بورو جانشین تزار شد . و در هیچیک از دوایسیم جائی برای شخصیت فرد نماند و استعمارگران در هر دو رژیم بفکر خود بودند .

سی میلیون جمعیت بریتانیا بر بیش از ۷۰۰ میلیون افراد دنیا آقائی میکرد و بچپاول و غارت می پرداخت همچنین سایر استعمارگران دنیا . سلطه لنینیسیم و وحشتناکتر از آن استالینیسیم در زیر عنوان طرفداری از طبقه زحمت اکس و قشر های فشرده شده توده روح و بزرگترین نعمت حیات یعنی آزادی را از آنان گرفت . اما چنانچه گفته شد دنیا از نظر روحی تکان شگرفی خورده بود . و زیر خاکستر آتش نهانی نیرومندتر و مقاومتر میشد تا آنکه دیوانه ای بنام آدلف هیتلر از ضعف و آلودگیهای دول استعمارگر لطفاً ورق بزنید

بموقع استفاده کرده و با تر احمقانه و عوام پسندی بعنوان « آلمان برتر از همه » دنیا را بآخ و خون کشید .

زوال هیتلریسم و همتای نافرجام آن فاشیسم موقعیتی مناسب بدست توده هائی داد که مدتی بفکر رهائی از یوغ زورگویی بودند . هند از سلطه انگلیس خود را رهائی داد و بدنبال و موازات آن کشور های خاورمیانه و سپس قاره افریقا و سایر نقاط دنیا . تعداد کشور های آزاد جهان که

قبل از جنگ دوم بزحمت به ۵۰ می رسید امروز سه برابر شده و این استقلالها بدنبال خود (ایسم) هائی آورد : ملی ، نژادی ، طبقاتی و غیره . جنگ جهانی اسما پایان یافت اما جنگ سرد را ابر قدرتها آغاز کردند که بسایرین نیز سرایت کرد و هنوز ادامه دارد . آرمانهای سیاسی ، نژادی ، مذهبی تولید نگرانیها و وحشتها برای همه کرد و حتی این عطش استقلال و خود مختاری در داخل کانون های خانوادگی و اعضای آنان رسوخ کرد . فرزندان چه پسر و چه دختر سر از اطاعت اولیاء خود برگرداندند . و با بالهای نحیف و شکن نگرفته و نا آزموده خود به بلند پروازی پرداختند . کوچه جایگزین خانه شد . هم فکرها یا بهتر بگویم بی فکرها « دورهم گرد آمدند و تشکیل دسنة های هیپی . کت چرمی . نیم تنه سیاه . متهمردین و عصیانگر تشکیل دادند .

قبل از آنکه بمعنی و مفهوم آزادی واقف شوند خود را از قید و بند اجتماعی و انسانی پله ورها دانستند و چون فاصله هائی دور و پریچ و خم را در کوتاهترین زمان خواستند به پیمایند وقتی با مقررات اجتماعی روبرو شدند واکنشهای ضد اجتماعی نشان دادند . و بدین طریق مسئله ای بنام « جوانان جنایتکار » یا جنایت جوانان پیدا شد . مسئولین اجتماع هرگز بفکر تشخیص و درك درد نرفتند

و بخود زحمت تجزیه و تحلیل عوامل تکثیر و تنوع جرائم را ندادند . بلکه خواه ناخواه جوانان عصیانگر که با اعمال ضد اجتماعی خود امنیت عموم را بخطر می انداختند بصورت قهرمانانی درآمدند . کارلوس معروف . فلان گانگستر بی باک . و آن احمق دیگر که ۷ زن پرستار را در چند دقیقه کشت !! و غیره با عکس و تفصیلات خوراک وسائل پیوند همگانی میشدند .

از طرفی آن انقلابات روحی که ذکر شد از سوی دیگر بموازات این تحولات روحی و دماغی پیشرفت های تکنولوژی و گوناگون شدن فرآورده های صنعتی و بالا رفتن شهوت مصرف نیز جوانان را به لغزشهای جنائی کشاند : خود مختار شده اند . با اجتماع و مقررات سنتی آن سرسازش ندارند . دلیری و طنازی و فرمانروائی پول هم بیش از پیش شده چه میکنند ؟ حمله به بانکها . ربودن کودکان . تجاوز به زنها . کلاب برداری . آدم دزدیها . در مقابل چه میکنیم ؟ مجازات بیشتر . مجازات سهمگینتر . اما اصل مهم و اساسی را نادیده میگیریم و آن طرق اصلاح و تربیت و باز گرداندن جوانان منحرف براه راست است . بجای آنکه طرز تفکر و محتوی سر را عوض کنیم سر را میبریم .

داستان هر روز و هر روز تکرار میشود و بالنتیجه جامعه از نظر اصلاح و پائین آوردن سطح جرائم طرفی نمی بندد . و نخواهد بست . نتیجه ای که از این بحث میگیریم این است که عصیان و تمرد و خشونت و اعمال جرم زا يك علت ندارند . بلکه مخلوقی از اثرات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است . و بدیهی است علاج چنین دودی را با يك درمان نمیتوان کرد بلکه باید از گوشه های مختلف و زوایای متعدد مورد بررسی و چاره جوئی قرار بگیرد . این برنامه در اغلب کشور های جهانی مورد اجرا گذاشته شده در فرانسه هم اکنون کمیسیونی از دانشمندان علم

الاجتماع . جرم شناس . اقتصاددان . حقوقدان و غیره تشکیل شده که مسئول تهیه گزارش کاملی هستند که باطلاع رئیس کشور برسانند . تا راه های پیشنهادی مطالعه شده و بمرحله عمل درآید . در مین ماگامهای بزرگی در این راه برداشته شده که گسترش دانش . بهبود تعلیم و تربیت . اصلاح وضع مادی و اقتصادی قشر های مولد کشور (کارگر و کشاورز) برقراری بیمه های اجتماعی و کوشش در بازگشت افراد منحرف براه راست از آنجمله است . البته این برنامه دراز مدتی است که فاصله زمانی نسبتا طولانی لازم دارد . ولی لحظه ای نباید از آن عملا غافل شد و مخصوصا در این امور اجتماعی کار را بدست کاردان داد .

حل مشکل تضاد های اجتماعی تنها با خشونت و کیفر عملی نیست و باید متوجه زیربنای جامعه شد تا به نتیجه مطلوب رسید .

آری همین برنامه های رفاه اجتماع . و پر کردن اختلافات طبقاتی و توزیع ثروت عادلانه . از بین بردن تبعیضها و خاصه خرجیها . رفع بی عدالتیها . مبارزه با فسادها . همین اقداماتی است که جامعه را بطرف آرامش و پیشرفت واقعی و تمدن سوق میدهد . و از تعداد جرائم می کاهد . باید دردها گفته شود . انتقادات سازنده سالم و بی رنگ بشود . مرض که تشخیص داده شد ، علاج و شفای آن آسان است . در دنیا هیچ پریشی بدون پاسخ نیست . نه در سؤال باید شتابزدگی بشود نه در جواب . حسن نیت و خواست واقعی پاسخگوئی همه مشکلات و معضلات است .

امیدواریم که مین ما که با گامهای بزرگ بطرف تمدن بزرگ می رود در به سازی جامعه و پاک کردن از آلودگیها عصر تکنولوژی گمراه کننده نیز سرمشق چشم گیر و هادی و راهنمای برانزدهای گردد .

تکنولوژی در سال ۲۰۰۰

در ۱۵۰ سال گذشته دامنه اطلاعات بشر هر ۱۲ تا ۱۵ سال دو برابر شده است . در ۱۹۳۰ دانسته های بشر ۴ برابر آنچه بود که در ۱۹۰۰ می - دانست ، تا ۱۹۶۰ معلومات وی ۱۶ برابر شده و میتوان انتظار داشت که تا سال ۲۰۰۰ اطلاعات وی نسبت به یک قرن قبل از آن صد برابر شود .

در مدت بیست و چند سالی که به قرن بیست و یکم باقی است چهره زمین و اجتماعات ساکن در آن و امکانات موجود در آن بکلی دگرگون خواهد شد .

سی سال قبل بندرت کسی یافت میشد که باور کند بشر قادر خواهد بود که چون امروز در خانه اش بنشیند و فضانوردان را در حال راه نوردی در فضا تماشا کند و یا اینکه با قلب یک انسان مرده شخص دیگری بتواند به زندگی بپردازد .

تا سال ۱۹۴۸ ترانزیستور اختراع نشده بود ولی هم اکنون این قطعه الکترونیکی جزئی از هر دستگاه تلویزیون یا رادیوی قابل حمل است .

در سال ۱۹۵۷ اولین وسیله فضائی (پوتنیک ۱ - توسط روسیه) پرتاب شد و هنوز دوازده سال از اولین تجربه فضائی نگذشته بود که تکنولوژی

قادر شد انسانی را در ماه بنشاند (۲۰ ژوئیه ۱۹۶۹ - آپولو - آمریکا) وقایعی نظیر اینها سرعت رشد صنعتی را در نیمه دوم قرن بیستم نمایان میسازند .

امروزه تصور زندگی بدون وجود وسایل ماشینی تقریباً غیرممکن است . نمونه ای از نفوذ ماشین در زندگی بشر توسعه روزافزون اتومبیل است .

طبق آماری در آلمان در سال ۱۹۵۰ تعداد اتومبیلهای شخصی در این کشور حدود ۵۰۰ هزار بود یعنی بطور نسبی ۱۸۱ اتومبیل برای هر ۱۰۰ نفر .

در سال ۱۹۷۳ این تعداد به ۱۸ میلیون رسید ، یعنی بطور متوسط هر خانواده یک اتومبیل .

سفر ما به آینده

مهمترین جنبه پیشرفت صنعتی عبارت از تولید و توسعه وسایل خودکار است . بدنبال این پیشروی وسایل و تجهیزات مکانیکی هرچه بیشتر بوسیله ماشین اداره خواهند شد و دیگر انسان خود نیازی به کنترل وسایلی که ساخته است ندارد وجود کامپیوترها در این پیشروی دارای نقش عمده هستند .

در وضع تکنولوژی مدرن امروز رابطه بسیار نزدیکی بین صنعت و تحقیق

از یکطرف و اقتصاد و رشد اجتماعی از طرف دیگر موجود میباشد . هدف از تحقیق و توسعه تکنولوژی صرفاً بهتر کردن وضع اقتصادی نیست ، مهمتر از آن پیشبرد شرایط زندگی و کار اجتماعی و علاج تأثیرات منفی ناشی از تغییرات صنعتی و اجتماعی است . در نتیجه باید جنبه هایی که به جامعه مربوط میشوند مورد توجه قرار گیرند . از جمله میتوان به جنبه های زیر اشاره کرد : بیماری های ویژه حاصل از تمدن مدرن چون برخی سرطانات و ناراحتیهای قلب و فشار خون باید تا حد امکان خنثی شود .

همچنین محیطی که در آن زیست می کنیم و منابع غذایی ما باید از عواملی که دارای تأثیرات مضر هستند در امان باشند . باید برخی تحقیقات مثل تحقیقات بنیادی پزشکی تشویق شوند و مورد حمایت قرار گیرند .

بعلاوه باید شرایط بنحو مطلوبی توسعه و ایمنی در محل کار حتی الامکان افزایش یابد .

تحقیق و صنعت باید زمینه ای برای توسعه و برقراری یک محیط مناسب برای داشتن یک زندگی مرفه و همچنین قضایی برای حفاظت منابع طبیعی و متعادل نمودن شرایط جوی بوجود آورد هم شهرها و هم دهات

باید تا حد امکان از تاثیرات سوء صنعت در امان باشند.

از پروژه های موجود جهت نیل به هدفهای فوق میتوان به برنامه ای جهت استفاده نسبتا کامل از انرژی که به زمین میرسد اشاره کرد. میدانیم حدود یک سوم انرژی که به زمین می رسد توسط اتمسفر زمین منعکس میشود.

کمی بیش از ۴۵ درصد دیگر آنهم در سطح زمین منعکس میشود و ۲۲ درصد باقیمانده باعث تبخیر آب در رودخانه ها و دریاها میشود.

تهیه امکاناتی مورد نظر است که توسط آنها حداکثر استفاده ممکن از این انرژی بعمل آید. دیگر اینکه متد های جدیدی برای یافتن مواد خام و استفاده از زغال سنگ مورد مطالعه است. انرژی هسته ای نیز در آینده سهم بزرگی در تهیه انرژی مفید خواهد داشت.

در زمینه پیشرفت شهری و اقلیمی هم دانسته های جدیدی قرار است جهت توسعه شرایط کار و زیست بکامک گرفته شوند.

برنامه هایی نیز جهت جلوگیری از آلودگی هوا و آب و زندگی دریائی مورد مطالعه و بررسی است. تحقیقات همچنین شامل توسعه راههای جدید حمل و نقل میشوند. مطالعات فضایی نقش عمده ای در توسعه امکانات ارتباطی و پیشبرد سیستم های پیش بینی هوا ایفا خواهند کرد.

بموازات این پیشرفتها باید توجه بسیاری به خطرات ناشی از آنها مبذول گردد.

الکتریسته بدون وجود نیروگاه

در بیستم و بیست و یکم ژوئیه ۱۹۶۹ بزرگترین تجربه ماجر اجوانه خود را انجام داد و آن پیاده شدن بر سطح کره ماه بود. باید گفت که این پیروزی بزرگ مروهون پیشرفت الکترونیك بود.

پرواز های فضائی ممکن نمی شد مگر با توسعه منابع جدید الکتریسته که مستقل از نیروگاه باشند.

سفینه «جمینی - ۵» که بیش از یکصد بار بدور زمین چرخید دارای يك منبع بزرگ انرژی الکتریکی بر روی خود بود این وسیله سلولهای انرژی در خود داشت که در آن اکسیژن و هیدروژن ترکیب شده و تشکیل آب میدادند و در این فرآیند الکتریسته نیز تولید میشد.

کپسولهای آپولو که بشر را قادر ساخت تا در ماه به کاوش بپردازد دارای سه سیستم سلول انرژی «پ-ث ۲ - ۳۴» بود که هیدروژن و اکسیژن را برای تولید ۲ کیلووات الکتریسته در هر بار ترکیب میساخت. آبی که تولید میشد صرف خشك کردن دستگاه و همچنین سیستم های دیگر میشد.

این منبع انرژی (الکتریسته) روز بروز اهمیت و ارزش و مورد استفاده بیشتری می یابد و در برنامه های صنعتی که برای آینده طرحریزی شده اند نقش مهمی دارد.

بسیاری معتقدند که الکترو اتومبیل ها در آینده جای اتومبیل های فعلی را خواهند گرفت. این اتومبیلها بدون صدا و فاقد دود و امثال آن هستند. نمونه های آزمایشی این وسیله با باتری های معمول قدیمی کار میکنند ولی پس از موفقیت سیستم های نیرو دهنده وسایل فضایی، سلول های انرژی برای اتومبیلها نیز بکار خواهند رفت. بمنظور کاهش وزن و فضای اشغالی اتومبیل گوشه هایی صورت میگیرد تا توسط آنها هیدروژن لازم از سوخت مایع موجود در اتومبیل گرفته شود و اکسیژن از هوای خارج اخذ گردد. يك وسیله کوچک از این نوع بعنوان نمونه هم اکنون با سلولهای نیرو دهنده ای که با سوخت موشك شامل هیدرازین و اکسیژن حاصله از اتمسفر محیط کار میکند در حال انجام وظیفه است. هدف آنست که مقدمات طوری

ترتیب داده شوند که روزی تمام وسایل با موتور های الکتریکی شامل سلول های نیرو دهنده بکار بپردازند. اما بهر حال قبل از آن تاریخ این سلولها خدمات دیگری از جمله در زمینه وسایل ارتباطی راه آهن و راه آبی انجام خواهند داد. این پروژه رودخانه ها و دریاچه ها را از آلوده شدن بوسیله زوائد موتور های دیزلی در امان خواهد داشت.

تکنولوژی فضائی

مبارزه علیه گرسنگی در جهان امروزه با متد های صنعتی مدرن شکل موثری بخود گرفته است. پرواز های فضائی و عملیات علمی و تحقیقی و اکتشافی آن در حل مشکلات ناشی از افزایش سریع جمعیت زمین رل مهمی ایفاء میکند.

ایستگاه های فضایی و اقماربون سر نشین در آینده مبنائی برای برنامه ریزی های تغذیه جوامع بشری خواهد بود.

لابراتوار فضایی اروپائی اسپاس لاپ از برنامه های بزرگ آینده است که از جمله وظایف آن خدمت به کشاورزی و برنامه ریزی غذایی می باشد. این ایستگاه فضائی برنامه وسیعی با حوزه عملکرد در زمینه های نجوم، فیزیک فضائی و جوی، علوم زیستی، فیزیک خورشیدی، ارتباطات، فیزیک زمینی و دریائی، تولید و تحول ماده در فضا، تکنولوژی فضائی و بررسی وضع زمین خواهد شد.

یکی از مزایای این آزمایشگاه فضایی در مقایسه با ماهواره های بدون سر نشین توانایی بازگرداندن بخشهای مهمی از یافته ها در قالب فیلم و نوار به زمین است. این عمل قبلا توسط اسکای لب هم انجام میشد.

«شاتل فضایی» یکی دیگر از وسایل پر ارزش فضایی است که در حال توسعه میباشد و بنظر میرسد قبل از سال ۲۰۰۰ آماده بهره برداری گردد.

شرح عکس روی جلد

نماز عشاى جماعت در صحن حضرت ثامن الائمه (ع)

عکسی که در این شماره روی جلد مجله دیده می‌شود منظره‌ایست برتر از يك منظره روحانی و می‌توانیم آن را يك منظره قدوسی بخوانیم و هر زن و مرد مسلمان که این منظره را می‌بیند دیدگانش روشن می‌شود. (ارنست رنان) محقق ادبی و فیلسوف فرانسوی که در قرن نوزدهم میلادی میزیست و تحقیقات او مربوط به خدمات بزرگ دانشمندان ایرانی بدنهای اسلام، معروف‌تر از آن است که نیازمند معرفی باشد می‌گفت که منظره نماز جماعت مسلمان‌ها یکی از مناظر باشکوه زندگی اجتماعی نوع بشر است و او نه مسیحی و فیلسوف بود فقط شکوه منظره نماز جماعت را میدید و نمیتوانست جنبه روحانی یا قدوسی نماز جماعت را ببیند اما يك مسلمان، وقتی منظره‌ای چون منظره روی جلد این شماره را می‌بیند در قلب خود، از برکت توحید و ایمان به مقدسات دین اسلام نوری را احساس می‌نماید که آنهایی که مسلمان نیستند، نمیتوانند با چشم باطن آن نور را ببینند و فقط مثل (ارنست رنان) ممکن است شکوه سقف نماز جماعت را احساس نمایند و هم او میگوید، مسلمانها قبل از این که برای نماز جماعت آماده شوند فقط وضو میگیرند تا این که مطهر باشند و غیر از وضو، شرکت آنها در نماز، تشریفات دیگر ندارد و برای نماز جماعت لباس مخصوص نمی‌پوشند و همه آنها، با لباس عادی روزانه، در نماز جماعت حضور بهم میرسند، معهذا، شکوه دسته جمعی آنها هنگام نماز بقدری است که هر بیننده را تحت تاثیر قرار میدهد. منظره‌ای که در این شماره روی جلد مجله دیده می‌شود منظره نماز عشاى جماعت در صحن مطهر حضرت ثامن الائمه (ع) است و پرتو چراغها در عکس محسوس می‌باشد.

این وسایل مانند تاکسی‌های فضایی عمل خواهند کرد بدین ترتیب که وسایل فضایی را به مدار خود حمل نموده و سپس میتوانند آنها را بزمین بازگردانند. شاتل‌طوری ساخته شده است که قادر به عبور از جو است و میتواند چون هواپیمائی در فرودگاهی بر روی زمین نشیند. جالب اینجاست که این وسیله پس از انجام وظیفه برای مأموریت بعدی آماده میگردد و همچنان به انجام وظیفه خود ادامه میدهد.

علاوه بر اینها طرحهای مورد بررسی است که براساس آنها مطالعاتی برای ایجاد شهرکهای در فضا صورت میگیرند و این یکی از پدیده‌های بزرگ و ارزشمند تکنولوژی سال ۲۰۰۰ خواهد بود.

یکی از این طرحها که اخیرا شهرت بسیاری کسب کرده است طرح «پروفسور اونیل» از دانشگاه پرینستون آمریکاست. مستعمرات فضائی دکتر اونیل عبارت از سیلندرهای بسیار بزرگی است که در آنها شهرهایی با مشخصات کلی شهرهای زمینی ساخته خواهند شد.

پیشرفتهای دیگر

با نگاهی به ۲۰۰ سال گذشته پیشرفت سریع ارتباطات نظر ما را جلب میکند. در اثر این پیشرفت قاره‌ها چون کشور‌های همسایه بهم نزدیک شده‌اند در حالیکه کشورها خود نیز چون استانهایی مینمایند. انتظار میرود بیشتر تغییرات آینده در خصوص حمل و نقل در زمینه پروازهای هوائی صورت گیرند. در ابتدای قرن آینده از جمله پیشرفتهای ارتباطی یکی استفاده از قطارهای ویژه‌ای برای مسیرهای طولانی است. این قطارها چرخ نخواهند داشت و در يك حوزه مغناطیسی حرکت خواهند کرد. مزایای این وسیله عبارتست از: سرعت بین ۲۵۰ تا ۳۲۰ مایل در ساعت، ایمنی بیشتر و آلودگی کمتر.

خورشید بطور بسیار وسیعتری استفاده خواهد شد. برای مثال دیتگاهها و سیستم‌هایی در اقیانوسها مأمور جمع‌آوری انرژی حاصل از جزر و مدها، امواج و جریانهای اقیانوسی خواهند شد.

در خاتمه متذکر میشویم که اشاره به تکنولوژی ۲۰۰۰ باید با توجه به پیشرفتهای فعلی و نیز وضع کنونی تکنولوژی مدرن و بصورتی کلی مطرح گردد و از آنجائی که نباید موشکافی دقیق این بحث به خیالپردازی مبدل شود باید چشم به آیتدما داشت و منتظر بود تا واقعیتهای خود میزان پیشرفتهای را مشخص سازند.

همچنین از هواپیماها، هلیکوپترها و کشتی‌های مدرن و پیشرفته‌ای با دامنه عمل وسیع استفاده خواهد شد.

در کنار پیشروی‌هایی که مختصرا توضیح داده شد آنچه مربوط به صنایع تولیدی کوچک و بزرگ و وسایل تحقیقاتی دقیق و کارآمد می‌شود نباید از نظر دور گردد. در مورد وسایل تحقیقاتی میتوان به توسعه تلسکوپها، رادیو تلسکوپها، ماهواره‌ها و سفاین دور پرواز و همچنین شتاب‌دهنده‌ها و بالاخره تجهیزات پزشکی اشاره کرد.

در مورد توسعه منابع انرژی هسته‌ای، انرژی دریاها و انرژی

بقیه انفجار شهر نشینی

را هیچگونه قانونی تضمین نمیکند و در هیچ جا نیز به ثبت نمیرسد. بدین ترتیب چنین دوشاخگی در قانون - قانون سنتی و قانون مدرن دوشاخگی در زمینه های اجتماعی - اقتصادی را نیز در برخواهد داشت و نخبگان جامعه را از توده مردم ممتاز میکند :

روستائیان محروم از استقرار در ساختمان ها و یا زمین های مساعد در زمینهای رها شده نامساعد ، بی حاصل و بدون هیچگونه هویت قضایی رحل اقامت میافکنند. مناطق باطلاتی و پست ، شیب دار و پر گودال محل استقرار توده های مهاجر قرار میگیرد . چنین شرایط جغرافیائی موانع زیادی در راه خانه سازی در این مناطق بوجود میآورد و مهاجرین از اینکه پناهگاهی برای خود ایجاد کنند ، خشنود میشوند زیرا مسئله مسکن يك امر حیاتی برای آنها بشمار میرود .

در چنین شرایط بدی ، خانه سازی افسار گسیخته یا «خود - بخود» در وضع بسیار نامساعدی گسترش پیدا میکند و بهبود این وضع خارج از محدوده توانایی ساکنان آنست . در بیشتر مواقع صاحبان قدرت چشم های خود را روی چنین وضعی می بندند و بدین ترتیب تلویحا استقرار مهاجران روستایی در شهر ها را غیر قانونی قلمداد میکنند .

در اینگونه زاغه نشینی ها ، که در شمار شهر های واقعی لکن غیر قانونی بشمار میآید ، از خدمات عمومی مانند آب و فاضل آب و سایر زیربنا سازمان های ضروری خبری نیست. تمایز میان شهر های قانونی (که فقط ۲۰ درصد از جمعیت را در بر دارد) و «شهرهای غیرقانونی» (که روستائیان در آن بسر میبرند) در برنامه ریزی شهر سازی در نظر گرفته شده است . وجود زاغه های ساخته شده از حلبی ،

زیادی بار میاورند و بدین ترتیب بر پیکر اقتصاد ملی آسیب میرسانند . سرانجام ، چگونه میتوان وجود محله های اعیان نشین در کشور های جهان سوم را ، که باسانی با محله های تجلی هالیوود رقابت میکنند ، توجیه کرد؟ برای تزیین این ساختمان ها از مواد بسیار گران قیمت استفاده شده است. تمام نکات بالا دال بر آنست که به آن دسته از فعالیت های ساختمانی که اولویت دارند ، توجه نمیشود و بهمین جهت در سر راه خانه سازی برای مردم مشکلاتی بوجود میآید و مساله کمبود مسکن همچنان بجای خود میماند. کمود خانه عامل اصلی بورس بازی است . این امر نیز بنوبه خود در ایجاد مسکن خلل بوجود میآورد و به افزایش اجاره بها و بحران کمبود مسکن منجر میشود . چنین بنظر میرسد که در چنین شرایطی جلوگیری از امر بورس بازی بیش از کار خدمات عمومی اهمیت دارد و فعالیت داوطلبانه در امر برنامه ریزی و سازمان دهی درست ، لازمه این کار است .

لکن سازمانهای مسئول تأمین مسکن به «فعالیت های داوطلبانه» چندان توجهی ندارند . بیشتر دفاتر مطالعاتی بیش از آنکه به برنامه ریزی توجه داشته باشند ، نگران گسترش شرکت های خود هستند . بازار این دفاتر مطالعاتی گرم است و وجود شرکت های بین المللی گواه این مدعاست . اداره های محلی ، بدون آنکه بتوان خرده ای بآنها گرفت ، در ایجاد مسکن نقش ثانوی را ایفا میکنند .

از آنجائی که در عمل با شهر نشینی خودبخود مخالفتی نمیشود و برای ایجاد شهرها زمینه مساعدی وجود دارد ، فقط به «بهبود» وضع شهر سازی توجه میشود .

از سوی دیگر ، در برخی نقاط ، بویژه آفریقا ، کسانی که در زمینی مستقر میشوند معمولا «فقط شفاها» با یکدیگر معامله میکنند . این قراردادها

پوشال و محله های فقیرنشین و کثیف که مادون شأن بشری است ، در محافل بشردوستانه سر و صدای زیادی براف انداخته است . در گفتگو های سیاسی نیز بارها لزوم ریشه کنی خانه سازی افسار گسیخته (خود - بخود) مورد بحث قرار گرفته است .

زاغه نشینی توده های مهاجر به مرض جذام و سرطان مانند شده است و چنین پنداشته میشود که تنها راه درمان آن ، ویران ساختن آنست، همان گونه که ریشه های سرطانی را بدست جاقوی جراح میسازند .

لکن ویرانی زاغه ها و کاربرد روش هائی نظیر آن بحران مسکن را تشدید خواهد کرد . اگر بیاندیشیم که برخی محلات زاغه نشین را باید ویران کنیم ، کاری از پیش نمیریم چون از عمر این زاغه ها زمان درازی میگذرد و اگر بجای آنها خانه های تازه ای بنا نکرده هرکار دیگری بی حاصل است .

انهدام زاغه ها باید کاملا توجیه شده باشد ، زیرا در غیر اینصورت ساکنان آنها که پناهگاه خود را از دست داده اند بسوی محلات دیگری سرازیر خواهند شد و در آنجا اجتماع خواهند کرد .

اگر شهر نشینی «خود - بخود» به ایجاد محلات پر جمعیت منجر شود ، انهدام آنها تراکم جمعیت در نقاط فقیرنشین را بدنبال خواهد داشت و عبارت بهتر بر محلات زاغه نشینان میافزاید . در چشم انداز بیست و پنج سال آینده فشار مهاجران روستایی به شهر ها افزایش خواهد یافت در حالیکه شهرنشینی (خود - بخود) هنوز وجود خواهد داشت ، بهتر آنست که با این پدیده اکنون روبرو شد و بآن پایان داد . مهاجران روستایی به لطف همبستگی بی که میانشان وجود دارد ، بدون یاری جامعه سازمان یافته که حتی گاهی با آنها به مبارزه برمی - خیزد ، برای خود پناهگاهی نمیابند.

سال جاری نیز علیرغم کاهش فصلی به روند صعودی خود ادامه داد بطوری که در تیر ماه ۱۷ر۲ درصد بالاتر از رقم مشابه سال قبل قرار گرفت و متوسط رشد چهار ماهه آن نیز به ۱۶ر۰ درصد رسید. لکن از مرداد ماه بر اثر نظارت شدید مقامات مسئول و همچنین کاهش قابل ملاحظه بهای اکثر پارچه‌های پشمی و نخی از سرعت رشد آن کاسته شد بطوری که متوسط رشد دو ماهه مرداد و شهریور نسبت به رقم مشابه سال قبل به ۱۰ر۹ درصد محدود گردید.

در نیمه اول سال گذشته پس از خوراک شاخص گروه مسکن با ۲۷ر۲ درصد افزایش (در مقابل ۱۸ر۳ درصد نیمه اول سال قبل) بیشترین سهم را در بالا بردن شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی داشت. در این گروه افزایش شاخص کرایه خانه بعلت اجرای قانون تعدیل و تثبیت اجاره بها ۱۲ر۹ درصد بود. باید توجه داشت که قسمت اعظم واحد های اجاره‌ای مورد بررسی مربوط به واحدهایی بوده که تغییر مستاجر نداده و از مزایای قانون مذکور استفاده

میتوان ادعا کرد که این مهاجران برای مساله راه حلی یافته‌اند. مکانیزم ایجاد مسکن در بطن برنامه عمرانی نهفته است. رشد اقتصادی به تنهایی قادر به حل این مشکلات نیست و گاهی خود آنرا بوجود می‌آورد. مهاجرت روستائیان با از هم پاشیدگی روستاها همراه است، بدین ترتیب «شهرنشینی» (خود - بخود) تنها راه حل روستائیان بی‌زمینی بنظر میرسد که بعدها به شهرنشینان بیکار تبدیل میشوند.

بنابراین بهبود کیفیت زندگی در جوامع بشری با توانایی حکومت های جهان سوم، در گنجاندن مساله مسکن در مسیر توسعه ارتباط دارد.

بقیه احوال جیب مملکت

کرده‌اند. کرایه هتل و مسافرخانه نیز در گروه مسکن در این دوره ۲۰ر۳ درصد افزایش داشت و علاوه بر آن ترقی شدید بهای مصالح ساختمانی غیر فلزی و خدمات ساختمانی نیز موجب گردید که شاخص هزینه های مالک برای تعمیرات مسکن نیز ۲۲ر۷ درصد بالا رود.

روند صعودی شاخص اثاثیه خانه که از نیمه دوم سال ۱۳۵۰ شروع شده بود در چهار ماهه اول سال نیز ادامه یافت و در تیر ماه به حداکثر رسید، بطوری که شاخص مذکور در این ماه ۲۷ر۴ درصد بالاتر از رقم مشابه سال قبل قرار گرفت. متوسط افزایش این شاخص در چهار ماهه اول سال جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل ۲۵ر۳ درصد شد که قسمت اعظم این ترقی مربوط به افزایش بهای قالی بود. در ماههای مرداد و شهریور بعلت تنزل بهای قالی و همچنین کاهش بهای اکثر اقلام اثاثه خانه در اثر مبارزه با گرانفروشی، شاخص اثاثه خانه تنزل نمود و از سرعت رشد آن کاسته گردید بطوری که متوسط افزایش شاخص مذکور در ماههای مرداد و شهریور نسبت به دو ماه مشابه سال قبل به ۲۱ر۱ درصد محدود شد.

فعالیت بورس اوراق بهادار تهران

در نیمه اول سال ۱۳۵۴ حجم معاملات بورس اوراق بهادار تهران به نحو قابل ملاحظه‌ای توسعه یافت و به ۳۰۹ میلیون ریال رسید که ۸۱ درصد از رقم مشابه سال قبل بیشتر است در این مدت ارزش سهام معامله شده در بورس تهران از رشدی معادل ۷۸ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل برخوردار شد و به ۳۶۷۲ میلیون ریال بالغ گردید.

طی دوره مورد گزارش مجموع معاملات اوراق قرضه دولتی در مقایسه با معاملات مربوط به سهام از رشد سریعتری برخوردار گردید و به همین جهت سهم معاملات مذکور نیز در کل معاملات بورس از ۱۷ درصد در نیمه اول سال ۱۳۵۳ به ۲۶ درصد در نیمه اول سال ۱۳۵۴ افزایش یافت. در حالی که در نیمه اول سال قبل رشد معاملات مربوط به سهام در سطحی به مراتب بالاتر از معاملات اوراق قرضه دولتی قرار گرفته بود.

در نیمه اول سال ۱۳۵۴ حدود ۱۸۲۰ میلیون ریال سهام بانکها در بورس تهران معامله شد. از این مبلغ حدود ۱۵۱۷ میلیون ریال مربوط به معاملات سهام بانکهای تجاری و ۳۰۴ میلیون ریال بقیه مربوط به معاملات سهام بانکهای تخصصی بود. معاملات سهام بانکهای تخصصی رونق قابل ملاحظه‌ای داشت و میزان معاملات سهام آنها از ۹۷ میلیون ریال در نیمه اول سال ۱۳۵۳ به ۳۰۴ میلیون ریال در نیمه دوم سال ۱۳۵۴ افزایش یافت. علاوه بر این سهم معاملات سهام بانکهای مذکور در کل معاملات سهام بانکهای زیادتر شد. در این مدت معاملات سهام شرکتهای تولیدی نیز به سرعت افزایش یافت و به حدود ۱۸۵۲ میلیون ریال رسید. میزان معاملات سهام شرکت های مذکور در نیمه اول سال قبل حدود ۹۸۹ میلیون ریال بود معاملات سهام مربوط به شرکتهای تولید کننده فولاد و همچنین کارخانه های نساجی از رونق بیشتری برخوردار گردید و میزان معاملات سهام شرکتهای مذکور به ترتیب از ۹۳۲ میلیون ریال و ۱۲ میلیون ریال در نیمه اول سال ۱۳۵۳ به ۱۲۸۸ میلیون ریال و ۳۱۵ میلیون ریال در نیمه اول سال ۱۳۵۴ افزایش یافت.

لطفا ورق بزنید

فعالیت های کشاورزی

براساس آمار وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، در سال زراعتی ۱۳۵۳ ۱۳۵۴ محصولات عمده کشاورزی به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش داشته است. در میان محصولات زراعتی تولید گندم ۱۷ درصد، تولید جو ۶۲ درصد و تولید برنج ۲۰ درصد نسبت به ارقام مشابه سال قبل افزایش نشان میدهد. در میان محصولات مورد استفاده در صنایع، تولید چغندر قند حدود ۵ درصد نسبت به رقم مشابه سال قبل افزایش داشت. آمار وزارت کشاورزی و منابع طبیعی مربوط به تولید پنبه هنوز در دست نیست ولی آنطور که پیش‌بینی میشود تولید این محصول در سال جاری کمی کاهش خواهد داشت. افزایش نرخ خرید چغندر قند توسط کارخانه های قند از علل توسعه کشت آن و فروش ترفتن قسمتی از محصول پنبه سال قبل بعلت رکود در کشور های صنعتی جهان و تنزل قیمت پنبه صادراتی از علل کاهش سطح زیرکشت پنبه بوده است. اساس ارقام وزارت کشاورزی تولید گوشت قرمز ۵۶۰ هزار تن و تولید تخم مرغ ۱۸۲ هزار تن بوده است.

در ششماهه اول سال ۱۳۵۴

پرداختهای عمرانی دولت برای توسعه کشاورزی ۲۳۲ میلیارد ریال و برای توسعه منابع آب ۱۸ میلیارد ریال بود. اعتبارات توسعه کشاورزی حدود ۱۰۵ برابر و اعتبارات توسعه منابع آب حدود دو برابر ارقام مشابه سال قبل گردید به این ترتیب از ابتدای برنامه عمرانی پنجم تا پایان ششماهه اول سال جاری جمع پرداختهای دولت برای برنامه های توسعه کشاورزی به حدود ۶۷ میلیارد ریال و برای برنامه های توسعه منابع آب به حدود ۵۵ میلیارد ریال بالغ شده است. ارقام مذکور به ترتیب حدود ۲۳ درصد و ۲۴ درصد اعتبارات مصوب برنامه های توسعه کشاورزی و توسعه منابع آب در برنامه پنجم است.

از پرداختهای توسعه کشاورزی سهم قابل ملاحظه‌ای (حدود ۴۵ درصد) به افزایش سرمایه های بانک تعاون کشاورزی و بانک توسعه کشاورزی ایران اختصاص یافت و در نتیجه آن مجموع وامهای پرداختی دو بانک مذکور به میزان قابل ملاحظه‌ای از رقم مشابه سال قبل بیشتر شد. پرداخت های مربوط به برنامه کشت و صنعت، واحد های بزرگ کشاورزی و پرداخت های مربوط به برنامه تنظیم بازار

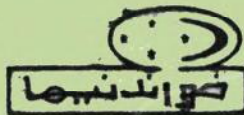
محصولات کشاورزی که به ترتیب ۱۵۴ و ۱۴۴ درصد مجموع پرداختهای برنامه توسعه کشاورزی را تشکیل میداد، از سایر برنامه های توسعه کشاورزی بیشتر بود.

در میان پرداختهای توسعه منابع آب، سهم برنامه ایجاد شبکه های آبیاری (حدود ۵۰ درصد) از سایر برنامه های توسعه منابع آب به میزان قابل ملاحظه‌ای بیشتر بود. بعد از اعتبار برنامه مذکور سهم برنامه های آبرسانی به شهرها (۲۲۸ درصد) و تامین آب (۲۲ درصد) در مراتب بعدی قرار داشت.

اعتبارات بانکی کشاورزی:

طی ششماهه اول سال ۱۳۵۴ پرداختهای بانکهای تخصصی برای فعالیت های کشاورزی و دامپروری رو به رشد به حدود ۱۷۵ میلیارد ریال بالغ شد که نسبت به رقم مشابه سال قبل حدود ۶۱ درصد افزایش داشت. از مبلغ مذکور حدود ۸۹ درصد به صورت وام و کمک بلاعوض به کشاورزان و مجریان طرحهای کشاورزی پرداخت شد و بقیه مشارکت در سرمایه گذاریهای بخش کشاورزی بود.

(ناتمام)



فشریه سیاسی و انتقادی و ارشادی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول و سردبیر علی اصغر امیرانی - قائم مقام مدیر فرید امیرانی

شماره ۸۱ سال سی و ششم شماره مسلسل ۳۳۱۰ هر هفته دو شماره روزهای شنبه و سه شنبه منتشر میشود

سه شنبه ۱۵ تیر ماه سال ۱۳۵۳ شاهنشاهی مطابق ۸ رجب ۱۳۹۶ برابر ۶ ژوئیه ۱۹۷۶

بها: در سراسر کشور ۴۵ ریال و بعد از يك ماه پنجاه ریال میباشد

آبونمان سالیانه برای ۱۰۰ شماره ۴۵۰۰ ریال

تهران: اول خیابان فردوسی - تلفن: ۳۱۶۴۵۱ - تلگرافی خواندنیا - تلکس ۲۱۲۷۶۲

جبرجت بوئینگ ۷۴۷-SP

یک پیروزی تازه برای هواپیمائی ملی ایران «هما»

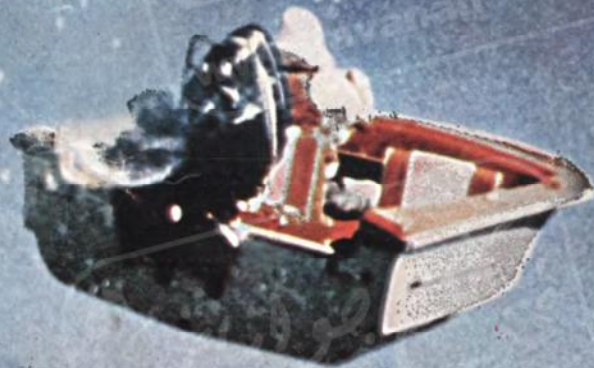


«هما» همچنان در راه پیروزی گام بر میدارد و در سراسر جهان دومین شرکت هواپیمائی است که مدزترین هواپیمای بدنه وسیع دنیا را که دارای بهترین خصوصیات پروازی در بین هواپیماهای موجود دنیا است بخدمت میگیرد. بوئینگ ۷۴۷SP قادر است با ۳۰۵ مسافر، بالاتر، سریعتر و دورتر از سایر هواپیماهای مادن سرعت صوت جهان پرواز کرده، مسافران خود را با آسایش و آرامش بیشتر مقصد بزرگ





سیکو هدیه ای که سالها می ماند



SEIKO